

افغانستان

خلاصه سوابق تاریخی

و

کرونولوژی واقعات

تالیف محمد یونس عینی

افغانستان

خلاصهٔ سوابق تاریخی

و

کرونولوژی واقعات

تألیف محمد یونس عینی

به پیشواز هشتاد و دومین سالگرد استرداد استقلال وطن
وسومین پیروزی ملت غیور افغان برابر قدرت استعمار
گر انگلیس .

نام کتاب : افغانستان ، خلاصه ، سوابق تاریخی و کرونولوژی واقعات
مؤلف : محمد یونس عینی
تاریخ طبع : اگست سال ۲۰۰۱ میلادی (اسد ۱۲۸۰ هجری شمسی)
محل توزیع : شهر برنبی ونکور وسیع - برتش کلمبیا - کانادا

پیشگفتار

خدایا جهان پاد شاهی تراست
زما خدمت آید خدایی تراست
جهان را بلندی و پستی تویی
ندانم چه ای، هرچه هستی تویی

روزي که در جریان کارتهیه، جنتری سال ۱۲۶۹ خورشیدی
میخواستم ایام مهم تاریخی رانشانی و در پا ورقیهای تقویم بنویسم ،
باین فکرشدم که ، کاش رساله ای میداشتم که خلاصه ترین نکات
واقعات گذشته، مملکت عزیز ما با ذکر زمان و مرجع وقوع حوادث
در آن درج باشد.

همان روزباخودگفتم چه بهتر اگرمن قدمی درین راه بردارم، ودفتری
تهیه کنم که فشرده ترین کتاب تاریخ مملکت ما باشد . ولی روز دیگر
بنا بر دلایلی چند از آن فکر منصرف گردیدم..
مدتی بعد بازهم افکارم بر دور و بر همان مفکوره چرخیدن گرفت.

اینبار با خود گفتم : چه میشود ، اگر قدمی درین جهت بگذارم و
جر یانات تاریخی دوره های اخیر مملکت خویش را از نوشته های
مورخین والا اعتبار بیرون نویس ، ترجمه ، اقتباس و تلخیص نموده
تاریخ وار فهرست نمایم تا خد متی باشد به میهن وهم میهنانم .
همانا دست بکارشدم تا اینکه این مختصر پدیدار گشت .
امیدوارم که این دفتر درآینده با افزودن معلوماتهای مزید حیثیت یک
کتاب جامع تر رابخود اکتساب نماید .

کانادا ۶ جون ۲۰۰۱ میلادی

محمد یونس عینی

مقدمه

تاریخ آینه است مملو از سرگذشت انسانها از عهد باستان تا امروز ، اما باز هم که مطالعه کنندگان دوره های تاریخی را مطالعه میکنند دانشمندان ومحققین گذشته زیر تاثیر قومیت ، نژاد ، ومذهب خود قرار داشته همه فتوحات وترقی را از آن مردم ونژاد ومذهب خود دانسته وهمه بدیها وبدبختیها را مربوط طرف خود تذکار داده اند . البته باز هم نمیتوان انکار کرد که مورخین ومحققین با وجدانی در همان روزگاران هم بوده اند که حقایق را طوریکه شاید وباید در قید قلم آورده بودند .

اما امروز از خیرات سر مکتب ریالیزم، واقعیتها بیشتر وبیشتر در گوشه وکنار تاریخ روشنی انداخته است که قابل قدر بوده وچون مطالعه اینهمه سرگذشت بشرواعمال خوب وبد که از آنها سر زده است وقت زیاد را ایجاب میکند وجوانان ما فرصت مطالعه، آنهمه سرگذشتها را ندارند وحتمی نمیتوانند که تنها از کشور خودش را از عهد باستان تا امروز بصورت مفصل بخوانند ، بناء"برای روشن شدن جوانان ما بصورت ریالیزم و بطور فشرده اثر مختصر لازم و ضروریست وضروریتر از آن واقعات عمده تاریخی است که با سنوات تاریخی واشخاص آن بصورت فشرده در یک اثر جمع گردد ویدسترس

مر دمان میهن ما گذاشته شود، مخصوصاً "واقعات همین چند دهه، اخیر که بعد از قانون اساسی ۱۲۴۲ بو قوع پیوسته است بیشتر قابل توجه میباشد. نویسنده بطور نمونه از بیانیه، اعلیحضرت امان اله خان غازی در باره، علاقه ودلچسپی او به معارف واتحاد ملی کشور چند سطری تذکار میدهم :

سفر شاه در قندهار : >> باید بکوشیم که معارف توسعه یابد و علم فرض است. اگر مسلمان باشد یا هندو ، اگر مسلمان باشد با ید ما گوشش کنیم او یک مسلمان با دیانت وفهمیده بار آید ، واگر هندو باشد باید یک هندوی تعلیم یافته شود که به کشورش افغانستان خدمت نماید. من در مکتب هندوها یک غلطی دیدم که آنها دینیات خود را تعلیم نمیگرفتند ولی من امر کردم تا در ساعتی که بچه های مسلمان دینیات اسلامی خود را میخوانند بایدطلبه، هندو هندوای خود را بخواند. شما میدانید اهل هندو در افغانستان یک جزو بسیار ضعیف است ، میباید ما وشما مراعات خاطر آنها را نموده بهر طوریکه میتوانیم به آنها دلداری بدهیم وبه هیچ صورت او شانرا از خود خفه ودلگیر نسازیم . <<

در بیانیه، دیگر میگوید : باز بشما میگویم که مراتب مروت واخوت را بین خویش مستحکم کنید وکسانیرا که برای عزت وترقیات تان میکوشند و شب وروز در خدمت سر گرم میباشند به نظر احترام وتقدير بنگرید واز

خرابی و اضرار قومیت و پره و جنبه داری بمجریکه دشمنان شرف و اسلامیت
تان بر مملکت تان دست یافته بود، علی الفور در پی تفرقه درانی و غلجایی و
شعیه و سنی افتاده و توسط دشمن بجان هم افتادید و دشمن ازین پره و جنبه
داری و تفرقه استفاده کرد. من افسوس دارم شعیه و سنی هر دو مسلمان ،
هر دو کلمه گوی و هر دو اهل قبله میباشند پس چه چیز این دو فرقه،
معظمه، اسلامیه را به اندازه از همدیگر دور کرد که همواره منا قشه، شان به
مجادله می انجامد. ای کاش شما اگر عقل دور بین میداشتید و علت
تیره گی که دست دشمن در بین شعیه و سنی افکنده است به چشم حقیقت
می دیدید و می سنجیدید که ازین مخالفت آ یا اسلام منفعت گرفته است و یا
خساره کشیده است و دشمنان ما ازین خصومت که میان ما افکنده است چه
اندازه استفاده کرده است.

آری و افسوس ، مارا بادست خود ما از اما جدا کرده اند، تکه تکه نموده
اند و پارچه پارچه ساختند و تمام قوای ما را بدست خود ما به تحلیل
بردند.

این بیانات شاه امان اله خان و دیگر کار های ترقی خواهانه و دروره شاه
توسط فرمان سردار محمد هاشم خان از مکاتب و دفاتر و تحویلخانه جمع
گردید و به آتش زدند ولی بعضاً اشخاص با تجربه و ملی آن آثار ذی قیمت

را پنهان کردند که پس از رویکار آمدن به اصطلاح جهادیان از گوشه و کنار پیدا شد و بچاپ رسید.

در دوره حکمرانی سر دار محمد هاشم نه تنها که آثار دوره امانی حریق گردید بلکه خط آهن و آهنپوش قصر دارالامان هم ویران گردید و حتی نام دارالامان به نوبی کابل تبدیل گردید.

بناءً جوانان ما از دوره امان اله خان چون اسنادی در دست نبود چیزی نمیدانند و مشروطه خواهان و اصلاح طلبان دوره دوم را که بنام امانیست بیشتر معروف بودند همه زندانی و یا بقتل رسانیدند.

حکومت سر دار محمد هاشم خان و نور دیده هایش بار دیگر همان عمل انگلیسها را که در دوره امانی تبلیغ میکردند عملی نمودند و تبعیض را بین مردم آوردند. اولتر از همه هندوها را از دفاتر کشیدند و از مکاتب اخراج کردند و همچنان اطفال مردم کلکان را از تحصیل محروم نمودند و و و و.

پس از آنکه شاه محمود خان بجای محمد هاشم خان صدراعظم تعیین گردید تا اندازه از مر دمان ستمدیده دلجویی نمود ولی با کودتای ۲۴ سرطان ۱۲۵۲ بار دیگر استبداد شرقی توسط سر دار محمد داوود خان به پیروی از کمونستان وطنی بوجود آمد تا خود سر دار محمد داوود خان بدست دست پروردگان خودش بقتل رسید.

از دوره محمد داوود تا ختم دوره نجیب اله از جمله ۲۵ هزار قریه و کشور ۲۲ هزار قریه آن بخاک برا بر گردید و بیش از یکنیم میلیون کشته و بسیار معیوب بجا گذاشت ، تا نوبت به جهادها رسید و آنها همچنان کردند که گوسفند گرفتار گرگ گفته بود:

تو از چنگال گرگ در ریودی چو دیدم عاقبت خود گرگ بودی
در آخر از بد بدترش توبه ، اما بالای مردم مظلوم افغانستان یکی پی
دیگر مصیبت سر مصیبت رسیده است . از کودتای داوود تا نجیب، تنها
و تنها روسها حاکم بودند ولی پس از سقوط نجیب دیگر پاکستان بدرجه
اول، ایران بدرجه دوم و عربستان سعودی بدرجه سوم گماشتگان خود را
مانند گرگ بر رمله یا گله رها نمودند که دمار از روزگار ما کشیدند.
اینکه عاقبت چه میشود معلوم نیست ، اما مهاجرین افغان که در کشورهای
بیگانه بسر میبرند، مخصوصاً اطفال و جوانان ما قطعاً از تاریخ کشور ما
خبر ندارند و هر یک از مورخین ما در عهد شاهی مانند مرحوم احمد علی
کهزاد نام کشور باستانی ما را < آریانا > خواندند و مرحوم غبار به نقل از
کهزاد آریانا و بعد خراسان و افغانستان نوشت و عوض فلات ایران < فلات آریان >
آورده اند، اما مورخین قدیم ما بشمول فردوسی خراسانی به نقل از
شاهنامه ... که آنرا به شعر آورده است نام کشور ما را ایران خوانده و همچنان

< گردیزی > که مرحوم عبدالحی حبیبی آنرا تو شیخ کرده است هم ایران خوانده است. طبری ودوتا آ خرین مورخ عهد قدیم محمد بن خاوند شاه بلخی سلاطین مارا از عهد کیومرث تا دوره تیموریان هرات مانند فر دوسی وگردیزی و طبری وغیره ، شاهان ایران خوانده اند وهمچنان مورخین غرب اکثراً بجای آریانا مایران نوشته اند. بناءً جوانان ما وقتیکه به انسایکلو پیدیای کشور های غرب وتاریخ جهان که غربیها وشرقیها نوشته اند مراجعه میدارند، می بینند که بعوض آریانا مایران استعمال کرده اند . در آخر هم محترم داکتر جاوید بنام اوستا اثری تالیف کرده اند که نام قدیم کشور مارا آریانا - ایران خوانده است. ولی داکتر جاوید مینویسد: در ادبیات کهن ما لفظ آریانا والریان دیده نشده و اگر هم شده باشد بما نرسیده است. قدیمترین جاییکه در فارسی لفظ آریانا را می بینیم این دو قطعه است :

ای کشور من ای آریانای کبیر ای علو مقامت آشکار از پامیر
کبک تو باج ستاند از باز آهوری تو ناز میفرشد بر شیر

در قرن ۱۹ شرق شناس معروف انگلیس - < اچ ، اچ ، ولسن > حد ومرز ساحه آریانا را مطابق قلمرو امروز افغانستان بشمول بعضی از نواحی غربی تشخیص داده ومیگوید حالیا افغانستان که نامیده میشود آریاهای یونانی قدیم است . گوتشمند خاور شناس المانی می نویسد: آریانا در

ادوار قدیم منحصر به ایران شرقی (افغانستان) اطلاق میشود .
بهر حال کلمه، آریانا توسط یکی دو نفر خارجی بنوشته
آمده ولی کلمه ایران توسط نویسندگان های شرق و غرب و شمال و جنوب
یاد شده و انرا دارای چهار ایالت خوانده اند که خراسان ، نیمروزان (سیستان)
آزر بایجان و فارس .
در مورد اینکه ما اشتراک تاریخی با فارس داریم و کشور کاملاً جدا بوده ایم
درین مورد محققین و دانشمندان کشور ما و همچنان محققین غربی باید اظهار
نظر نمایند .
بهر حال ، با این سر در گمی که در مورد تاریخ داریم همیشه در فکر این
بودم که وقایع بزرگ تاریخی باستانی ما با حوا دتیکه درین چهار دهه بعد از
تنفیذ قانون اساسی ۱۲۴۲ تا به امروز بوقوع پیوسته است بصورت مختصر
تذکر یابد . اما خوشبختانه که محترم محمد یونس عینی شاعر وطنخواه
کشور تا جایکه اخبار و آثار بدسترس شان قرار یافته ، سنوات تاریخی
کشور ما را از عهد باستان تا امروز با همه فراز و فرود هایش بصورت فشرده
در یک اثر گرد آورده است .
بنابراین داشتن این اثر خوب و دلچسپ نه تنها برای جوانان ما مفید بوده بلکه به
بزرگسالان بیشتر جلب توجه مینماید تا بملاحظه آن سنوات واقعات

تاریخی را بیک نگاه بدست آورده و از مراجعه و جستجو به کتابهای بزرگ رهایی
یابند .

چند روز قبل نسبت فراموشی که خاصه بزرگسالان است ، واقعه بده بیره
در پشاور که چند نفر روس اسیر در آنجا بقتل رسیدند و در کابل نسبت
مرگ این چند نفر روس ، حزب برسر اقتدار بیش از چهل روز ماتم گرفتند
و بیش از صدها مقاله و شعر در مرگ این غارتگران در جراید ، رادیو
وتلوویزیون نشر نمودند اما از کشتا رسته جمعی قیامهای چنداول ، بالاحصار
وهرات وقندهار وچارکنت وغیره هیچ کس حرفی بر لب نیاورد . از آن واقعات
خونین وجانبازانه فرزندانش رشید کشور کسی یادی هم نه نمود .
بناءً باید گفت لعنت به استبداد بهر شکلیکه باشد .

خدا خراب کند هرکسی که مملکتی

برای منفعت خویش خوان یغما کرد

م . آصف . آهنگ

این خطه که روزی آریانا بوده است
گهوارهٔ مر دمانِ دانا بوده است
اندر دلِ ظلمتِ قرونِ و سَطی
چون چشم و چراغِ اهلِ دنیا بوده است

از یحی آ رین پور والوالجی

فرد چون پیوند ایامش گسیخت
شانهء ادراك تو دندانہ ریخت
قوم روشن از سوادِ سر گذشت
خودشناس آمدز یادِ سر گذشت
سر گذشت او گر از یادش رود
باز اندر نیستی گم میشود

اقبال

مندرجات

صفحه

بخش اول : اظهار نظر

۲۲ - ۲۵ بحث پیرامون تاریخ قدیم افغانستان -

بخش دوم : چیده هادر موارد :

۲۹ - ۴۴ سوابق تاریخی کشور

۴۴ نامهای قبلی کشور

۴۸ - ۴۹ زابلستان

۵۰ - ۵۲ خراسان

۵۲ - ۵۵ سیستان

۵۵ نیمروز

۵۶ - ۵۹ افغانستان و نقشه، فعلی آن

بخش سوم : فهرست نامهای سلاطین و شاهان افغانستان

از پیشدادیان بلخ تا غزنویان :

۶۲	طبقه اول (پیشدادیان)
۶۲ - ۶۲	طبقه دوم (کیانیان)
۶۴	طبقه سوم (ملوک طوایف)
۶۵ - ۶۶	طبقه چهارم (ملوک ساسانیان)
۶۶ - ۶۷	طبقه پنجم (کیاسره)
۶۸	(یادداشتی در مورد گردیزی)

بخش چهارم : خلفاء و ملوک اسلام .

۷۱ - ۷۲	متنی از تاریخ گردیزی
۷۲ - ۷۸	جدول اسماء ملوک ، دارالملک و خلفای آنزمان

بخش پنجم : خاندان های مشهور سلاطین و شاهان کشور در عهد اسلامی :

۸۰ - ۸۱	طاهریان هرات
۸۲ - ۸۴	سامانیان بلخی
۸۵ - ۸۶	صفاریان

۸۷	غزنویان
۸۸ - ۹۰	غوریان
۹۱ - ۹۲	سلاجقه
۹۲	افغانان لودی
۹۴ - ۹۵	آل تیمور
۹۶ - ۹۷	امپراطوری مغولی هند
۹۸	افغانان سوری
۹۹	درائیان
۱۰۰	بارکزیایی ها

بخش ششم : پیغمبر و خلفای اسلام :

۱۰۲	حضرت محمد (ص)
۱۰۲ - ۱۰۴	خلفای راشدین
۱۰۵ - ۱۰۶	خلفای اموی
۱۰۷ - ۱۱۰	خلفای عباسی
۱۱۱ - ۱۱۲	عباسیان مصر
۱۱۲ - ۱۱۴	سلسله فاطمیان

بخش هفتم : کرونولوژی وقایع مهم افغانستان بابعضی از

واقعات ممالک همجوار آن از زمان جلوس

احمد شاه ابدالی تا زمان اقتدار طالبان ۱۱۷ - ۱۸۲

فهرست و تاریخ کنفرانسهای مهم بین المللی

که در قضیه اشغال افغانستان توسط

قوای شوروی، فیصله ها ای صادر نمودند ۱۸۴ - ۱۸۷

تذکری از نویسنده ۱۸۸ - ۱۹۲

بخش هشتم : تراژدی افغانستان (ترجمه از منابع خارجی) ۱۹۵ - ۲۰۵

بخش نهم : جداول اعیاد و رسوم دوره های مغان ۲۰۹ - ۲۱۱

جداول اعیاد و روزها مهم مسلمانان ۲۱۲ - ۲۱۴

	بخش دهم :	یادداشتی در مورد سکندر ذوالقرنین	۲۱۶
		خلاصه ای از زندگی حضرت یعقوب (ع)	۲۱۷
۲۱۸ - ۲۱۹		خلاصه از زندگی حضرت داوود (ع)	
		داستان قتل حضرت یحیی پیغمبر (ع)	۲۲۰
۲۲۱ - ۲۲۲		قصه ظهور مزدك	
۲۲۲ - ۲۲۴		حکایت ضحاک ماران	
۲۲۵ - ۲۲۶		خلاصه زندگی جهان پهلوان رستم داستان	
۲۲۷ - ۲۲۹		قتل منهاج الدین گهیز	
		کلید حساب ابجد	۲۳۰
		قصیده بمناسبت سفر اعلیحضرت	
۲۳۱ - ۲۳۴		امان اله خان به ایران	
۲۳۵ - ۲۳۸		فهرست منابع و ماخذ	

داند خدا که بعد خدا میپرستم
هان ای وطن بگو که چرا می پرستم
زرات هستیم زتوبگرفته است جان
چون برتری زجان همه جامی پرستم
چون پرشکسته مرغ که ازآشیاں جداست
اینک زآ شیانه جدا می پرستم

خلد

بخش اول

بحث پیرامون تاریخ قدیم افغانستان

باغها داشتیم پر از گلِ سرخ
دشتها پر شقایقِ نعمان
از چپ و راست سوسن و خیری
وزپس و پیش نرگس و ریحان
از سرِ کوه بادی اندر جست
گلِ ما کرد زیرِ گلِ پنهان

فرخی سیستانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اظهار نظر

نخست از همه ، لازم شمردم تا در زمینهٔ حدود اراضی قبلی ونامهای پیشین این خطهٔ باستانی بقدر توان وباستناد کتب معتبر تاریخی ، یک اندازه روشنی انداخته شود ، زیرا وقتی که واقعات وکار نامه های شاهان ، جهان پهلوانان ، و راد مردان قدیم ایران باستان را در کتب تاریخ وشاهنامه هامی خوانیم معلوم میگردد که قسمت اعظم آنها در همین خطهٔ پرفتخار افغانستان ، و توسط مردان همین سر زمین (که قبلاً به نامهای ایرین ویژه ، ایرانا ، آریانا ، ایران ، فلات ایران ، وغیره مسمی بود) صورت پذیرفته است .

سرزمین بلخ بامی مقر فرمانروایی کیومرث ، هوشنگ ، وجمشید > یما پادشاه < بوده است (که در روز هرمز از فروردین بر تخت شاهی در بلخ نشست ومردم آنروز را نورز خواندند وتا امروز انرا جشن می گیرند . همینجا زادگاه مدنیت بزرگ آوستایی ، و پایتخت دیگر شاهان پیشدادی وکیانی و محل ظهور زرتشت ودین یکتا پرستی ،

و سرزمین حماسه ها ، وطن و جایگاه رستم داستان ، محل پیدایش ، و شگوفانی السنهٔ مردمان فلات و پارسی، کانون علم و هنر ، و پرورشگاه شعرا و علمای بزرگ جهان چون البیرونی ، ابن سینای بلخی ، مولانا جلال الدین بلخی ، فر دوسی ، سنایی ، خواجه عبدالله انصاری ، مولانا جامی هروی ، بیهقی ، عنصری ، انوری ، عسجدی ، حکیم ناصر خسرو و عدهٔ بیشمار دیگر بوده است . همینجا مرکز سلطنت سلطانان نامدار مشرق زمین ، چون ، طاهریان هرات ، صفاریان ، سامانیان ، غزنویان ، سلجوقیان ، غوریان ، تیموریان هرات ، هوتکیان ، ابدالیان و دیگران بود ، اما پس از فرازها و فرودها ، پیروزیها و شکستها، در آخر بعد از قتل نادر شاه افشار خراسانی ، کشور باستانی ما که مسکن قبایل آریایی ها و ازهم پاشیده بود توسط یکی از فرزندان فداکارش دوباره در سرزمینی که دو ایالت بزرگ فلات ایران < خراسان و سیستان > را احتوا میکند ، تاسیس و دولت ابدالیها را پایه گذاری نموده سپس متوجه نیم قارهٔ هند شد و کشور را بار دیگر به یک امپراتوری مبدل ساخت . اما پس از وفات احمدشاه ابدالی ، پای استعمار انگلیس درین منطقه پدیدار گشت . و با اسلحهٔ مدرن و تبلیغات زهراگین و اختلاف اندازی بین اقوام برادر هند توانست که دولت مقتدر مغولیهٔ هند را که ضعیف شده

بود ضعیفتر کند ، تا آهسته آهسته در همسایگی کشور ما جای
گرفت . انگلیسها با توطیه ودسیسه وپروپاگاند فتح علیشاه را فریب
دادند تا بر علیه زمانشاه برادرش را تقویه وتحریک کند، چنانچه هر
زمانکه زمانشاه دلیر بجانب سر زمیتهای متصرفی خود در هند حرکت می
نمود، فتح علیشاه برادرش را تحریک ویا سپاه خود از عقب حمله مینمود.
وباینصورت آن شاه دلیر گرفتار دسیسه واز دیده نابینا ساخته شدودر
نتیجه انگلیسها توانستند که بعد از خلع او سراسر هند را اشغال وبهمان
چال وفریب شهزاده های درانی را یکی پی دیگر اغوا نموده و به اصطلاح
آب را خت نمودند تا ماهی بدست آرند . باینصورت کشوریکه ازعهد
شاه شجاع تا امروز بنام افغانستان مسمی گردیده است توسط مزدوران
اجنبی واجنبی پرستان از هر گوشه وکنارش قطع گردید وهست وبود آن
را به غارت بردند .

انگلیسها اخیراً یکبار دیگر بر ضد شاه امان اله خان غازی توطیه
ودسیسه نموده باز هم کشور مارا به آتش کشیدند .
در روزگار حاضر ودر جریان جنگهای داخلی ومنطقوی هم دستان
انگلیس دخیل میباشدوچنانیکه در صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶ کتاب (افغانستان
وظهور طالبان) تذکار رفته است ، هرچند در تمام حوادث خونین

بیست و چند سال اخیر افغانستان، نام پاکستان و امریکا روز صد هابار از رسانه های گروهی منعکس میشود ، ولی بازیگر پشت پرده انگلیس است که حتی واشنگتن و اسلام آباد را بازیچه سیاستهای خود قرار داده است. و از طرف دیگر رادیو بی بی سی نقش رادیوی مردم افغانستان را به عهده گرفته است و هرچیز را که این رادیو اراده کند، به زودی در اذهان مردم جا می اندازد که گویا این رادیو وظیفه خطر ناک مغز شویی مردم افغانستان را انجام میدهد و در ایجاد اختلاف میان اقوام مختلف افغانی نقش بسزای دارد.

در اثنای جنگ دوم جهانی که افکار وایدیالوژیهای فاشستی ، کمونستی ، و اخوانیگرایی ، داخل مملکت شد و جوانان مابا مطالعه، آیدیالوژیهای مذکور بروی اندیشه های قومی و قبیلوی ولسانی و مذهبی ، مبارزات خفیه و علنی را براه انداختند .

رضا شاه از همین فرصت استفاده نمود و اسم ایران را که مربوط به فلات ایران میباشد و بر یک سرزمین وسیع اطلاق میشد، بالای فارس ، بدون مشوره با دولت افغانستان گذاشت .

طوریکه مرحوم عبدالحی حبیبی به محترم داکتر عبدالاحمد جاوید تذکر داده بود که : میر غلام محمد غبار واعظمی بوزارت خارجه رفته و در

زمینه اعتراض نموده بودند ولی از طرف سردار محمد نعیم خان وزیر خارجه جواب رد شنیدند و محترم داکتر جاوید این موضوعرا در مجله خراسان که از اکادمی علوم در زمان خلقیها نشر میگردید تذکر دادند که تاریخ پر افتخار این مملکت با آنهمه غنای فرهنگی و تاریخی و کارنامه های که در عهد باستان در شرق ایران که امروز بنام افغانستان یاد میشود صورت گرفته از عهد پیشدادیان و کیانیان بلخی تا ظهور زردشت و سپس دولتهای کوشانیان و اشکانیان قبل از اسلام و دولتهای طاهریان، صفاریان و سامانیان ، غزنویان ، غوریان و غیره همه و همه از شرق ایران بر خاسته اند و با در نظر داشت اینکه مردم افغانستان به حق اشتراک تاریخ با همسایه غربی خود به نظر احترام مینگرند، بوی افتخارات آن بیشتر به فرزندان این مرز و بوم تعلق دارد.

چونکه، در حال اطلاق نام های سابقه، این مملکت در جهان بر قلمرو امروزی افغانستان معمول نمی باشد، لهذا، آنهمه غنای فرهنگی و تاریخ پرافتخار و کارنامه ها و شهکاریهایی که مربوط به خطه افغانستان میباشد، در اذهان مردم عوام مملکتین افغانستان و ایران و سایر جهانیان مربوط به ایران امروزی فکر میشود و چنان می نماید که افغانستان گویا در گذشته ها از خود کدام غنای فرهنگی و تاریخی نداشت.

از طرف دیگر، متأسفانه خود خواهی و خود بزرگ جلوه داد نهادر مملکت همسایه غربی ما تا آنجاست که افغانستان را بزعم خود یکی از ایالات ایران تصور میکنند که گویا هویت مستقل آن بعد از سلطنت احمد شاه ابدالی عرض وجود نموده است ، در حالیکه کتب تاریخ (که خوردی از خروار و خوشه از خرمن آن در بخش دوم این مجموعه مذکور گردیده است) ثابت می سازد که فلات ، خراسان > زابلستان و کابلستان < قدیم را امروز افغانستان می نامند که همواره مملکتی جدا از فارس بود .

شهر های مشهور سیستان عبارت بودند از بست ، رخد ، زمینداور ، قندهار ، فراه ، اسفزار ، بوزستان ، بوالستان ، غور ، غرنین ، کابل و سواد آن تا اقصای کشمیر و تالب دریای هند و چهار شهر مشهور خراسان عبارتند از مرو ، بلخ ، هرات و نیشاپور .

اگر در دوره هخامنشی ها و ساسانیها و صفوی ها مملکت فارس بر بخشهایی از افغانستان حکمرانی کرده است ، بالمقابل اشکانیان ، طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ، غزنویان ، غوریان ، هوتکیان و ابدالیان از شرق فلات (یعنی از افغانستان امروز) بر سر زمینیکه حالا

ایران خوانده میشود، فرمانروایی کرده اند .
متن زیر نمونه کوچکی است از تسلط و حکمرانی افغانان بر فارس ، قبل
از دوره زمامداری ابدالیان و من آنرا از کتاب < چکیده های تاریخ
ایران > عیناً اقتباس نموده ام .

« سلطان حسین میرزا از سال ۱۶۹۴ تا سال ۱۷۲۲ میلادی به تخت
سلطنت نشست . در رستم التواریخ آمده است که شاه نشین دلپسندی
مخصوصی وی ساخته بودند که هر وقت در آن می نشست و امرا و وزراء
و پاشیان و غلامان به تر تیب از یک جانب صف می کشیدند و از جانب
دیگر قریب به هزاران زن ماه پیکر پری منظر یک از یک بهتر و زیبا تر
ورعنا تر ، همه با زینت و زیور و غرقه در گوهر صف میکشیدند و شاه همه
را می دید و همه جمال عالم آراء شاه را مشاهده میکردند اما مردان
زنان را نمی دیدند و زنان مردان را نمی دیدند .
در هر سالی سه روز قدغن میشد حسب الامر والا یش که از همه خانه
های اصفهان مرد بیرونیاید و نازنینان زنان ماهرو و دختران گل رخسار
... بلورین غنغب با کمال آ راستگی در بازار ها بر سر دکانها
نشستند ، خصوصاً در قیصریه ، و آن سلطان جمشید نشان با پانصد

نفر از زنان و دختران پری سیمای خود و چهار هزار ویانصد نفر کنیز و خدمتگار..... و صد نفر خواجه، حرمسرا با جاه و جلال تشریف می آوردند و به قدر دو کرور معامله می نمودند. هر زنی و هر دختری که آن فخر ملوک می پسندیدند اگر آن زن شوهر دار بود آن زن را شوهرش طلاق داده و آن افتخار تاجداران آن جمله را بقانون شرع انور تصرف می نمود.....

دران هنگام بعثت شورشها و نا آرامی ها ای که توسط ایل غلجایی علیه حکومت مرکزی ایران ایجاد شده بود حکمرانی آن به شاهزاده گرجی تبار به نام گرگین خان سپرده شده بود. وی با حدود بیست هزار نیروی ایرانی و گرجی خود با سکنه آنجا < یعنی با افغانان > همانند شورشیان مغلوب رفتار کرد و از هیچ ظلم و تعدی و ستمی در حق آنها فرو گذار نکرده بود. او و میر ویس را که یکی از بزرگان ایل غلجایی قندهار بود دستگیر کرده به اصفهان تبعید کرد. میر ویس تبعیدی ولی با هوش و کار دان توانست در دربار با شکوه شاه صفوی با بذل و بخشش های بی حد خود اطرافیان شاه و خود شاه سلطان حسین بی اندیشه را زیر تاثیر خود در آورد.....

شاه سلطان حسین ناگزیر دو باره او را به سمت کلانتری قندهار باز

گرداند. گرگین خان که این ننگ را نمی توانست تحمل کند او را مورد اهانت قرار داد و دختر وی را از وی خواستگاری کرد. میر ویس در ظاهر با اعزام دختر دیگری بجایِ دختر خود، گرگین خان را اغفال کرد و پس از آنکه با وی از در دوستی در آمد، در ضیافتیکه به افتخار او در خارج از شهر قندهار در باغی براه انداخته بود، ناگهانی با تبنانی قبلی همدستان وهم قسمانش همه را به قتل رسانید و سپس لباس آنها را بر تن کرده وارد پادگان نظامیان صفوی شدند و تمام آنها را تا نفر آخر به قتل رسانیدند.

شاه سلطانه حسین نالایق که دیگر چاره ای جز جنگ نداشت، حاکم خراسان را مامور سرکوبی میر ویس کرد که او نیز با شکست خوردن های پی در پی از افغانها بر اعتبار میر ویس افزود. حکومت صفوی بار دیگر در صدد برآمد تا با اعزام خسرو خان حاکم گرجستان میر ویس را ادب کند ولی این سردار نیز مقتول شد و در سال ۱۷۱۲ که تاریخ این جنگ بود از بیست و پنج هزار سپاهیان او فقط هزار نفر توانستند زنده بمانند و فرار کنند.

بدینسان میر ویس فرمانروای قطعی ولایت قندهار شد، و بعد از میر ویس برادرش ویس از آن پسر خود میر ویس بنام محمود جانشین پدر

شد و اولین هجوم خود را به مناطق سیستان و کرمان بقصد غارت در سال ۱۷۲۰ میلادی انجام داد....

و در سال ۱۷۲۱ میلادی افغانهای ابدالی در هرات نیز سر به شورش برداشته بودند.....

محمود افغان که از کنار رفتن لطفعلیخان جسارت و جان تازه ای گرفته بود برای بار دوم به ایران حمله آورد و کرمان را به تصرف در آورد و از طریق یزد به اصفهان نزد دیک شد. تمام لشکریانش به زحمت به بیست هزار نفر می رسید ... و بالمقابل ، لشکر ایران که در اصفهان جمع شده بود به حدود پنجاه هزار نفر می رسید..... و شورای نظامی در حضور سلطان بزرگ تشکیل شد. در شورای نظامی ابتدا تصمیم گرفته شد تا افغان هارا آنقدر به حال خود شان بگذارند تا خسته شوند ولی سر انجام امر به جنگ شد..... و فرماندهی این سپاه پنجاه هزار نفری را به چند نفر وا گذار کردند. سپاه- ایران را ۲۴ عراده توپ حمایت میکرد. ابتدا افسران صفوی با اسلحه، عالی و قیمتی وزین و افسار مطلا به مسخره کردن برادران افغانی صورت سوخته و نیمه برهنه، خود پر داختند ولی در همان ابتدای جنگ به اشتباه محاسبه، خود پی بردند.....

افغانها که تویهای کو چک خود را در زیر پوشش روی شترها پنهان

کرده بودند به نا کهنانی با بر داشتن رو پوشها با عث وحشت سر بازان
 صفوی شدند، تویچی ها وده هزار نفر از سپاه صفوی کشته شدند و بقیه
 بسوی اصفهان عقب نشینی کردند و لشکریان محمود > شاه محمود
 هموتکی < سر گرم غارت اردوی ایران شدند .
 > سپس < محمود در مقابل پل زاینده رود ا ردو زد و قصر ها و باغهای
 زیبایی را که در دوران این سلسله در اصفهان ساخته شده بود تصرف
 کرد و در انتظار نشست . تلاشهای کم نوری توسط طهما سب میرزا
 فرزند شاه و اهالی روستای بن اصفهان و محمد آغا نامی از خواجه های
 در بار در مقابله با لشکر محمود انجام شد که به جایی نرسید .
 شاه سر انجام در سال ۱۷۲۲ تصمیم نهایی خود را گرفت و در حالیکه
 اصفهان از قحطی وحشتناکی رنج می برد و گوشت انسانی خورده می شد
 و شهر پر از اجساد دفن نشده بود، بزرگان کشور را دور خود گرد آورد
 و آنان را از تصمیمش مبنی بر استعفا و واگذاری سلطنت به افغانها مطلع کرد .
 فردای آن روز شاه سلطان حسین ویا بقول کاتب رستم التواریخ، سلطان
 دادگستر، رعیت پر ور، شهنشاه فریدون دستگاه، محسور قیصر ،
 السلطان بن سلطان شاه حسین الموسوی صفوی بهادرخان ، بسوی اردوی
 محمود از اصفهان خارج گردید و به محض اینکه محمود را دید گفت :

« چون خداوند جهان نمیخواست که من بیش از این سلطنت نمایم
وزمانی که از برای عروج تو بر تخت ایران معین نموده است رسیده است،
بنابراین من این امپراطوری را به تو واگذار می‌کنم »
محمود در بدو سلطنت به صاحب منصبان صفوی اجازه داد که سر مقام
خود باقی بمانند و برای مراقبت حال آنها افغان‌ها را بر آنها گماشت ...
محمود امر کرد که کلیه کسانی را که به شاه سلطانحسین خیانت کرده
بودند مجازات کنند.... و بعد از چندی لشکر به سایر ولایتها
فرستاد. قم، کاشان، و حتی قزوین را که شاه طهماسب پسر سلطان
حسین به آنجا رفته بود تسخیر کرد. و سال بعد محمود شیراز را
تصرف کرد.... و در سال ۱۷۲۵ در حالیکه پسر عموی خود، اشرف
< شاه اشرف هوتکی > را بعنوان ولیعهد خود انتخاب کرده بود در
گذشت.....»

در خاتمه، این بخش باید خاطر نشان ساخت که افغانستان امروزی
بدن، مرکز واصل ایرین قدیم یا فلات میباشد زیرا بخش اعظم آن
در افغانستان قرار دارد، و آن قسمت‌ها ای که از بدن اصلی جدا گردیده
است، اعضاء جدا شده از بدن می باشد که نباید آنان را اصل

وجودتصور کرد .

اینک به غرض ثبوت گفته های بالا و بمنظور روشن گردانیدن هرچه بیشتر موضوعاتی که فوقاً تذکار داده شد، لازم شمردم تا معلومات ها و حقایق تاریخی چندی را کنده کنده از کتابهای که در پایان این مجلد از آنها نام برده شده است جهت آگاهی هرچه بیشتر خوانندگان محترم، حاصلتاً جوآنان ، در بخش دوم این کتاب جا دهم .

< محمد یونس عینی >

در دیار ما گروه جان سپاران دیگراند
بی نشانان دیگر و کرسی نشینان دیگر اند

خود فرشان دیگر و سنگر ستانان دیگراند
سایه پر وردان دگر، تاریخ سازان دیگراند

استاد خلیلی

بخش دوم

چیده هائی از چند کتاب تاریخ در مورد نامهای قدیم و
حدود اراضی افغانستان باستان و تغییرات آن.

محمود چوشمشیرخدا کرد حمایل
وی کشتی اسلام رسانید به ساحل
بردفتراً بین کهن زد خط باطل
تا دین خدا برد قبایل به قبایل
یلغار به بلغار زد وتیغ به تاتار
از نام توغوری شده همپایه، گردون
سوری زده از دولت تو چتر همایون
ازخنجر اکبر شده بس معرکه گلگون
ازدشنه، ایوب به عشق توچکد خون
ای نام همایون توزینده، اعصار

استاد خلیلی

سوابق تاریخی

تاریخ سر زمین آرینها یا ایرینه ویژه با آغاز زندگانی آریاییان در مناطق بین سیردریا > سیحون > و آمو دریا > جیحون > شروع گردیده است که در فرگرد دوم وندیداد از آن بنام ایرین ویژه یاد شده است .

قدامت مدنیت در سر زمین باستانی ما ، اُ نظوریکه در کتاب داکتر رکن الدین همایون فرخ مذکور گردیده است، تا ۹ هزار سال می رسد . چنانچه افغانستان شناس مشهورو استاد یونیورسیتی پنسلوانیای امریکا، پروفیسور لویز دویری در نتیجه، مطالعاتیکه در سال ۱۹۶۴ میلادی صورت گرفت ، مینویسد که وی مو فوق به کشف دانه های کندم وجو شد که بصورت زراعت مصنوعی (آبی) در حدود بلخ و مرزهای کنونی افغانستان وایران کشت شده بود و آزمایش کاربن ۱۴ نشان میدهد که این دانه ها متعلق به ۹ هزار سال پیش است یعنی در حدود ۷ هزار سال

پیش از میلاد مسیح ابداع و آغاز کشت گندم وجود در سر زمین مابوده است .

«ظهور زرتشت یا زرتستردر بلخ در حدود دوهزار سال قبل از میلاد مسیح (چهار هزار سال قبل از امروز) صورت گرفت . نام پدرش پوروشسپ و نام مادرش دوغدو خوانده شده است . او کتاب آوستا را نوشت و یکتاپرستی را عام ساخت و آتش را بعنوان مظهر پاکی انتخاب کرد تا پیروانش مانند آتش پاک و درخشان گردند . آوستا که کهن ترین سند جغرافیای این سر زمین خوانده شده است ، از ۱۶ بخش و شهرهای < ایریانا و ویژه > به صفت بهترین سر زمینها که < آهورامزاد > آفرید ، یاد کرده است و آن شهرها عبارتند از :

- ۱ - آریا ویج
- ۲ - سغد < سمرقند >
- ۲ - مرو در نزدیکی دریای مرغاب افغانستان
- ۴ - بلخ در شمال افغانستان
- ۵ - نسایه که در میان بلخ و مرو موقعیت داشت
- ۶ - هرات در غرب افغانستان
- ۷ - کابل

- ۸ - خوارزم
- ۹ - خنن ته یا وهرگانه
- ۱۰ - هرهوتی یا اراکوزی که حالا آنرا قندهار گویند
- ۱۱ - هیتو منت یا هیر مند وزرنج
- ۱۲ - رگه ، یا < ری >
- ۱۲ - چخره < غالباً چخچران >
- ۱۴ - چهار گوش که شاید جایی در پیرامون رود سیحون بوده باشد
- ۱۵ - هفت هندو در نواحی رود خانه، اندوس < درینجاب >
- ۱۶ - سر زمین کنار رود خانه، سیحون))

((۲۲۰۰ سال قبل، کتابدار اسکندر مقدونی < اراتستین > در جلد چهارم جغرافیای خود نوشته بود که دو مملکتی که در جنوب توروس سرحد آنرا بسهولت میتوان تعیین کرد، قسمت اول هندوستان و قسمت دوم عبارت از آریانا است)) .

((بلخیان را بختیان یعنی دارندگان شتر های هموار و تیز دو کوهانه می خواندند > وامکان آن وجود دارد که پختون هم از مشتقات بختیان باشد چنانچه خاقا نی گفته است :

بختیانِ نفس من که جرس دار شوند
از دهانِ جرس، افغانِ خراسان یا بسم «
تازیان یعنی دارندگان اسبهاکه کلمات تازیك وتاجك از آن بیارآمده است.
فرخی گفته است :

تازیان اندر حصارى قا فله در قا فله
بختیان اندر صحارى کار وان در کار وان

ومسعود سعدِ سلمان گفته است :

کوه ها درهم شکسته ، ابرها برهم زدند
تازیان اندر عنان وبختیان اندر مهار «

محترم داکتر جاوید در کتاب اوستا نوشته اند که بطليموس جغرافيا دان
معروف ، اسامی هفت ولايت معروف آریانا را يك بيك بر شمرده وچنین
ضبط کرده است :

۱ - مارگیانا : مرغاب یا مروالرود که مشتمل بر مرو شاهجهان و مروالصغری+ که احتمالاً همانجا با شد که امروزانرا موریچاق یا مرو کوچک افغانی خوانند .

۲ - بکتريا : باکتريا که مشتمل بر بلخ ، بدخشان ، تا جکستان و حوزۀ وسطی آمو دریا و قسمت جنوبی از بکستان تا سرحد جنوب شرقی ترکمنستان بوده است .

ولایت بلخ بنامهای بخدی در آوستا و در پارسی باستان بنامهای باختیش، بلخ الحسناء، بلخ بامی ، بلخ گزین ، شهری با بیرقهای بلند، ام البلاد، خیرالتراب و قبة الاسلام یادشده است .

۲ - آریا : عبارت از ولایت هرات یا هری بوده که بنامهای هریوا، آرییا ، و هره ایوه نیز خوانده شده است .

۴ - پاراپامیزوس : از کابل تا نورستان و تا سواحل سند و غرزشستان < هزاره جات > را دربرداشت .

۵ - زرنجیانان : سیستان ، قندهار ، وزرنج .

۶ - ارا کوزیا : غزنی ، سلسله کوه سلیمان تا اندوس .

۷ - گودرزیا : کج ، مکران، بلوچستان تا جهیل گود و دزره در
سیستان افغانی .

نامهای قبلی:

کشور ما را علاوه بر نامهای آریانا، ایرین، ایران ، باکتريا، تخارستان ، خراسان و ایران شرقی، به نامهای کابلستان ، زابلستان ، و گندهارا هم نوشته اند و گندهارا به وادی کابل تا تاکسیلا اطلاق میشد که پشاور و راولپندی را هم در بر میگرفت .

فر دوسی در توضیح بلاد ایران قدیم گفته است :

از ایران به کوه اندرآید نخست در غرچگان از بر و بوم بست

دگر تالقان شهرتا فاریاب	همیدون در بلخ تا اندراب
دگر پنجهیر ودریا میان	سر مرز ایران و جای کیان
دگرگوز گانان فرخنده جای	نهادست نامش جهان کدخدای
دگر مویان تادر بدخشان	همین است ازین پادشاهی نشان
فروتر دگر دشت آموی و زم	که با شهر ختلان برآید برم
چه شگنان وزترمذو ویسه گرد	بخاراوشهری که هستش به گرد
همیدون برو تا دری سغد نیز	نجویدکس آن پاد شاهی به نیز
وزانسو که شد رستم گرد سوز	سپارم بدو کشور نیم روز
زکوه و زهامون بخوانم سپاه	سوی باختر بر کشایم راه
به پر دازم این تا در هندوان	نداریم تاریک ازین پس روان
زکشیر و زکابل وقندهار	شما را بود آنهمه زین شمار

« بقرار نوشته های < ویلسن > و < گوتشمید > خاور شناسان انگلیسی
وآلمانی ، آریانا در ادوار قدیم منحصرأ به ایران شرقی یعنی به
افغانستان امروز اطلاق میگردد که تا قرن چهارم میلادی آریانا وبعداً
در دوره ساسانیها مبدل به ایرانشهر گردید و سپس ایران خوانده شد»

« شواهد دال بر این دارد که بسیاری از ولایات ایران کنونی بشمول
مازندران ، اهواز ، و کرمان در سابق داخل ساحه ایران قدیم نبوده
چنانچه فر دوسی گفته است :

بگوش که آمد به مازندران
به غارت ز ایران سپاه گران
وعنصری گفته است :

چو صد مرد بگزید اندر میان
از ایران و اهواز و از رومیان
اونیز گفته است :

چودارا از ایران به کرمان رسید
دو بهر از بزرگان لشکر ندید»

در جلد اول افغان نامه تالف داکتر افشار یزدی مذکور است که در
تورات و در کتب یونانی و رومی ایران امروزی بنام شهنشاهی پارس ذکر
گردیده و ایرانویجه بیشتر به همین خراسان و مشرق فلات گفته می شد.

« سعدی و حافظ پادشاه فارس را پاد شاه ایران نخوانده اند، حالانکه
شعرای غزنوی محمود و مسعود را پاد شاه ایران مخاطب ساخته اند و
فر دوسی محمود غزنوی را چنین توصیف کرده است :
شهنشاه ایران وزابلستان
زقنوج تا مرز کابلستان »

زابلستان :

« زابلستان نام دیگریست که زمانی تمام سر زمین مارا در بر میگرفت چنانچه سلطانمحمود غزنوی را محمود زابلی میخواندند و سید علی در یا سالار ترك، کابل را پایتخت زابلستان خوانده و گفته است که > سپس به لغان با هزاران بلا از میان قوم هزاره گذشتیم و به باختر زمین ، یعنی ولایت زابلستان رسیدیم و به پایتخت زابلستان یعنی شهرکابل آ مدیم <

ناگفته نماند که مراد از زابل و زابلستان، غزنی و حوالی آنست و لفظ زابل که در ایران امروز معمول است کاملاً تازه است که در ماه آذر سال ۱۲۰۹ هجری شمسی از دفتر مخصوص به وزارت کشور ایران ابلاغ شد که نصرت آ بادمرکز سیستان زابل و دزد آب به زاهدان تبدیل شود .»

فاضل محترم اکادميسين داکتر جاويدبا ذکر مراتب فوق، در مورد اخاذیها و تبدیلی نام فارس یا پرشیا به ایران به نقل از نوشته سید شهرام ایرانبومی علاوه نموده اند که بنابر اسناد موجود، در ماه دسمبر سال ۱۹۲۴ میلادی برابر با دی ماه شمسی، وزارت امور خارجه، ایران بموجب بخشنامه ای " متحدالمالی " که برای کلیه نمایندگیهای سیاسی خود در کشورهای خارجه ار سال داشت دستور داد که از اول فروردین سال ۱۳۱۴ هجری شمسی برابر با ۲۲ مارس سال ۱۹۲۵ میلادی بجای کلمه پرس و پرشیا، کلمه ایران بکار برده شود. و اکنون واژه ایران و ایرانی بصورت اخص زیرکانه به آنها اختصاص یافته و مفهوم تاریخی و سیاسی را گرفته است و ابهامات و سوء تفاهات را بار آورده است

خراسان :

« قبل از آنکه اصطلاح خراسان عام شود ، بویژه در قرن اول اسلامی لفظ تخارستان یا طخارستان به عنوان واحد جغرافیایی شامل قسمت معظم افغانستان امروزی می شد»

« اصطلاح خراسان پیش از ظهور اسلام وجود داشت، چنانکه در قرن پنجم مسیحی موسی خورنی از آن در تاریخ ارمنستان یاد کرده و شاهان یفتلی در همان قرن خود را < خراسان خوتای > خوانده و این لقب را در مسکوکات خود بکار برده اند».

خراسان بمعنی جایگاه بر آمدن آفتاب یا مشرق زمین وهم بمعنی کشور خورشید آمده است

« حافظ ابرو در شرح خراسان گوید : خراسان نام مملکت است و این

مملکت عرصهٔ وسیع دارد. حدود شرقی آن منبع آمو و جبال بدخشان و کوه های تخارستان و بامیان و اعمال بلاد غزنی و کابل، ماورای جبال الغور که منبع هیرمند است، حدود غربی آن بیابانی که فاصله است میان خوارزم و خراسان، و حدود دهستان و جرجان تا بحر خزر و بعضی از حدود قومس و ری افتاده است. حد شمال خراسان به جیحون که آمو بر کنار آبست و آنطرف آب را ماورا النهر خوانند. جنوبی خراسان حدود سند است، کابل و غزنی و اعمال سجستان و بیابانی که فاصله میان کرمان و خراسان و بیابان فارس «

و اما واجد علی هندی در سال ۱۸۴۵ میلادی در صفحه ۲۲۶ کتاب "مطلع العلوم و مجمع الفنون" خود در بارهٔ جغرافیای خراسان گوید: غرب آن مملکت ملک فارس و شرق آن هندوستان و بطرف شمال مملکت تاتار، و بطرف جنوب خلیج عرب میباشد - هرات و قندهار و غزنین و کابل از بلاد مشهور خراسان است. اقسام خوراکیه، انگور، سیب، و ناشپاتی و انار از ماحصل آن ملک است.

خراسان بزرگ نام کتاب دیگر است که در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی در

تهران به نشر رسیده است . نویسنده، محترم کتاب مذکور ،داکتر احمد رنجبر باستناد آ ثار قدما، خراسان قدیم را گاهواره تمدن ، کانون مدنیت و معارف اسلامی وفر هنگ ایران و وارث سنتهای دیرینه، کشور خوانده وگفته است که قدیمترین مرکز تمدن وشاید مرکز تشکیلات دولتی ایران که ما ازان آگاهی داریم ، باختر یا بلخ کنونی بوده است ، بطوریکه از بلاد هند وچین وماچین به آنجا روی می آوردند واز مزایای گوناگون آن شهر استفاده می کردند. اودر همان کتاب نوشته است که تمام ولایات خراسان وماوراءالنهر که تعداد آنها بیش از سی ولایت بود، در حکم یک ناحیه بود وشهر های بزرگ خراسان عبارت بودند از مرو، هرات ، بلخ ، ونیسا پور . در ابتدا پایتخت یا مرکز فرمانروایی خراسان ، مرو بود ودر سال ۱۱۸ هجری قمری بدستور خلیفه < هشام بن عبدالملک > شهر بلخ توسط اسد بن عبدالله قسری مقر حکومت قرار داده شد. تا آنکه امرای طاهری که از مردمان پوشنج هرات بودند حکومت را به ناحیه غرب خراسان منتقل کردند .

در کتاب مذکور حدود اربعه، خراسان به شهادت کتاب *بستان السیاحه* چنین بیان گردیده است :

از مشرق به ملک زابل وتوران ، از مغرب به ولایت عراق وطبرستان ، واز

جنوب به کرمان وقاین و سیستان و از شمال به خوارزم و جرجان . و اکنون
تمامیت بلاد قاین و مفار و سیستان و بعضی بلاد طبرستان از مملکت
خراسان محسوب میشود و مملکت خراسان محتوی چهار بلوک است :
۱ . طخارستان ، ۲ - مرو شاهجهان ، ۲ - نیشاپور ، ۴ - هرات .

سیستان :

در کتاب تاریخ سیستان که در قرن پنجم هجری به رشته تحریر
درآمده و در سال ۱۲۷۲ در تهران به چاپ رسیده است مذکور گردیده که :-
(۱) گرشا سب سیستان را بنا کرد و از پیش کردنی سیستان ، خود ،
بُست و رخد و زمینداور و کابل و سواد آن او را بود که جَدِّ ا و کرده بود
و از سوی مادر گودرز نام دارد و غور سام نریمان کرد و کشمیر
رستم دستان کرد و خزاین خویش و مال خویش آنجا نهاده بود و گردیز
حمزه ابن عبدالله شاری کرد و غزنین یعقوب ابن لیث کرد . اینهمه شهر
ها به روزگار جاهلیت ، اندر فرمان پهلوانان و مرزبانان سیستان بودند
تا روزگار اسلام که ولایات دیگرگون شد .

دروجه تسمیه، سیستان گوید : سیستان بر دست گرشاسب
بناگردید... و < آنوقت > ضحاک اینجا مهمان بود به نزدیک گرشاسب
... و عادت او آن بود که شراب با زنان خوردی ، و زنان را شبستان
گفتندی و چون ضحاک مست گشت او را یاد آمد عادت خویش . گفت
شبستان خواهم . گرشا سب گفت < اینجا سیوستان است نه شبستان > ..
و سیوستان به ان گویند که همیشه آنجا مردان مرد باشند و مردی مرد
باید تا آنجا بگذرد . چون این سخن گفته شد ضحاک شرمناک شد ،
گفت ای پهلوان راست گویی ما به سیوستانیم نه به شبستان - از آن
پس آنجا را سیستان گویند به يك حرف کمتر که < واو > است .

در وجه تسمیه زاول : اینجا که بنا کردند گفتند درینجا
همه چیزهای ما از آب و گل باید ساخت . اینجا يك حرف به گفتار اندر
فرو شد که < کاف > باشد و < زاول > شد .

در وجه تسمیه زرنگ : زرنگ به آن گفتند که بیشتر آ بادانی
ورود ها و کشتزار ها زال زر ساخت... و او را مردمان سیستان

> زورنگ < خواندندی زیرا که موی او راست به زر کشیده مانستی -
بسگر راکه او ساخته بود > زر رنگ < خواندندی.

در وجه تسمیه نیمروز: و ابوالفرج بغدادی گوید حکمای عالم
جهانرا بخشش کردند برآ مدن و فروشدن خورشید به نیمروزو - حد
آن چنان باشد که از سوی مغرب از آنجا که خورشید به دراز ترین روزی
فرو شود و این علم به حساب معلوم گردد - و این جمله را به چهار قسمت
کرده اند خراسان - ایران - نیمروز - باختر . هر چه حد شمالی
است باختر گویند و هر چه حد جنوب است نیمروز گویند و میانه اندر به
دو قسمت شود، هر چه مشرق است خراسان گویند و هر چه مغرب است
ایران شهر.

افغانستان :

بقرار تشریحات استاد محترم اکادمیسین دکتر جاوید، کتاب سفر نامه جورج فاستر یکی از ماموران انگلیسی هند شرقی، قدیم ترین کتاب خارجی است که در آن واژه افغانستان در سال ۱۷۸۲ میلادی بکار رفته است. و در آن نوشته است که (افغانان نام عمومی برای کشورشان ندارند اما <افغانستان> که محتملاً نخست در ایران بکاربرده شده، مکرر در کتابها آمده است و اگر بکار رود برای مردم آن سرزمین نا آشنا نیست نامی که توسط ساکنان این سرزمین بر تمام کشور اطلاق میشود <خراسان> است اما واضح است که بکار بردن این نام درست نیست زیرا از یکسو تمام سرزمین افغانان در محدوده خراسان نیست و از سوی دیگر در بخش مهمی از آن ایالت افغانان ساکن نیستند) و ((نام افغانستان در قرن نوزدهم در متون قراردادها و پیمانهای استعماری انگلیس بجای نام خراسان ثبت و سجل گردیده است)) .

علی قلی میرزا یکی از پسران فتح علیشاه قاجار در کتابش تحت عنوان
< تاریخ ، وقایع ، وسوانح افغانستان > که در سال ۱۸۵۷ میلادی
مطابق به سال ۱۲۷۲ هجری قمری در تهران طبع گردیده است حدود
اربعه افغانستان را چنین تعریف کرده است :

آ افغانستان مملکتی است وسیع و به تحدید اهالی اروپا طول آن از
جانب مشرق بطرف مغرب هزار میل مسافت است و عرضش از جهت شمال
بجانب جنوب هفتصد و هشتاد میل است و این مملکت از کشمیر تا جلگه
هرات گسترده است و اهل اروپا آنرا ایران مشرق گویند..... و شهرهای
برگ آن کابل، پشاور، قندها، کشمیر، بلخ، و غزنین است.

و در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ میخوانیم که در قرن ۱۸ که دول
استعماری غرب ممالک متعددی را در قاره های آسیا و آفریقا در تصرف خود
درآوردند، در همان مقارن، بدو حکومت قاجاریه، ایران ولایت خراسان
امروزی را از افغانستان بدست آورد و متعاقباً ولایت سیستان < قسماً > به
حکمت انگلیسها به ایران مربوط ساخته شد. سپس سکهای پنجاب
ولایت کشمیر، دیره، غازیخان، دیره اسماعیلخان و پشاور را از محمد زایی

های افغان متصرف گشتند . بعداً انگلیسها بلوچستان، فوشنگ ولندی
کوئل و کرم وسوات و باجوړ و چترال و چمن و غیره را از امیر محمد یعقوبخان
وامیر عبدالرحمانخان اخذ و بر مستعمرات خود در هند برطانوی افزودند
و همچنین در سال ۱۸۸۵ علاقه پنجاهه را روسان زاری اشغال نمودند .

ملکی که گهی دیو و گهی جم دارد
کس دل زغمش بهرچه درهم دارد

عادل باید که سینه بیغم دارد
دنیاست بد و نیک فراهم دارد

بخش سوم

فهرست پاد شاهان سر زمین ما

از پیشدادیان تا غزنویان

از کتاب زمین انخابارگرده یزی

شاهان پیشین

طبقه اول

- طهمورث بن اینکهد
- جمشید بن یونکهان
- ضحاک ماران که نام او بیوراسپ بود و بعضی او را ضحاک بن قیس گفته اند
- افریدون
- منوچهر
- روبن طهماسب

طبقه دوّم (کیان)

- کیقباد بن دَع که به بلخ نشستگاه ساخت و با افراسیاب حرب کرد.

- کیکاووس بن کیقباد که هفت کشور بگرفت و سمرقند را بنا کرد.
- کیخسرو بن سیاوش بن کیکاووس که رستم بن داستان را بخاطر رشادت در جنگ با افراسیاب از خدمت معاف کرد و سیستان و کابل و هند و سند و زا بلستان را به او داد.
- کی لهر اسپ بن کی وجی که همه پادشاهان هند و روم و ترک او را مطیع گشتند.
- کی کشتاسپ بن کی لهراسپ که به روزگار او زردشت بن پورشسب بن فیدراسپ ظهور کرد و دین مغانی آتش پرستی و کتاب آ و ستا را آورد.
- بهمن بن اسفندیار بن کشتاسپ
- همای بنت بهمن بن اسفندیار که دارالملک بلخ به عراق برد و دارالملک به مداین ساخت.
- داراب بن بهمن بن اسفندیار.
- دارا بن داراب که در زمان وی اسکندر ذوالقرنین از دادن خراج سر بتافت و با وی حرب کرد و او را هزیمت داد.

طبقه سوم - ملوک طوایف

سکندر بن فیلقوس که پادشاهی بگرفت از ایرانیان و بسیار کشت و کتابها که اندر دین مغان وزردشتی بود همه بسوخت و کتب طب و نجوم و حساب را ترجمه کرد و با گنجهای فراوان به روم فرستاد. و چون بمرد، جهان بی شاه بماند و هر کس ولایتی و شهری بگرفتند بمراد خویش و همه خسیسان بر شریفان مسلط گشتند.

طبقه چهارم ملوک ساسانیان

- اردشیر بابک که او خراسان را چهار بخش کرد (چنانکه در بخش قبلی این کتاب ذکر گردیده است) .
- شا پور بن ارد شیر .
- هر مز بن شا پور .
- بهرام بن هر مز .
- بهرام بن بهرام .
- بهرام بن بهرام بن بهرامان که مرد خونخواری بود و عارضین و خصم

آنها را کشتن فرمودی وگفتی که دانم که از آن هر دو یکی مجرم است.

- نرسی بن بهرام.

- هرمز بن نرسی که دختر ملك كابل را به زنی کرد وزن امتناع کرد

وآن زن را بمشورهٔ پسر موید بکشت و چون موید حاضر آمد ، از او

پرسید که چه گویی اگر کسی به کشتن کسی راه نماید و بر آن کس

کشتن واجب نباشد؟ و موید گفت این راه نماینده را نباید کشت، و شاه

فرمود تا پسر موید را بکشند.

- شاپور بن هرمز.

- ارد شیر بن هرمز.

- شاپور بن شاپور.

- بهرام بن شاپور که اندر کار زنان مولع بود و آخر بدست زنان هلاک شد.

- یزدجرد الاثیم که به اثر لگد خوردن از اسپ جان داد و هلاک شد.

- بهرام بن یزدجرد که بعد از ۶۲ سال پاد شاهی در شکار از پی

صیدی نا گاه در چاهی افتاد و هلاک شد.

- یزدجرد بن بهرام .

- هرمز بن یزدجرد که شهر فاریاب ، گرگان ، ازربایجان و عین التمر

و کرمان و فربرد نسا ا و بنا کرد.

- بلاش بن فیروز.
- قباد بن فیروز که مزدك در روز گار او بیرون آمد و ادعای پیغمبری کرد وزن هرکس را به همه کس عام کرد و بسیار چیزهای منکر گفت و قباد برو میل کرد.

طبقه پنجم که ایشانرا کیاسره گویند

- نوشیر وان عادل که مزدك را بکشت و پوست او را پر گاه کرد و بر گذر گاه حشم بیاویخت و در نیم روزهشتاد هزارمرد مزدکی را بکشت ، و پیغمبر ما محمد مصطفی صلی اله علیه وسلم اندر روزگار او از مادر بزاد و بزرجمهر حکیم وزیر او بود > و کتاب < کليلة و دمنه از هندوستان و شطرنج در روزگار او آوردند.
- هر مز بن نو شیروان.
- خسرو بن هرمز.
- قباد شیرویه بن پرویز بن هرمز بن نوشیروان که بعلت طاعون بمرد.
- شهریار بن پرویز.
- کسرا بن پرویز.
- پوران دخت بنت کسرا.

- جشنسب بنده بن بهرام جنسن .
- آزرمی دخت بنت کسرا .
- فرخزاد بن خسرو .
- یزد جرد بن شهریار که آخرین ملوک عجم بود و در پانزده سالگی که ۲۲ روز از خلافت ابوبکر صدیق رضی اله عنه گذشته بود که او به پادشاهی نشست ، و چون عمر بن الخطاب رضی اله عنه به خلافت نشست سپاه اسلام را بجنگ او فرستاد و آخرالامراز سپاه اسلام منهزم گشت و بجانب مرو رفت و در آسیایی پنهان شد و چون او را یافتند ، سراورا برداشتند و تن او را در آب فروهشتند و مملکت عجم بر وی ختم شد و مسلمانان ایرانشهر را بگرفتند .

یادداشت

چون بیشترین قسمت این بخش از کتاب زین الاخبار گردیزی برگرفته شده است لازم دیدم این سطور را در معرفی گردیزی بنگارم تا خواننده را معرفت بیشتری در زمینه میسر گردد:

نویسنده تاریخ زین الاخبار ، در عصر سلطان محمود غزنوی در غزنه می زیست.

گردیزی شخص دانای عصر خویش بود و از محضر بو ریحان بیرونی فیض برده است و کتاب خویش را در زمان سلطنت سلطان عبدالرشید بن سلطان محمود (۴۴۱ - ۴۴۴ هـ ق) در دربار غزنه تالیف نموده است. او در سال ۴۴۴ بدست طغرل بنده، سلطان محمودیکجا با سلطان عبدالرشید و یازده شهزاده، دیگر بقتل رسید.

بخش چهارم

جداول اسماءِ ملوکِ دوره اسلامی

دارالملک ، ونام خلفای ان زمان

بر هر چه زاسباب جهان دل بنهی
حاصل غم ورنج و محنت است و تبهی
تر کش ده و فارغ بنشین ورندهی
هر گز زغم ووسوسهء او نرهی

در کتاب تاریخ گردیزی میخوانیم که :

اندر قدیم رسم دگر کون بود . از روزگار ا فریدون تا گاه اردشیر بابکان مر همه جهانرا یکی سپه سالار بودی و چون ارد شیر بیامد ، جهان را چهار سپه سالار کرد - یکی خراسان ، دودیگر مغرب ، سوم نیمروز ، چهارم آزر بایجان .

و مر خراسان را چهار مرزبان کرد - یکی مرزبان مرو شایگان ، ودوم مرزبان بلخ وطخارستان ، وسوم مرزبان ماوراءالنهر ، وچهارم مرزبان هرات ویوشنگ وبادغیس .

و چون مسلمانان پادشاهی عجم بگرفتند ، آنهمه رسمهای مغان بر انداخته شد .

در زمان پیغمبر ما صلی اله وعلیه وسلم مسلمانان به خراسان نرسیده بود و چون عمر رضی اله تعالی عنه به خلافت نشست ، مر خالد بن ولید بر زمین عجم فرستاد تا آنرا فتح کند

واندر خلافت عمر کس به خراسان نرسید

و چون عثمان بن عفان رضی اله تعالی عنه بخلافت بنشست ، مر عبدالله بن عامر بن کریز را به خراسان فرستاد ونخستن کس اندر اهل خراسان مردمان طبسین مسلمان شدند وهمچنین از پس او امیران دیگر می

آمدند و فتح کردند تا بدین غایت.
ومن نامها وشهرهای هر مملکت ، هرامیرون نام خلفا که بروزگار ایشان بودند
و مدت پادشاهی هر یک و تاریخ ابتدای هر امیری اینجا بیاوردم و آنرا جدول
کردم تا زودتر یافته شود و آسانتر بدست آید ، و جدول اینست:

عدد	نامهای امرا (۱)	دارالملک	نامهای خلفا که بروزگار هریک بودند	مدت های امارت (۱)	تاریخ ابتدای امارت از تاریخ هجری
ا	عبدالله بن عامر بن کریز (۲)	گویان (۳)	عثمان بن (عقن)	دع (۴) (دح ح)	ذی الحجه سنه ثلث و عشرین
ب	امیر بن احمر الیشکری (۵)	مرو	عثمان بن عقن، باز عثمان بن عقن	اع (۱) (اح ج)	ذی الحجه سنه سبع وعشرین
ج (۴)	عبدالله بن عامر بن کریز	زرنج	علی ابن ایطالب و پسر او حسن	وع (۱) (وح ح)	ذی الحجه سنه سبع وعشرین
د	جعه بن هبیره المخزومی	مرو	معوویه	د ماه (۷)	(۱)
هـ	عبدالرحمن بن ابزی الخزاعی (۸)	بلخ	(۱)	کع کب (کح کب)	سنه احدى وثلثین
و	عبدالله بن عامر بن کریز	هراة	معوویه	کع ع (کج ح)	سنه اربع وثلثین
ز	زیاد بن ایبه (۹)	بلخ	(۱)	وع (۱) (وح ج)	سنه ثمان وثلثین
ح	عبیدالله بن زیاد (۱۰)	مرو	معوویه	ب با ع (بب ح)	سنه اربع واربعمین
ط	سعید بن عثمان بن عقن	مرو	(۱)	وع (۱) (وح ج)	سنه اثنین وخمسمین
ی	عبدالرحمن بن زیاد	بخارا	(۱)	اوع (اوج)	سنه خمس وخمسمین
یا	سلم بن زیاد	مرو	عبدالله بن زبیر	دوع (دوح)	سنه ثمان وخمسمین
یب	عبدالله بن خازم	مرو	(۱)	طری ه (طی ه)	سنه اثنی وستین
یج	بحیر بن ورقاء (۱۱)	طوس	عبدالملک بن مروان	اع (۱) (اح ج)	سنه احدى و سبعین [۱۰۰]

عدد	نامهای امرا	دارالملک	نامهای خلفا که بروزگار هر یک بودند	مدت های امارت	تاریخ ابتدای امارت از تاریخ هجری
ید	امیر بن عبدالله	مرو	عبدالمک بن مروان	رح ح (زح ح)	سنه اثنی و سبعین
یه	الحجاج بن یوسف	کس ^{۱۳}	عبدالمک بن مروان ^{۱۳}	طح د	سنه تسع و سبعین
یو	قتیبه بن مسلم	مرو	ولید بن عبدالمک	ب ح ح	سنه سبع و ثمانین
یز	یزید بن مهلب	نیامد	سلیمان بن عبدالمک	ط ط	سنه سبع و ثمانین
یح	وکیع بن ابی سود	فرغانه	سلیمان بن عبدالمک	ا و ه	بخراسان نرسید
یط	یزید بن مهلب	گرگان	سلیمان بن عبدالمک	ا ح ح	سنه سبع و تسعین
ک	الجراح بن عبدالله الحکمی ^{۱۴}	مرو	عمر بن عبدالعزیز	ا د ه	سنه مائة
کا	عبدالرحمن بن نعیم القرشی ^{۱۵}	مرو	یزید بن عبدالمک	ر ع ع (ز ج ج)	سنه احدى و مائة
کب	سعید بن عبدالعزیز	مرو	هشام بن عبدالمک	د ح	سنه مائة و اربع
کج	عمر بن هبیره	مرو	(۱)	د ر ع (د ز ح)	سنه سبع و مائة
کد	خالد بن عبدالله	مرو	(۱)	د ل ا ر (د ل ا ز)	(۱۶)
که	اشرس بن عبدالله السلمی ^{۱۷}	مرو	هشام بن عبدالمک	ب و فا	سنه عشر و مائة [۱۰۱]-
کو	(۱۸)	مرو	هشام بن عبدالمک	ط ع ع (ط ح ح)	سنه اثنی عشر و مائة

عدد	نامهای امرا	دارالملک	نامهای خلفاکه بروزگار هر یک بودند	مدت‌های امارت	تاریخ ابتدای امارت از تاریخ هجری
کز	خالد بن- عبدالله	نیشابور	هشام بن عبدالملک	ع م ا ع (ح ه ج)	سنه عشرين و مائة (۱۹)
کح	عاصم بن حمید الهلالي (۲۰)	نیشابور	هشام و ولید ویزید و ابراهیم ومروان (۲۱)	ک ع ع (ک ح ح)	سنه عشرين و مائة
کط	نصر بن سیار	نیشابور	ابوالعباس سفاح	م ط می (ه ط ی)	سنه عشرين و مائة
ل	ابومسلم عبدالرحمن	نیشابور	ابو جعفر المنصور	ک ح ر	سنه ست و عشرين و مائة (۲۲)
لا	ابو داود الذهلای (۳۳)	نیشابور	المنصور	د ب یه	سنه سبع و ثلثین و مائة
لب	عبدالجبار بن عبدالرحمن	سیستان	المنصور	ب ح ح	سنه اربعین و مائة (۲۴)
لج	خازم بن خزیمه	نیشابور	المنصور	م ا ب ع (ا ب ح)	سنه اثنی و اربعین و مائة (۲۵)
لد	ابوعون عبدالملک بن یزید	نیشابور	المنصور	ز و د	سنه ثلث و اربعین و مائة (۲۶)
له	اسید بن عبدالله (۲۷)	بلخ	(۱)	ا ب لا	سنه خمسين و مائة (۲۸)
لو	عبد بن قدید (۲۹)	سیستان	المنصور	لا ک لا (ز ما ه)	سنه احدى و خمسين و مائة (۳۰)
لز	حمید بن قحطیه	طوس	المنصور	ا د ح	سنه تسع و خمسين و مائة [۱۰۲] (۳۱)
نح	ابوعون بن عبدالملک	مرو	المهدی	ا ا ع	سنه ستین و مائة
لظ	معاذ بن مسلم	نیشابور	المهدی	ه د ج	سنه احدى و ستین و مائة

عدد	نامهای امرا	دارالملک	نامهای خلفا که بروزگار هریک بودند	مدتهای امارت	تاریخ امارت هریک از تاریخ هجری گوید
م	المصیب بن زهیر	مرو	المهدی	ه ج د	سنه ست وستین مائة (۳۲)
ما	ابوالعباس الفضل (۳۳) ابن سایمان	طوس	المهدی و الیهادی	د ج ج	سنه ست وستین مائة (۳۴)
مب	جعفر بن محمد	طوس	الرشید	ب ح ع	سنه اثنی وسبعین و مائة
مبج	العباس بن جعفر	مرو	الرشید	د ع ط	سنه خمس و سبعین و مائة
مد	الغطریف بن عطا	بخارا	الرشید	ا د ه ا	سنه سبع و سبعین و مائة
مه	الفضل بن یحیی برمکی (۳۵)	(۱)	الرشید	ب د ه ا	(۳۶)
مو	منصور بن یزید	نیشابور	الرشید	ب و ع	سنه ثمانین و مائة
مز	علی بن عیسی بن ماهان (۳۷)	بلخ	الرشید	ب ح ع	سنه تسع و سبعین و مائة
مخ	هرثمه بن اعین	بلخ	الرشید	ر لا غ (ز ط ح)	سنه احدى وتسعین و مائة
مط	(حسن بن سهل) (۳۸)	مرو	(المأمون)	د ز ی	سنه ثمان وتسعین و مائة [۱۰۳]
ن	غسان بن عباد (۳۹)	مرو	(المأمون)	ا د ه ا	سنه خمس و مائتین
نا	طاهر بن- الحسین	نیشابور	(المأمون)	ا ط ه ا	سنه اربع و مائتین
نپ	طلحه بن- طاهر	نیشابور	(المأمون)	ح ه ه	سنه سبع و مائتین (۴۰)

عدد	نامهای امرا	دارالملک	نامهای خلفا که بروزگار هر یک بودند	مدت‌های امارت	ابتدای امارت از تاریخ هجری
نچ	عبدالله بن طاهر	نیشابور	المأمون	یو ا ب	سنه ثلث عشر و مائتین
ند	طاهر بن عبدالله (۴۱)	نیشابور	الوائق والمتوکل والمنتصر (۴۲)	یط ز یط (یز ز یط)	سنه ثلثین و مائتین (۴۳)
نه	محمد بن طاهر بن عبدالله (۳۳)	نیشابور	المستعین والمعتز	یا ح	سنه ثمان و اربعین ومائین (۳۵)
نو	یعقوب بن لیث (۳۶)	سیستان	المعتمد علی الله (۳۷)	ع ع ع (یا ح ع)	سنه اربع و خمسین و مائتین
نز	عمرو بن لیث (۳۸)	سیستان	المعتمد علی الله	و ع ع (کد ح ح)	سنه خمس وستین و مائتین (۳۹)
نج	طاهر بن محمد (ظاهر سوم) (۵۰)	نیشابور	المعتمد علی الله (۵۰)	ه ماه	سنه تسع و خمسین و مائتین (۵۰)
نط	نصر بن احمد (۵۱)	بلخ (۵۲)	المعتمد علی الله	و ه (یط و ه)	سنه احدى و سبعین و مائتین (۵۳)
س	طاهر بن عمرو لیث (۵۴)	سیستان	المکفی بالله (۵۵)	ب ز ح	سنه تسع و ثمانین و مائتین
سنا	الماخی اسماعیل	بخارا	المعتضد و المکفی	یز ا ه	سنه سبع و ثمانین و مائتین (۵۶) [۱۰۴]
سب	الشهید احمد بن اسماعیل	بخارا	المکفی و المقتدر	و ه یز	سنه خمس و تسعین و مائتین
سج	السعید نصر بن احمد	بخارا	القاهر و الراضی	ل ح کز	سنه احدى و ثلثمائة
سد	الحمید نوح بن نصر	بخارا	المتقی و المستکفی	ن ب د ر (یج د ز)	سنه احدى و ثلثین و ثلثمائة
سه	الرشید عبدالملک بن نوح	بخارا	المطیع لله	ز و ا	سنه ثلث و اربعین و ثلثمائة

عدد	نامهای امرا	دارالملک	نامهای خلفاکه بروزگار هرک بودند	مدتهای امارت	ابتدای امارت تاریخ هجری
سو	السدید منصور بن نوح (۵۷)	بخارا	المطیع لله	ر ا ط ه (یو ط ه)	سنه خمسين وثلثمائة (۵۸)
سز	الرضی نوح بن منصور (۵۹)	بخارا	الطایع لله (۶۰)	ر ا ط ه (کا ط ه)	سنه خمس وستين و ثلثمائة
سح	منصور بن نوح	بخارا	الطایع لله	ر ا ط ه ع (ب ط ه)	سنه ثلث وثمانين و ثلثمائة (۶۱)
سط	عبد الملك بن نوح	بخارا	الطایع لله	ا ر ه ع (ا ز ه)	سنه تسع وثمانين و ثلثمائة
ع	یمین الدوله، امین الدوله ابو القاسم محمود	غزنین	القادر بالله	ل ا ب ط	سنه تسع وثمانين و ثلثمائة
عا	جلال الدوله و جمال الملکه ابو احمد بن محمود	غزنین	القادر بالله	ا ه ک ب	سنه احدى وعشرين واربعمائة
عب	ناصر دین الله و حافظ عباد الله ابو سعید مسعود (۶۲)	غزنین	القایم بالله (۶۳)	ه ه بد (یا ه بد)	سنه احدى وعشر و اربعمائة
عج	شهاب الدوله و قطب الملکه ابو الفتح مودود	غزنین	القایم بالله	ح ا	سنه اثني وثلثين و اربعمائة (۶۴) [۱۰۵]
عد	ابو جعفر مسعود بن مودود (۶۵)	غزنین	القایم بالله	لا ل ا ه (۱۱)	سنه اربعين واربعمائة
عه	الامین المؤید بنصر الله ابو- الحسن علی بن مسعود (۶۶)	غزنین	القایم بالله	لا ل ا ه (۱۱)	سنه احدى واربعين و اربعمائة
عو	عز الدوله و	غزنین	القایم بالله	د د د	سنه احدى واربعين و

پخش پنجم

پادشاهان خاندانهای مشهور کشور

در دوره اسلامی

طاهریان هرات

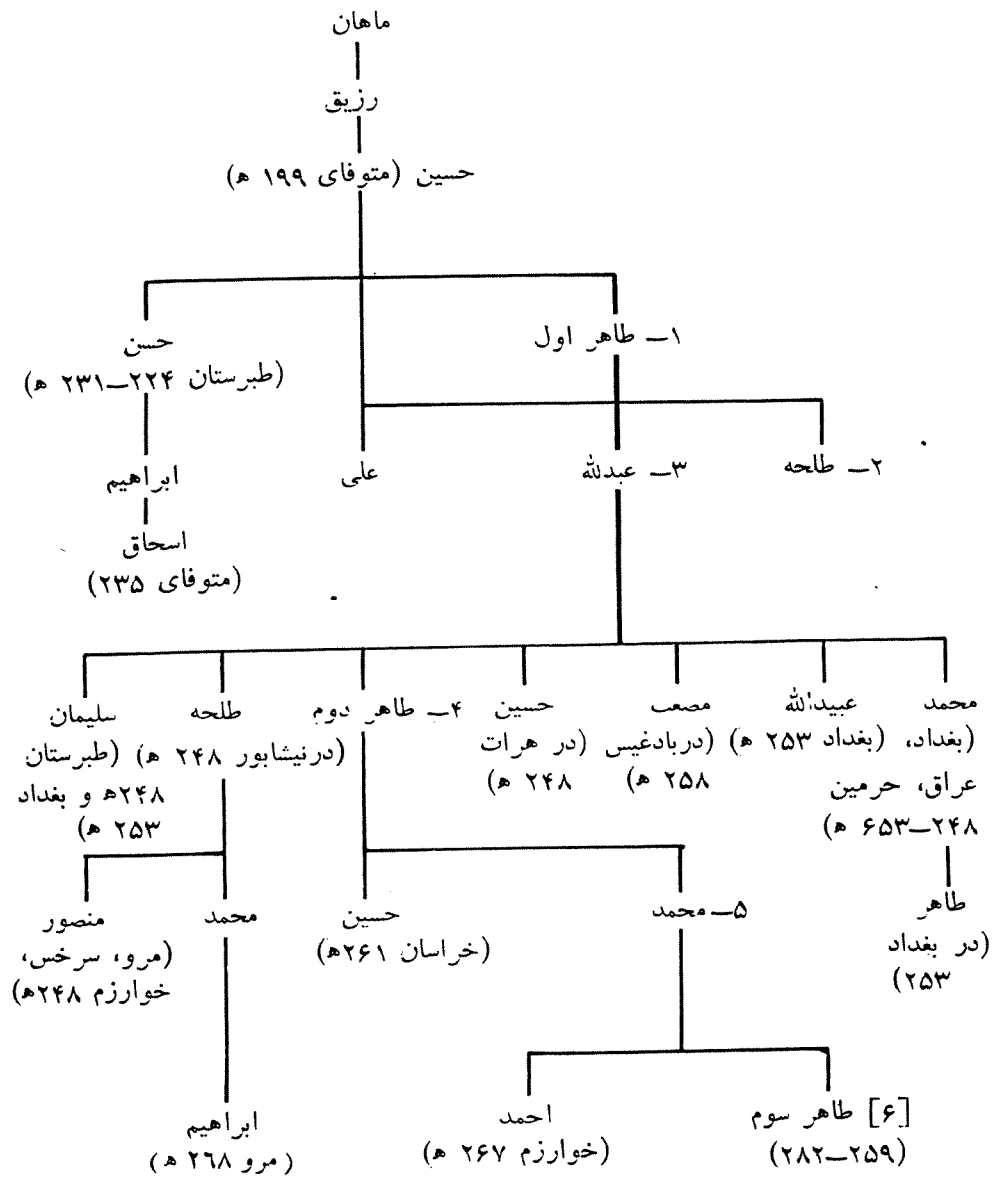
طاهر یکی از نوادگان خاندانی بود که در شهر پوشنگ از توابع هرات حکومت داشتند.

طاهر از طرف مأمون خلیفه، عباسی به حکومت خراسان منسوب گردید. نامبرده به لقب ذوالیمینین ملقب بود.

طاهر و اولادش در مسند حکمرانی خودها به استقلال کامل فرمان میراندند ولی خود را مطیع دستگاه خلافت می دانستند.

پادشاهی این خانواده پس از پنجاه سال در سال ۲۵۹ هجری با اثر هجوم یعقوب لیث صفاری منقرض گردید.

طاهریان



سامانیان

در ایران و ماوراءالنهر

۲۶۱ - ۸۷۴/۵۳۸۹ - ۸۹۸ م

سامان يك آبرائی زاده‌ی اهل بلخ بود که پس از ترك دين زرتشت، به واسطه اسدبن عبدالله والی خراسان، اسلام را پذیرفت و پسر خود را اسد نام نهاد. چهار فرزند اسد این سامان به دلیل ایراز لیاقت و شجاعت در خدمت مأمون، هر کدام در حوالی سال ۲۵۴ هجری به حکومت منطقه‌ای در قلمرو خلافت منصوب شدند. نوح به حکومت سمرقند، واحد به حکومت فرغانه، و یحیی به حکومت شاش و اشروسنه، والیاس به حکومت هرات رسیدند. پس از مرگ نوح، بزرگ‌خاندان در سال ۲۲۷ ه (۸۴۱ م)، حکومت سمرقند به احمد منتقل شد و او نیز در سال ۲۵۵ ه (۸۶۴ م) درگذشت. سامانیان تا این وقت تحت نظارت طاهریان حکومت می‌کردند ولی پس از انقراض آنان، نصر اول پسر احمد بن اسد سابق‌الذکر در سال ۲۶۱ ه (۸۷۴ م) به حکومت در قلمرو سامانیان و آنچه سابقاً در دست خودشان بود تعیین گردید. این نصر، اولین فرمانروای سامانی محسوب می‌گردد.

اسماعیل پردوم احمد نیز در سال ۲۸۷ ه (۹۵۵ م) خراسان را از دست صفاریان خارج کرد و محمد بن زید از علویان طبرستان را شکست داد. به این ترتیب سرزمین وسیعی که از صحرای کبری تا خلیج بصره و از حدود هندوستان تا بغداد وسعت داشت به فرمانروائی سامانیان گردن نهادند. با استقرار سامانیان در ماوراءالنهر در ایام اسماعیل، بخارا و سمرقند به دومرکز عظیم فرهنگ و تمدن در ناحیه‌ی بزرگی از جهان اسلام تبدیل شدند.

دولت جانشینان اسماعیل به سبب وقوع شورشهایی در خراسان و سیستان، و به مناسبت قدرت روزافزون آل بویه رو به ضعف نهاد و تا آنجا رسید که قلمرو آنان در مدت پنجاه سال به دو منطقه‌ی ماوراءالنهر و خراسان محدود شد. ضعف سامانیان باعث شد که بتدریج غلامان ترك اطراف آنان، قدرت را در دست گیرند و الپتکین دولت غزنویان را در سال ۳۵۱ هجری تأسیس نماید.

در سال ۳۸۴ ه (۹۹۴ م) غزنویان، قلمرو سامانیان را در جنوب رود جیحون تصرف کردند، اما ایلیخانان (ایلک‌خانان ترکستان) که در شمال رودخانه سکونت داشتند و بر کلبه‌ی قبائل ترك این منطقه استیلا یافته بودند، تمام ماوراءالنهر را تصرف کردند و با استیلا بر بخارا در سال ۳۸۲ ه (۹۹۲ م) به حکومت سامانیان پایان دادند و در سال ۳۸۹ ه (۹۹۸ م) دولت سامانیان بکلی منقرض شد.

ابراهیم المنتصر پسر نوح دوم به سختی کوشید تا تخت فرمانروائی اجدادش را نجات دهد ولی در سال ۳۹۵ ه (۱۰۵۵ م) بدست اسماعیلیان به قتل رسید.

بنی‌صعلوك که از امرای سامانیان بودند، در ری (قرن چهارم هجری) حکومت داشتند و ابوالعباس محمد بن صعلوك در سال ۳۵۱ ه (۹۱۳ م) حکومت طبرستان را در دست گرفته بود. از احمد بن علی و برادرش محمد بن علی (از این خاندان) سکه‌ای طلائی که در

بنی سیمجور که آنان نیز از امرای سامانیان بودند، بین سالهای ۲۹۸ تا ۳۹۲ هـ (۹۱۵-۱۴۵۵) در سیستان و خراسان حکومتی مستقل برپای کردند. امیر سیمجور اولین حاکم این خاندان، غلام اسماعیل بن احمد سامانی بود که به اولادش به «دواتی» ملقب شده بودند. پنجمین و آخرین حاکم این خاندان به نام ابوالقاسم بن ابی الحسن محمد بن ابراهیم بن سیمجور در سال ۳۹۲ هجری به اسارت یمن الدوله محمود غزنوی درآمد و به غزنه فرستاده شد.

۲۶۱ هجری قمری نصر اول پسر احمد

اسماعیل بن احمد ۲۷۹

احمد بن اسماعیل ۲۹۵

نصر دوم پسر احمد ۳۰۱

نوح اول پسر نصر ۳۳۱

عبدالملك اول پسر نوح ۳۴۳

منصور اول پسر نوح ۳۵۰

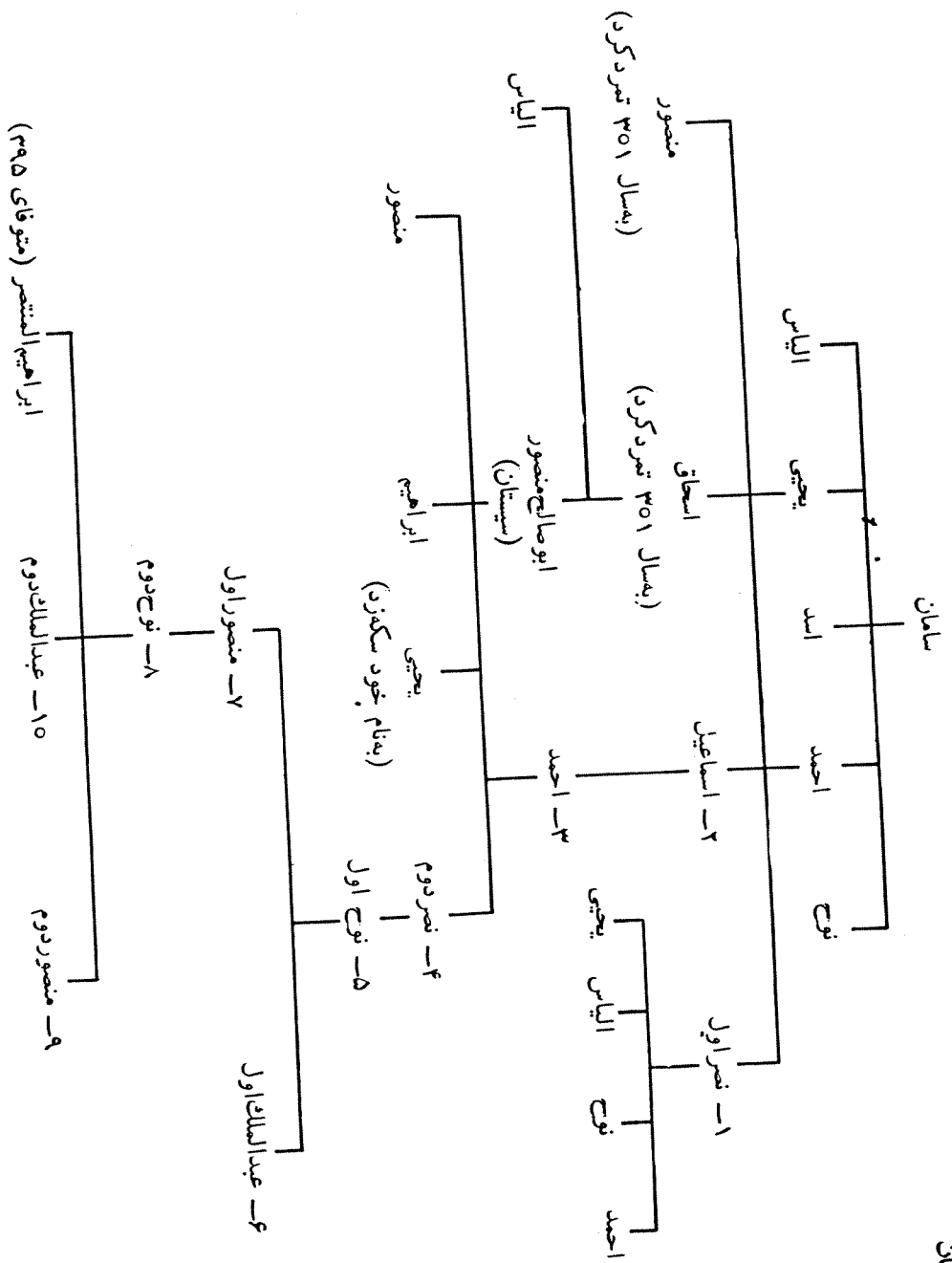
نوح دوم پسر منصور ۳۶۶

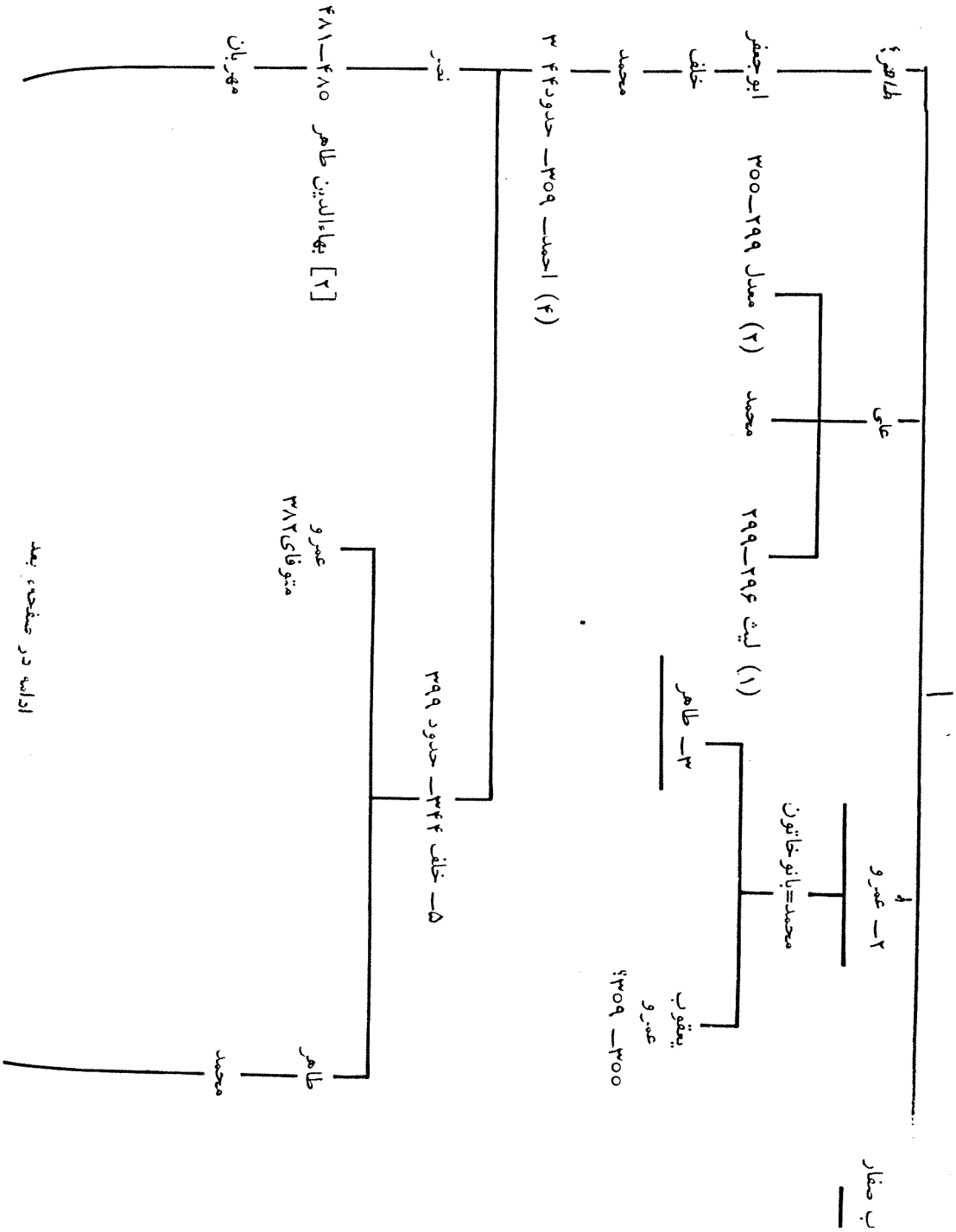
منصور دوم پسر نوح دوم ۳۸۷

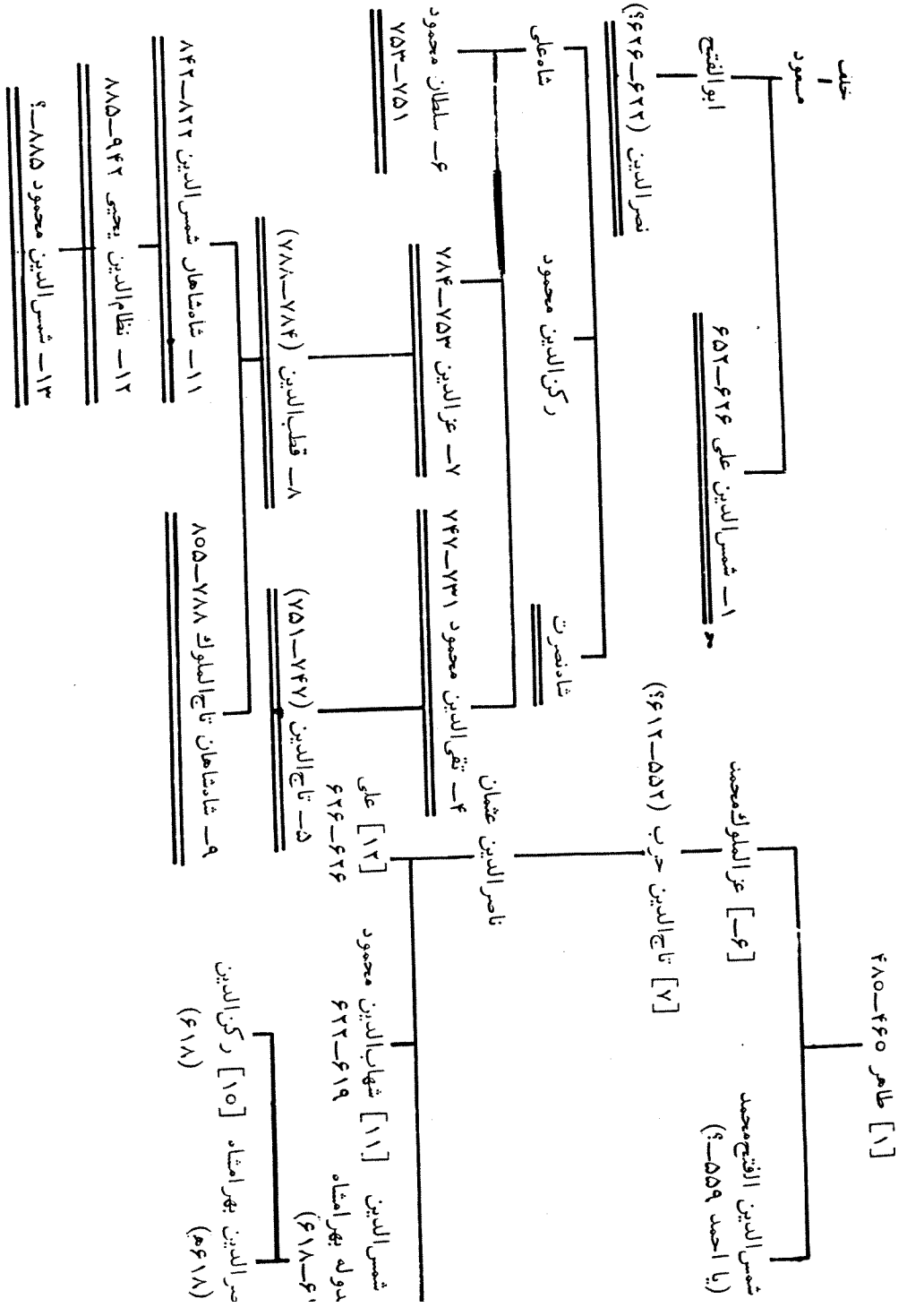
عبدالملك دوم پسر نوح دوم ۳۸۹

(سپس خانهای ترکستان و غزنویان بر قلمرو آنان استیلا یافتند)

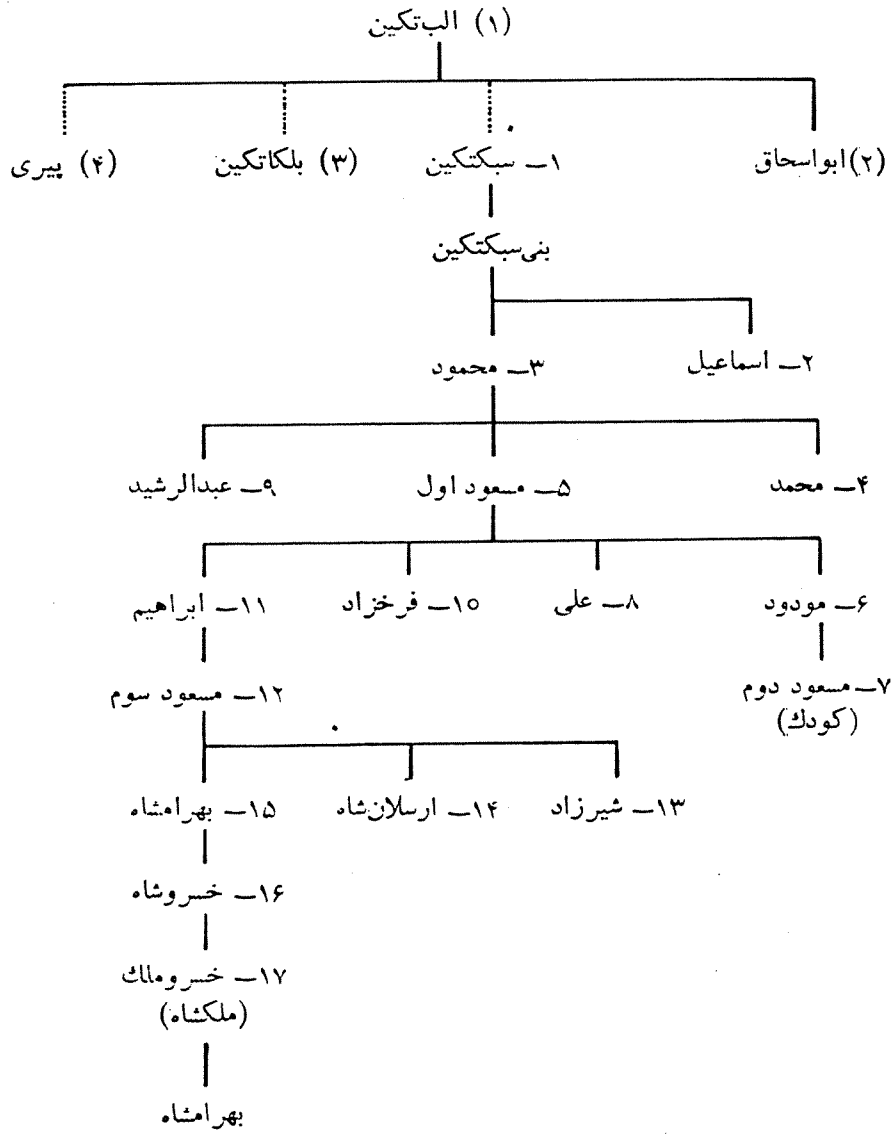
سامانیان





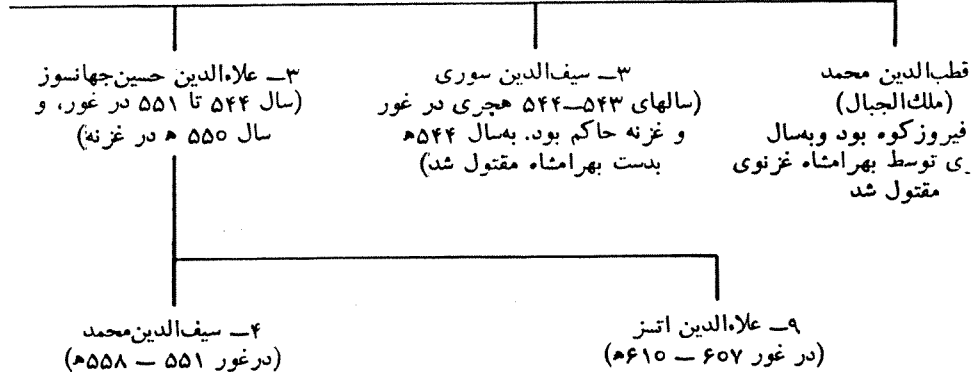


غز نویمان



غوریان

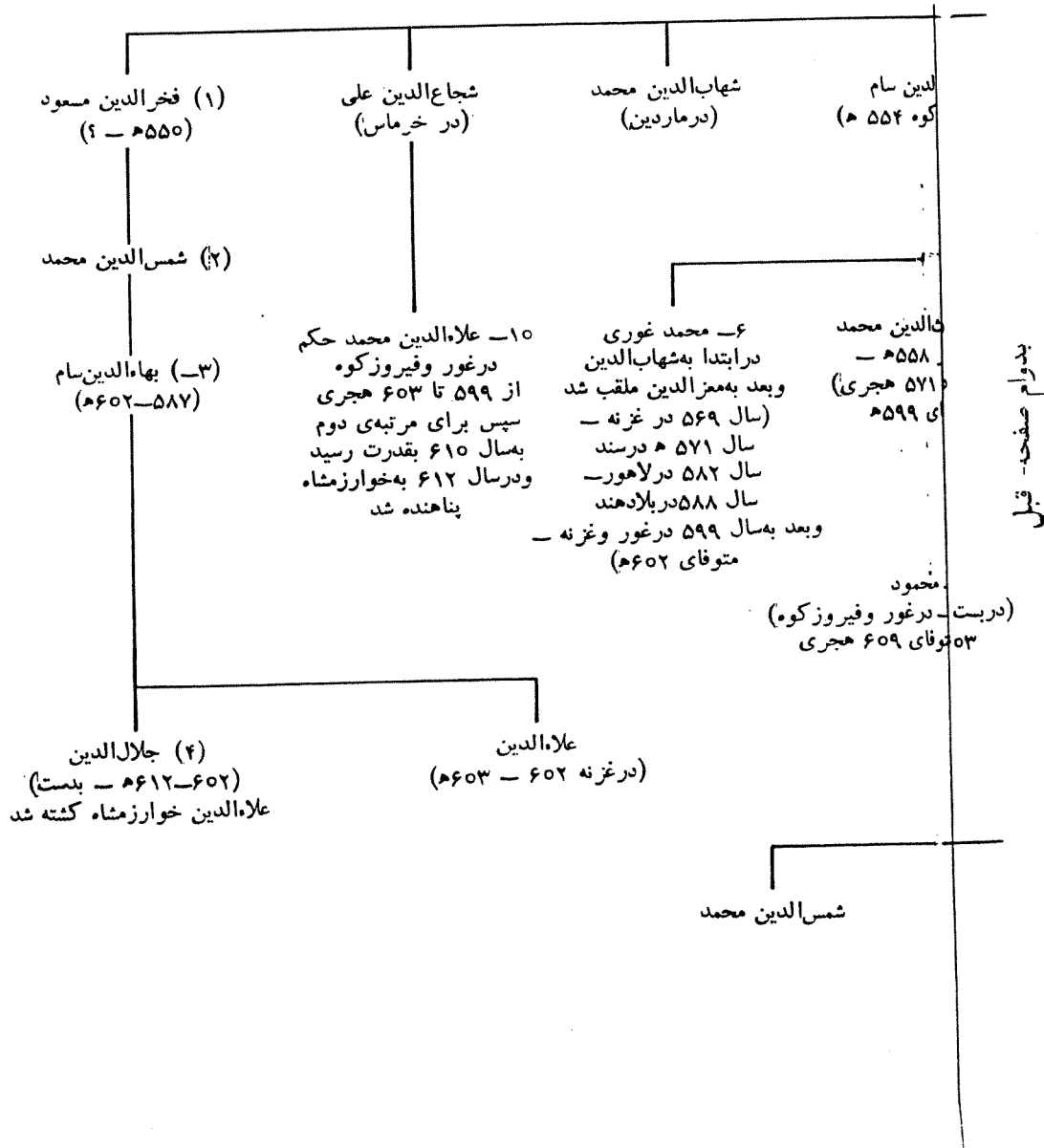
عزالدین



بیتیه در صفحہ ۱ پیوسته

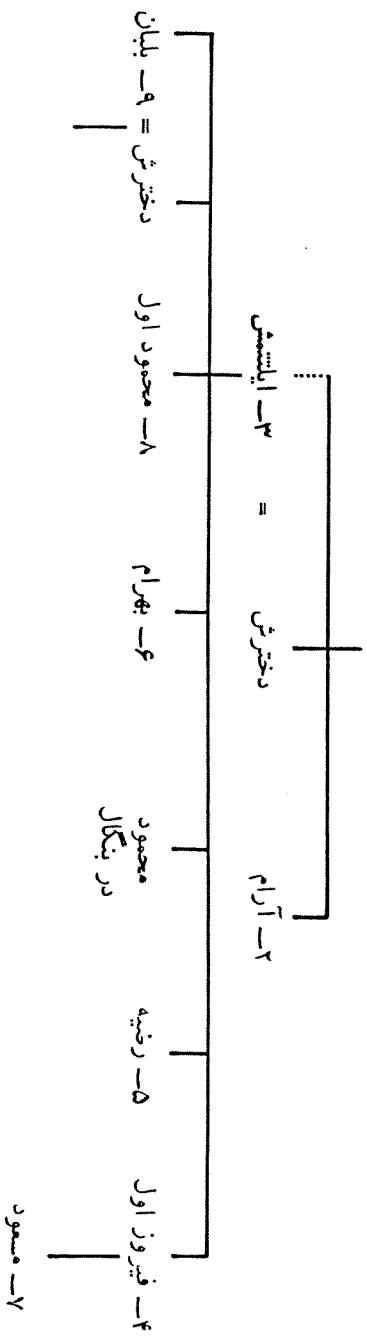
۸- بهاء‌الدین سام
(در غور و نقاط دیگر، ۶۰۷ هـ)

غوریان

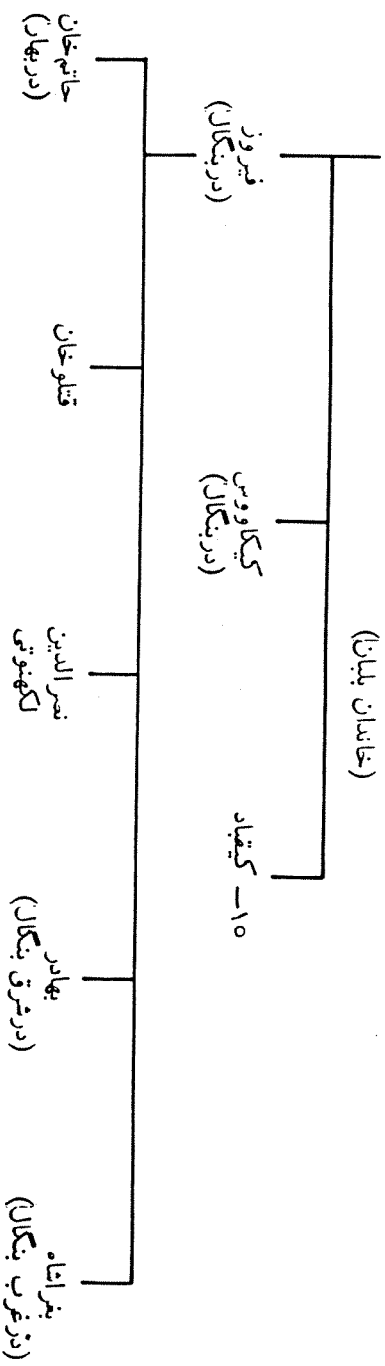


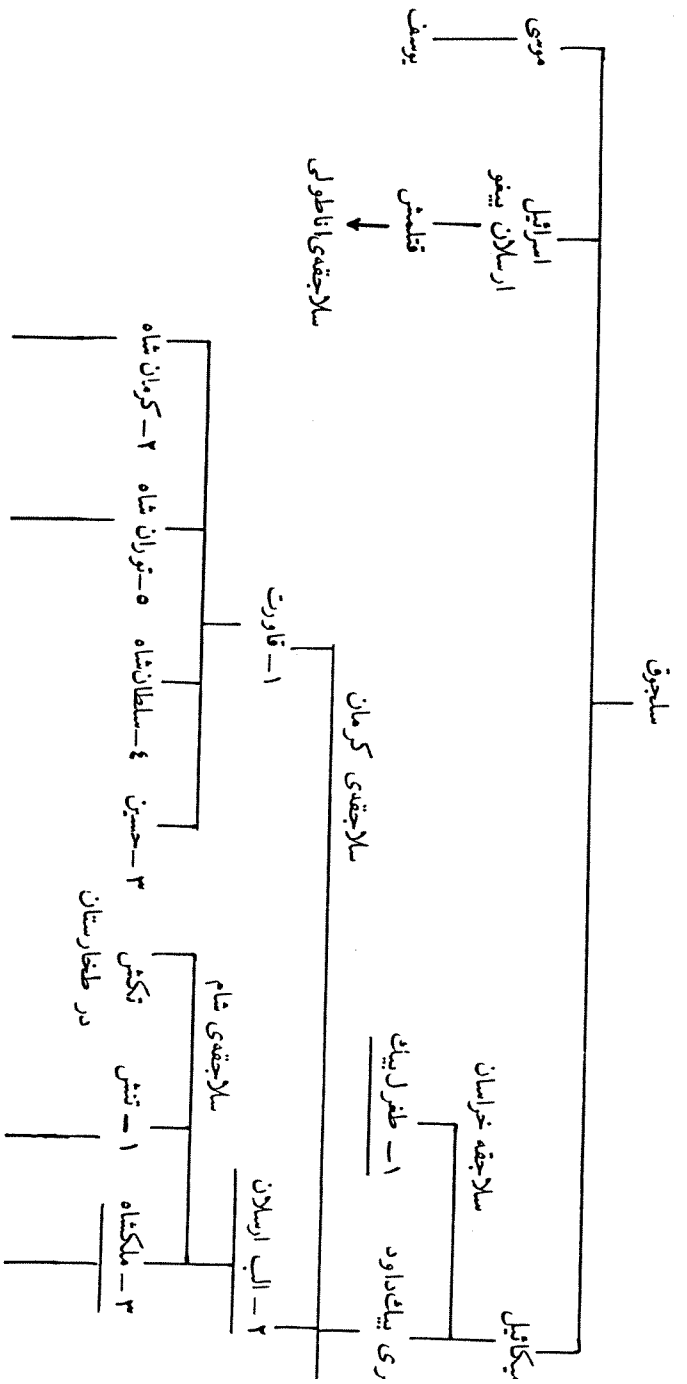
ممالیک

۱- قطب الدین ایبک
(غلام محمد غوری)

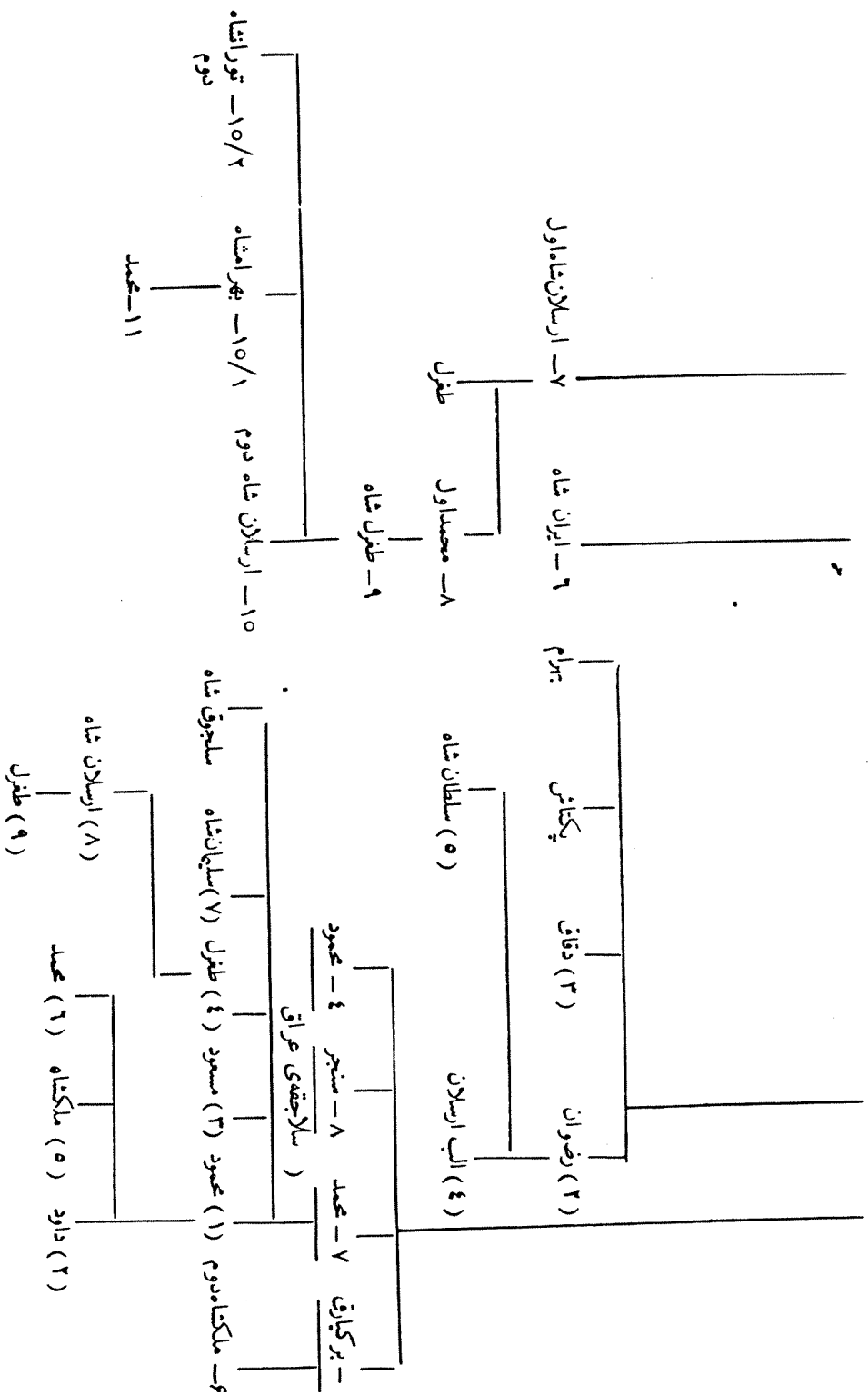


(خانندان بلین)



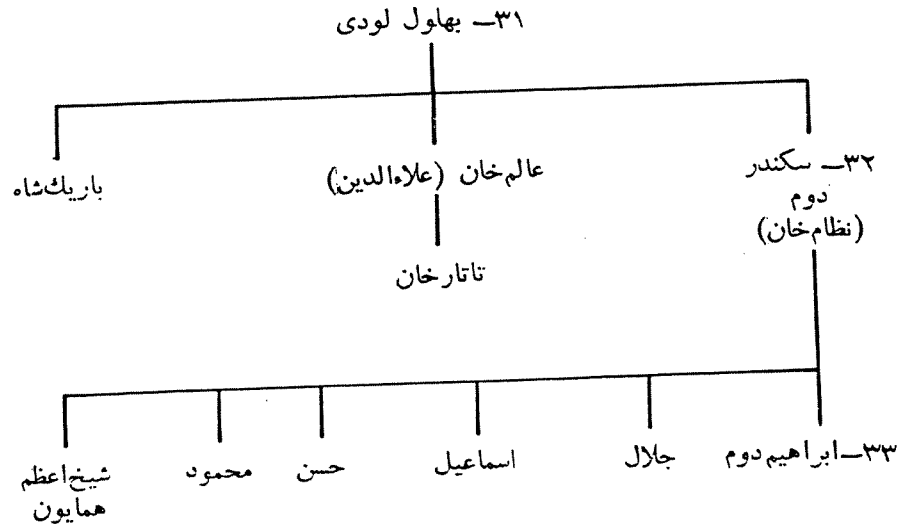


بقیه در صفحه ۹۲

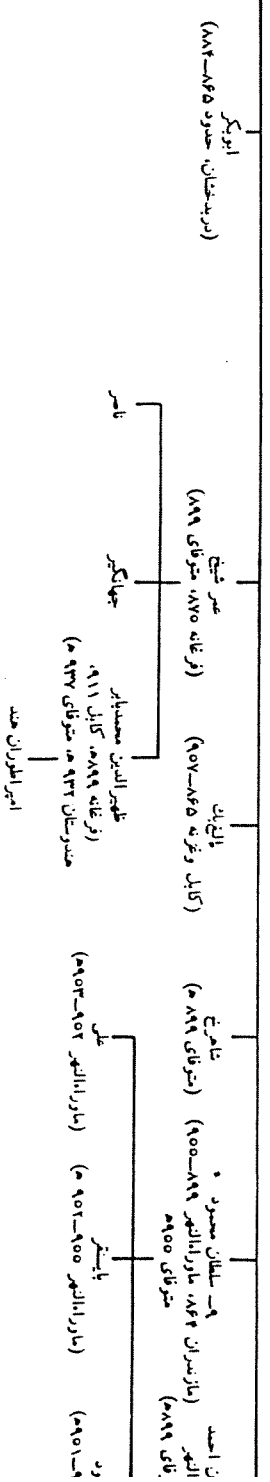
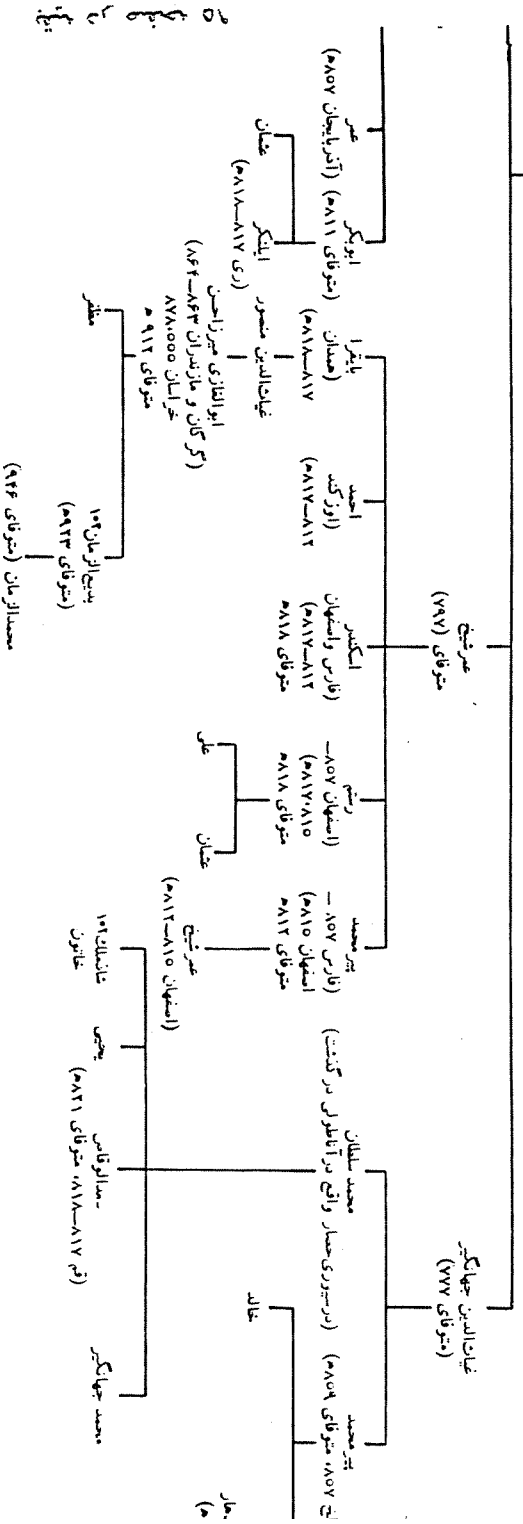


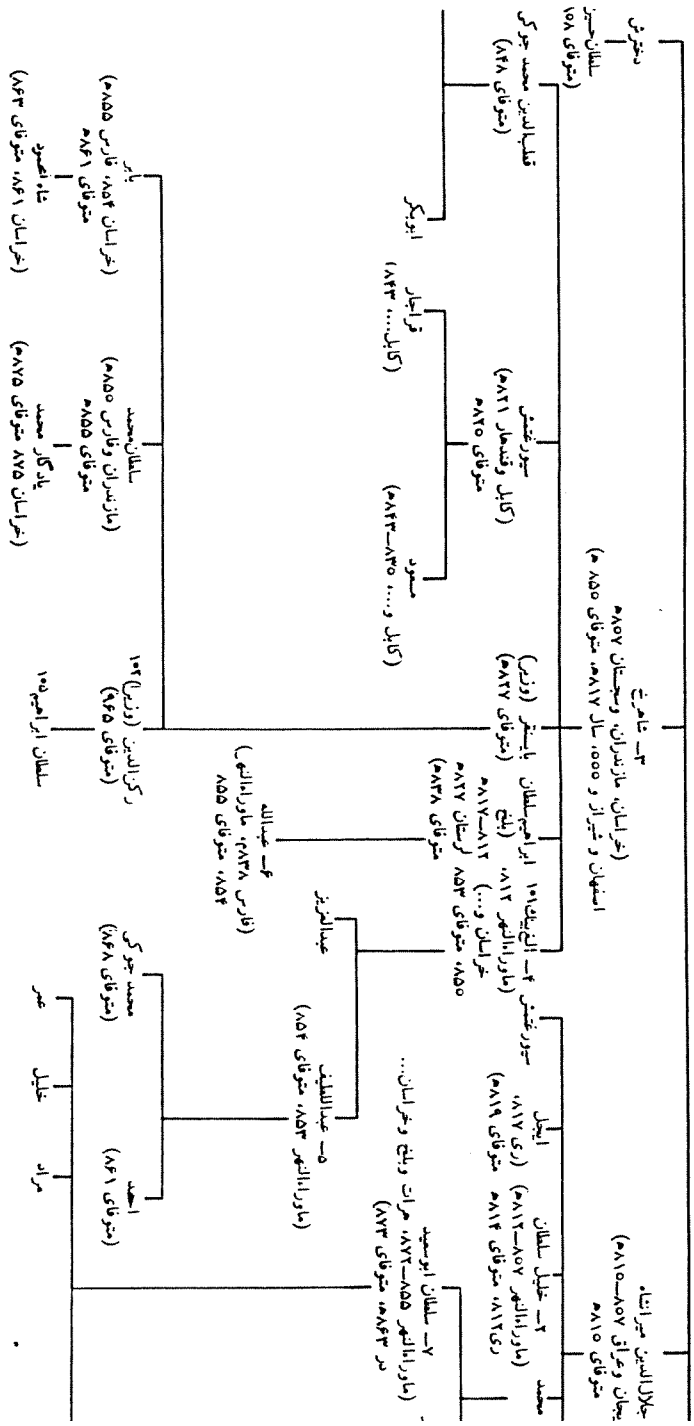
- لودی ۱۵

۸۵۵ هجری قمری بهلول لودی
۸۹۴ سنندر دوم پسر بهلول
۹۲۳-۹۳۲ ابراهیم دوم پسر سنندر ۱۲۹

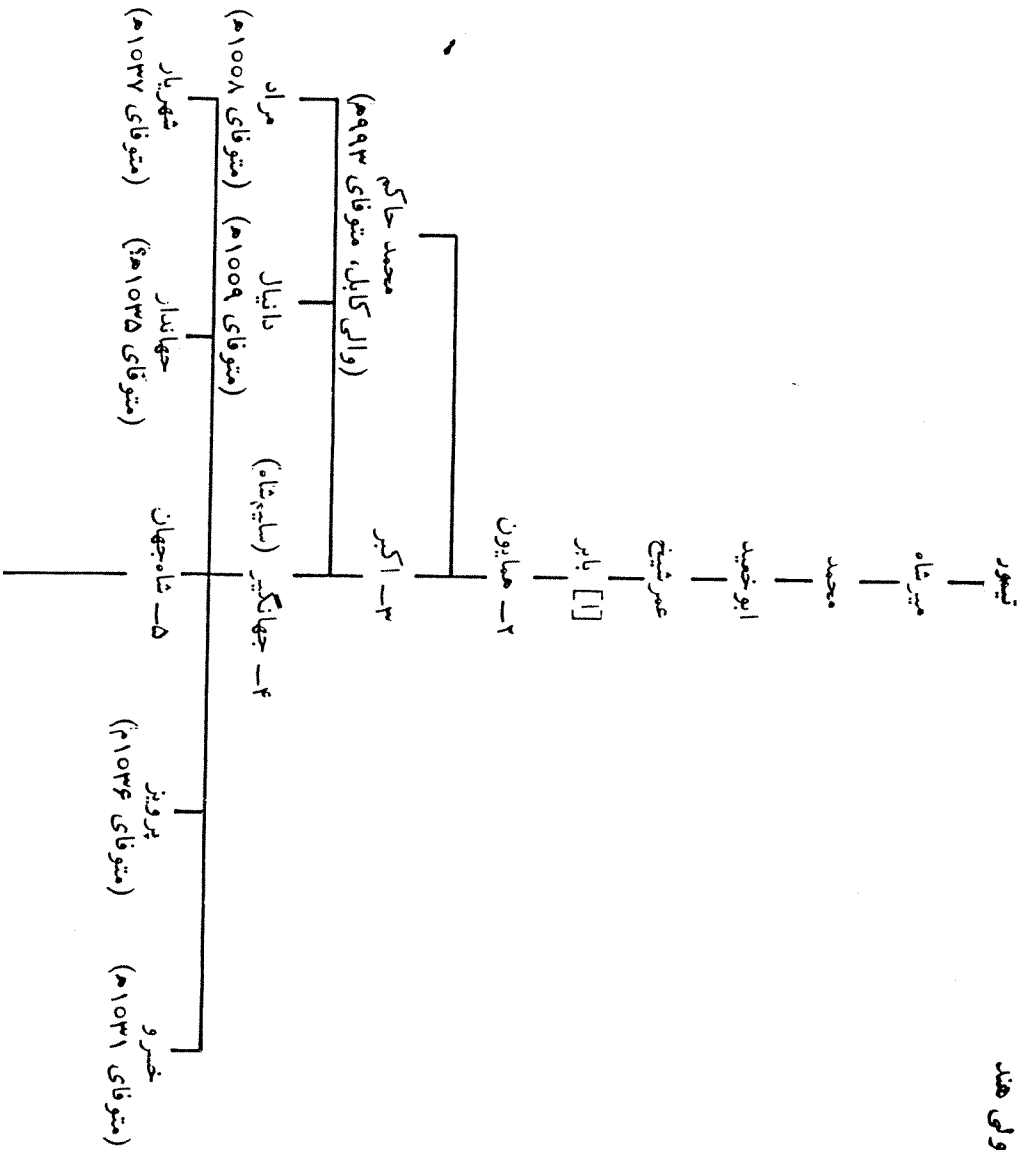


آل تیمور
 وزیریهایی که در آن حکومت داشتند
 ۱- تیمور (توقای سال ۸۰۷ هـ)

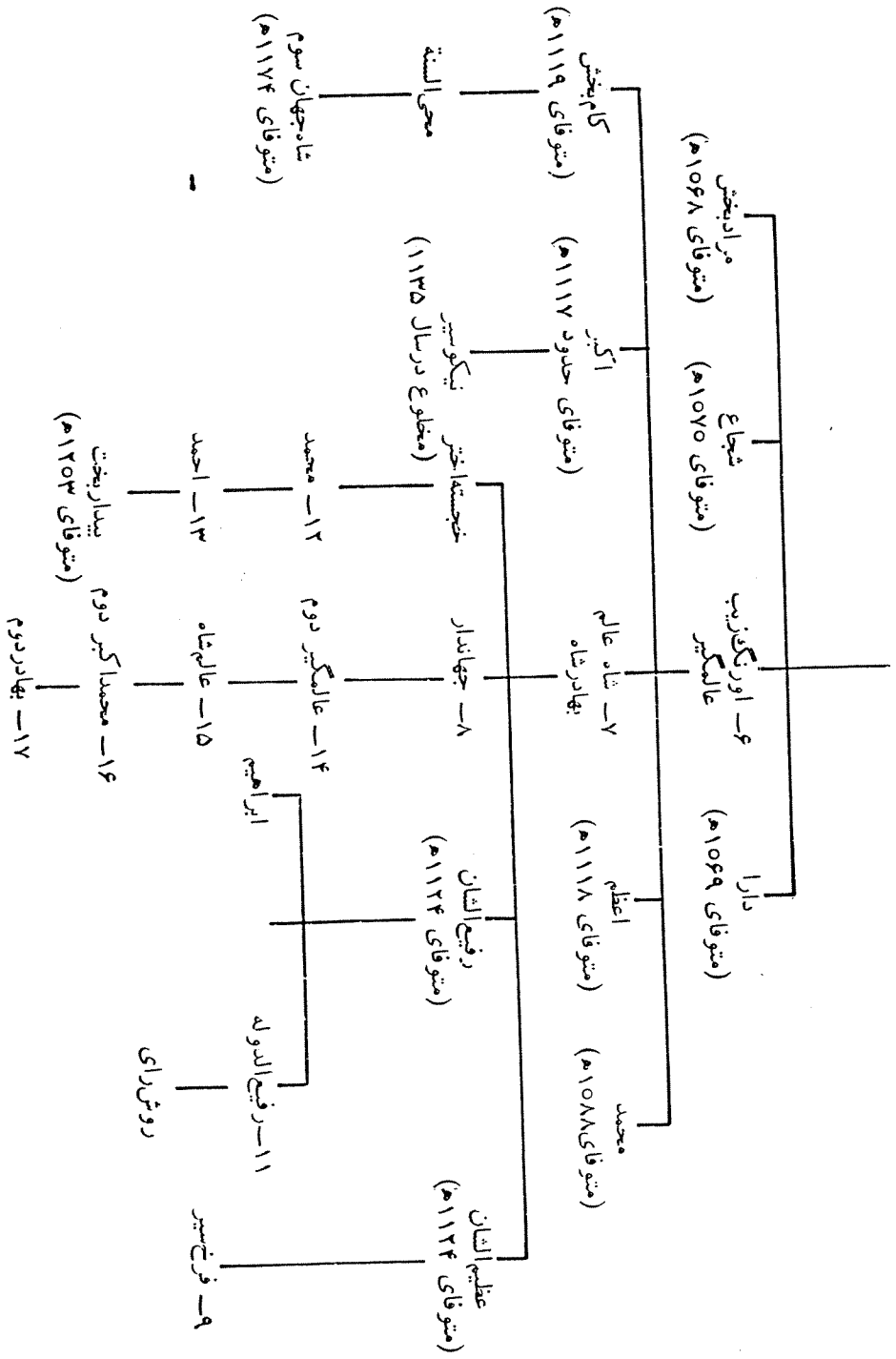




پراطوران مغولی هند



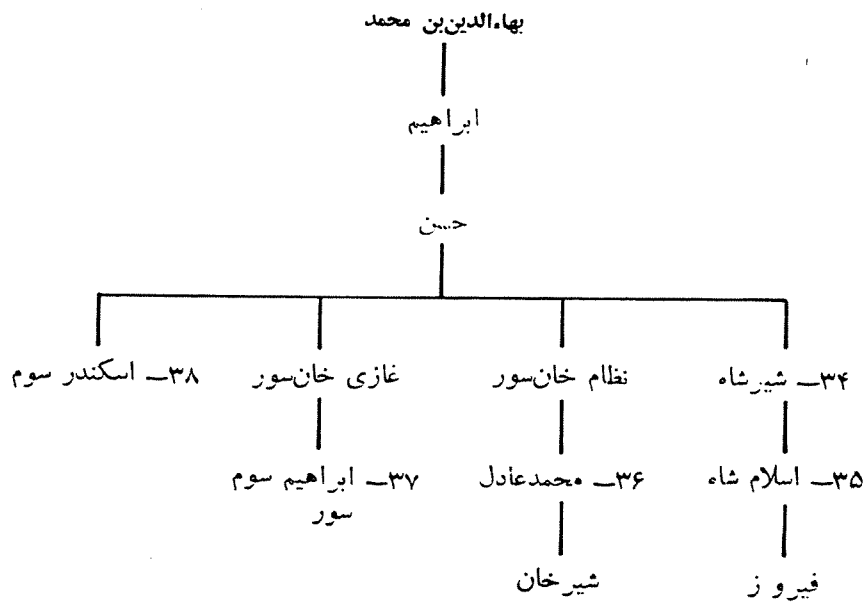
به ادایه صفحہ قبلی



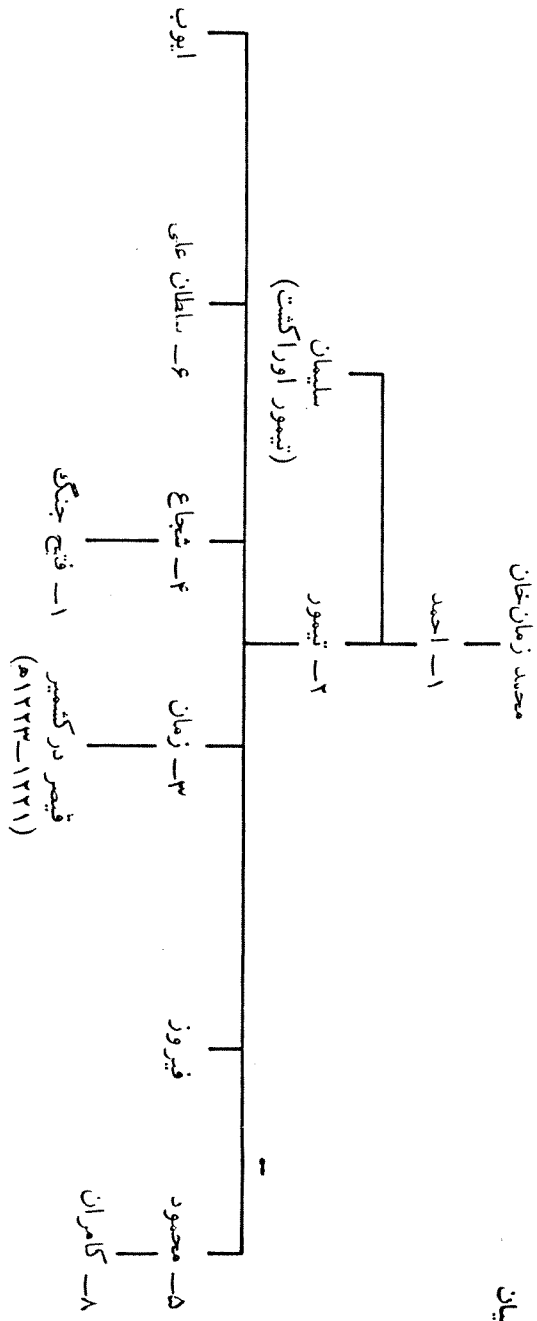
(افغانيان سوري)

۹۴۷ هجري قمری شیر شاه فرید	
اسلام شاه ۱۲۰	۹۵۲
محمد پنجم، عادل شاه (عدلی)	۹۶۰
ابراهیم سوم، سور	۹۶۱
سکندر شاه سوم	۹۶۲

(سیس امپراطوران هند)

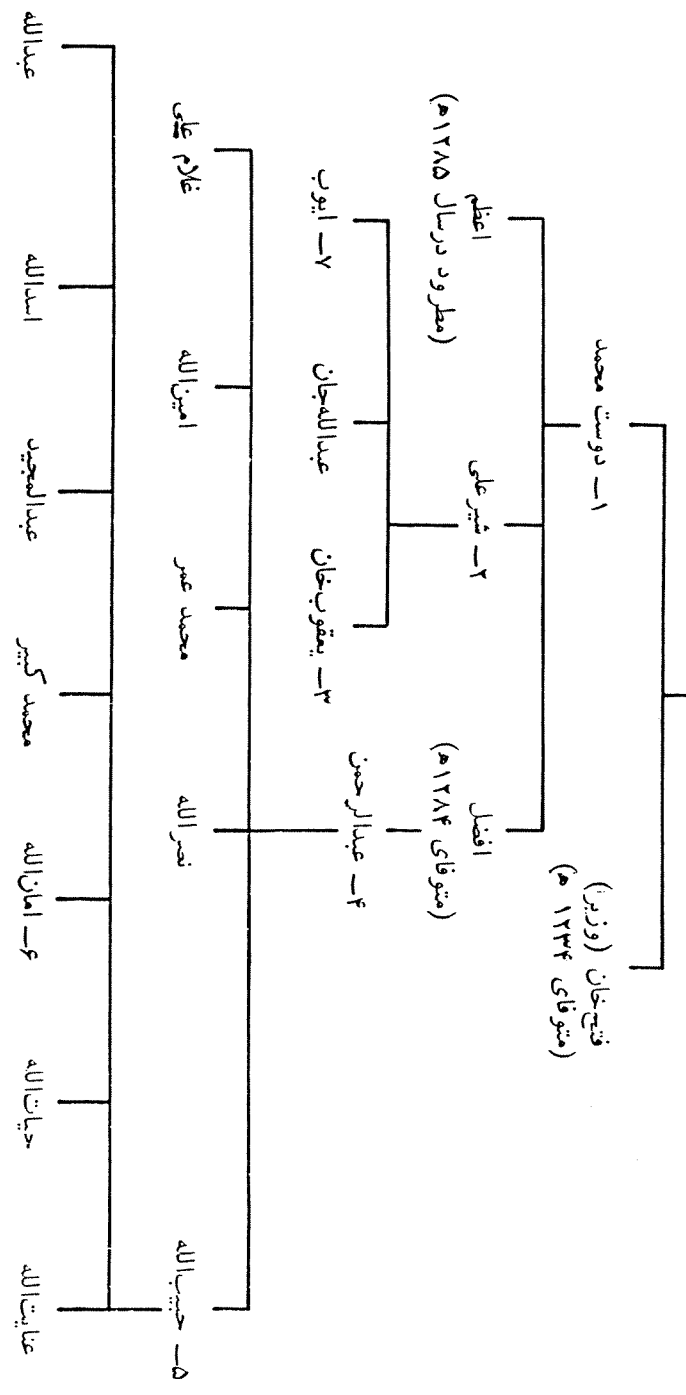


ایمان



پایده خان
(وزیر)

گرافی ها



بخش ششم

خلفای اسلام

حضرت محمد صلی علیه وسلم

ابوالقاسم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدالمنف بن
قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک
ومادرش آمنه بنت وهب بن عبدمناف بن زهره بن کلاب بن مره بن
کعب بن لوی

تولدش روز دوشنبه دوازدهم ماه رمضان بوقت سپیده دم اندر عام فیل
که نه سال از بادشاهی نوشیروان عادل گذشته بود
او دو ماهه بود که پدرش پدرود حیات گفت و در چهار سالگی او
مادرش وفات یافت.

به سن چهل سالگی پیغمبری ووحی بر وی نازل شد
وسیزده سال بعد از وحی به روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول سنه اول
هجری به مدینه آمد و ده سال بعد پدرود حیات گفت -

خلفای راشدین

۱۱ - ۴۵ هجری قمری

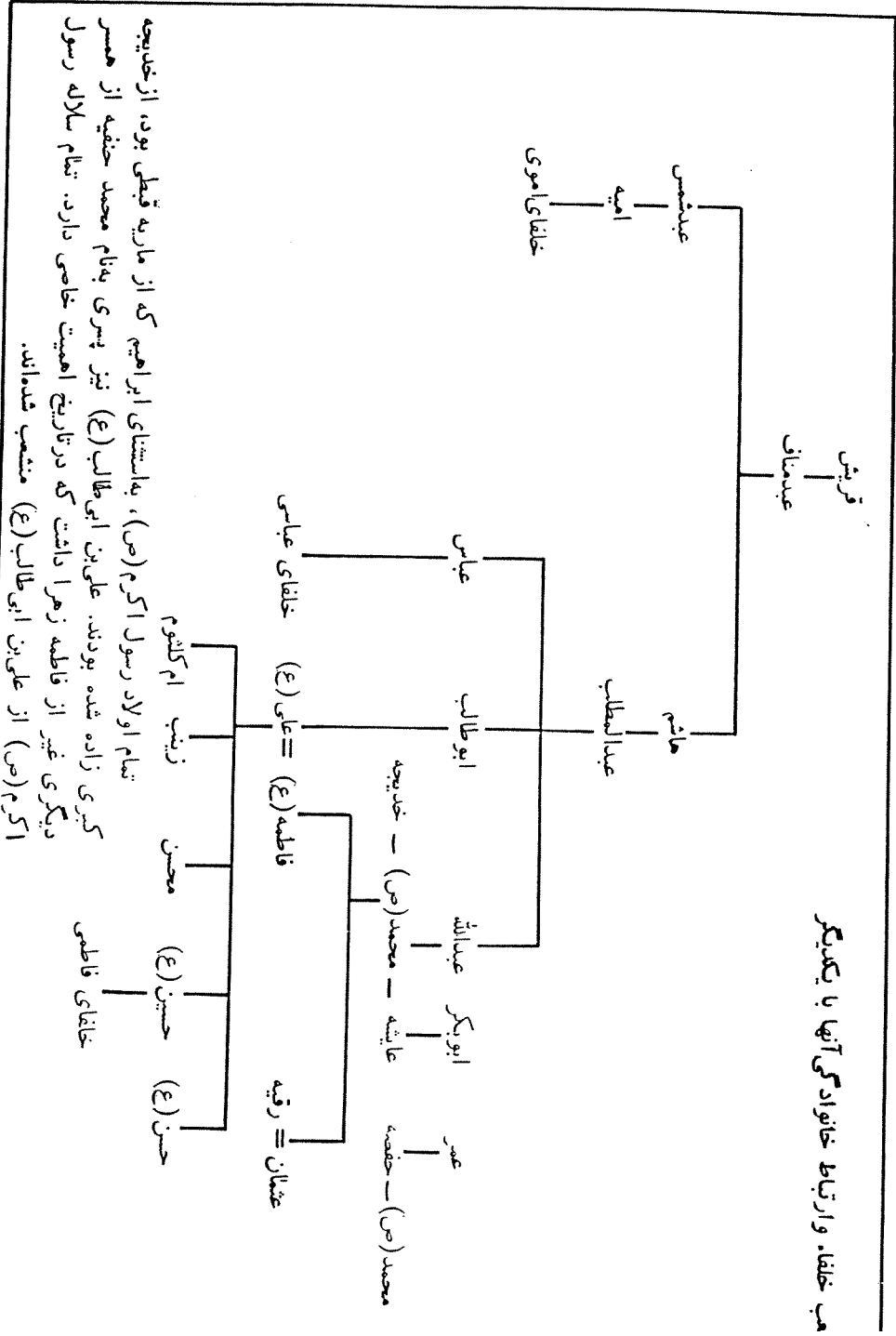
۱۱ - حضرت ابوبکر

۱۲ - حضرت عمر

۲۲ - حضرت عثمان

۲۵ - ۴۵ حضرت علی

مب خلفاء، وارتباط خانوادگی آنها با یکدیگر



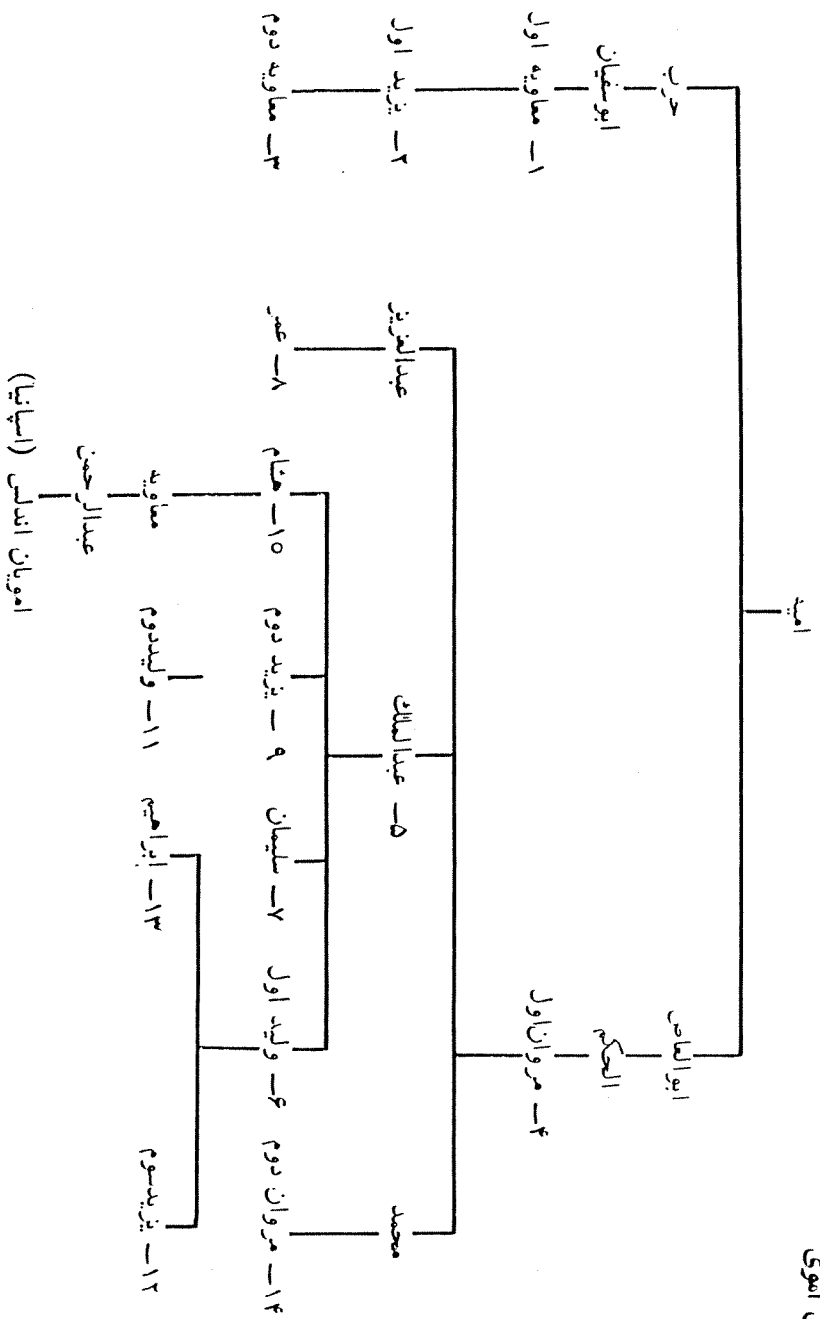
٢ - خلفاءِ ا موى

٤١ - ١٢٢ هجرى قمرى

٤١ -	هجرى قمرى	معاويه، اول
٦٠ -	" "	يزيد اول
٦٤ -	" "	معاويه، دوم
٦٤ -	" "	مروان اول
٦٥ -	" "	عبدالملك
٨٦ -	" "	وليد اول
٩٦ -	" "	سليمان
٩٩ -	" "	عمر بن عبدالعزيز
١٠١ -	" "	يزيد دوم
١٠٥ -	" "	هشام
١٢٥ -	" "	وليد دوم
١٢٦ -	" "	يزيد سوم
١٢٦ -	" "	ابراهيم
١٢٧ - ١٢٢	"	مروان دوم

(سپس عباسيان وامويان اسپانيا)

خلفای اموی



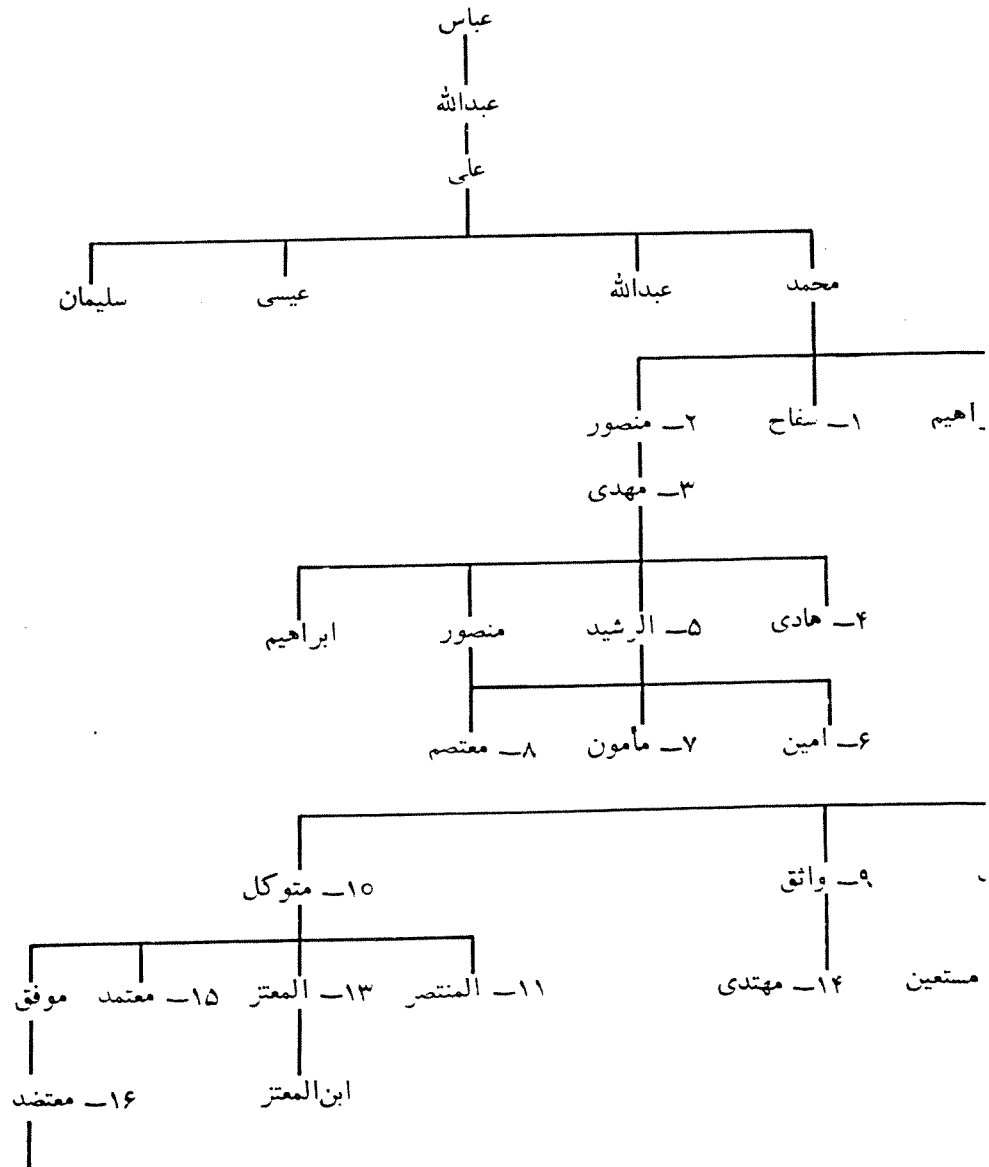
٣- خلفاء عباسي

١٣٢ - ٦٥٦ هجري قمرى

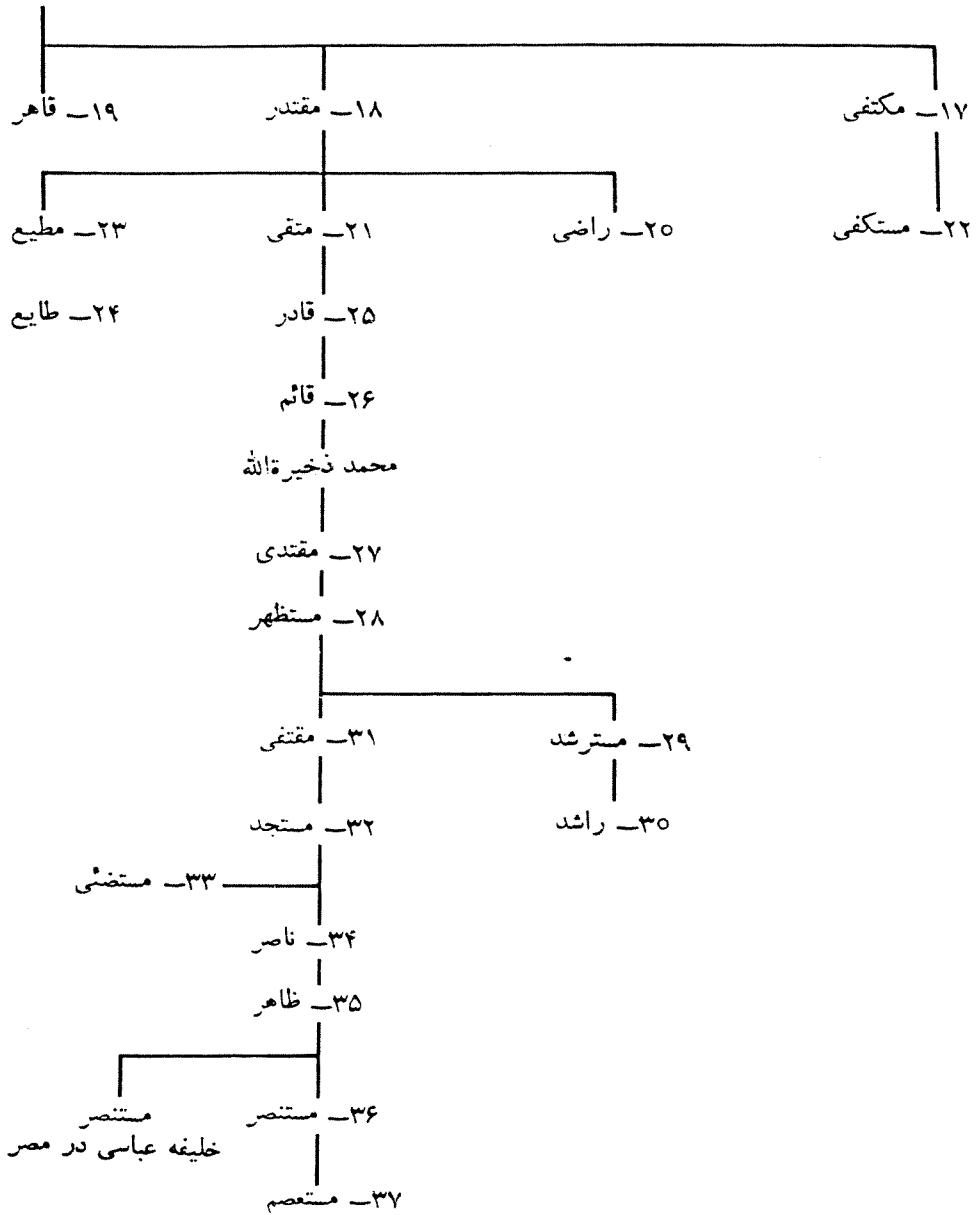
ابوالعباس عبدالله السفاح	١٣٢
ابوجعفر عبدالله منصور	١٣٦
ابوعبدالله محمد المهدي	١٥٨
ابومحمد موسى الهادي	١٦٩
ابوجعفر هارون الرشيد	١٧٥
ابوموسى محمد الامين	١٩٣
ابوجعفر عبدالله مأمون	١٩٨
ابواسحاق محمد معتصم بالله	٢١٨
ابوجعفر هارون الواثق بالله	٢٢٧
ابوالفضل جعفر المتوكل على الله	٢٣٢
ابوجعفر محمد المنتصر بالله	٢٤٧
ابوالعباس احمد المستعين بالله	٢٤٨
ابوعبدالله محمد المعتز بالله	٢٥١
ابواسحاق محمد المهدي بالله	٢٥٥
ابوالعباس احمد المعتمد على الله	٢٥٦
ابوالعباس احمد المعتضد بالله	٢٧٩
ابومحمد على المكتفي بالله	٢٨٩
ابوالفضل جعفر المقتدر بالله	٢٩٥
ابو منصور محمد القاهر بالله	٣٢٥
ابوالعباس احمد الرضا بالله	٣٢٢
ابواسحاق ابراهيم المتقي بالله	٣٢٩
ابوالقاسم عبدالله المستكفي بالله	٣٣٣
ابوالقاسم الفضل المطيع لله	٣٣٤
ابوبكر عبدالكريم الطائع لله	٣٦٣
ابوالعباس احمد القادر بالله	٣٨١
ابوجعفر عبدالله القائم بالله	٤٢٢
ابوالعباس عبدالله المقتدى بامر الله	٤٤٧
ابوالعباس احمد المستظهر بالله	٤٨٧
ابو منصور فضل المسترشد بالله	٥١٢
ابوجعفر منصور الراشد بالله	٥٢٩
ابوعبدالله محمد المتقي لامر الله	٥٣٥
ابوالقاسم محمد المسترشد بالله	٥٥٥

٥٧٥ هجرى قمرى ابوالعباس احمد الناصرالدين الله
٦٢٢ " " ابو نصر محمدالظاهر بامرالله
٦٢٢ " " ابوجعفر المنصور المستنصر بالله
٦٤٠ تا ٦٥٦ هجرى قمرى ابو احمد عبدالله المستعصم بالله

خلفای عباسی



بدوام صفحه، ۱۰۹



عباسیان مصر

در سال ۶۵۶ هجری قمری هلاکو خان مغل خلافت عباسیان را منقرض کرد و جهان اسلام برای مدت سه و نیم سال بدون خلیفه باقی ماند.

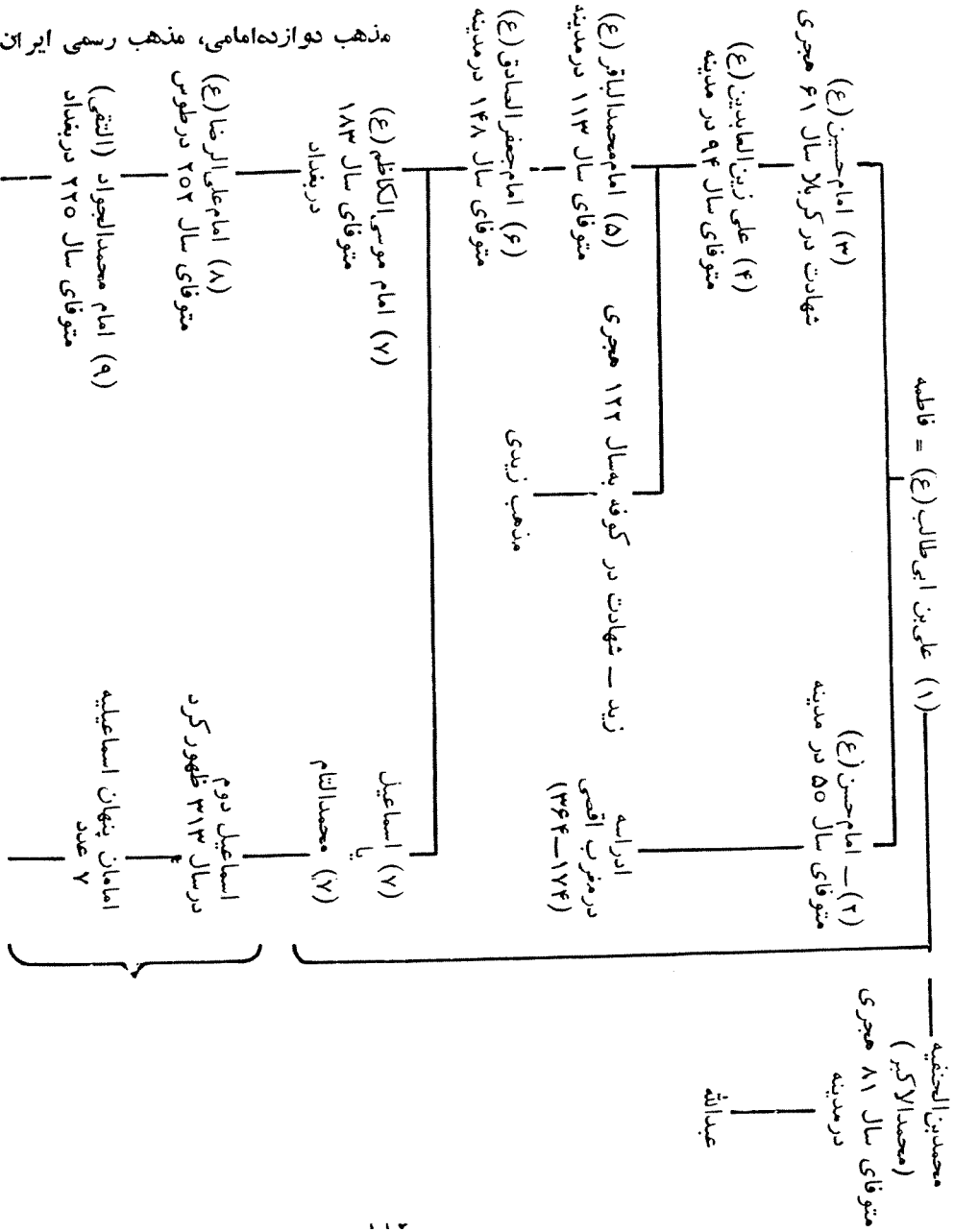
در سال ۶۵۹ هجری قمری احمد پسر ظاهر، خلیفه سی و پنجم عباسی به مصر وارد شد و از طرف قاضی القضاة مصر در نهم رجب با لقب مستنصر بالله ابوالقاسم بر مسند خلافت نشست، اما نامبرده وهفده تن خلفای بعد از او قدرت سیاسی و اجرا ایبری نداشتند و صرف در کارهای مذهبی و تشریفاتی می پر داختند.

عباسیان مصر

	۶۵۹-۹۲۳ هجری قمری
ابوالقاسم احمد المستنصر بالله	۶۵۹
ابوالعباس احمد الحاکم بامرالله اول	۶۶۰
ابوالربیع سلیمان مستکفی بالله اول	۷۰۱
ابواسحاق ابراهیم الواثق بالله اول	۷۴۰
ابوالعباس احمد الحاکم بامرالله دوم	۷۴۰
ابوالفتح ابوبکر المعتض بالله اول	۷۵۳
ابوالفتح ابوبکر المعتض بالله اول	۷۵۳
ابوعبدالله محمد المتوکل علی الله اول	۷۶۳
ابویحیی زکریا المعتصم بالله	۷۷۹
المتوکل علی الله اول (برای بار دوم)	۷۷۹
عمر الواثق بالله دوم	۷۸۵
المعتصم بالله (مرتبه دوم)	۷۸۸
المتوکل علی الله اول (مرتبه سوم)	۷۹۱
ابوالفضل عباس المستعین بالله	۸۰۸
ابوالفتح داود المعتض بالله دوم	۸۱۷
ابوالربیع سلیمان المستکفی بالله دوم	۸۴۵
ابوالبقاء حمزه القائم بامرالله	۸۵۵
ابوالمحاسن یوسف المستجد بالله	۸۵۹
ابوالعز عبدالعزیز المتوکل علی الله دوم	۸۸۴
تقریباً ابوالصبر یعقوب المستمک بالله	۹۰۳-۹۱۵
تقریباً محمد المتوکل علی الله سوم	۹۱۵-۹۲۲
المستمک بالله (برای مرتبه دوم، به وکالت ازپسرش متوکل)	۹۲۲-۹۲۳

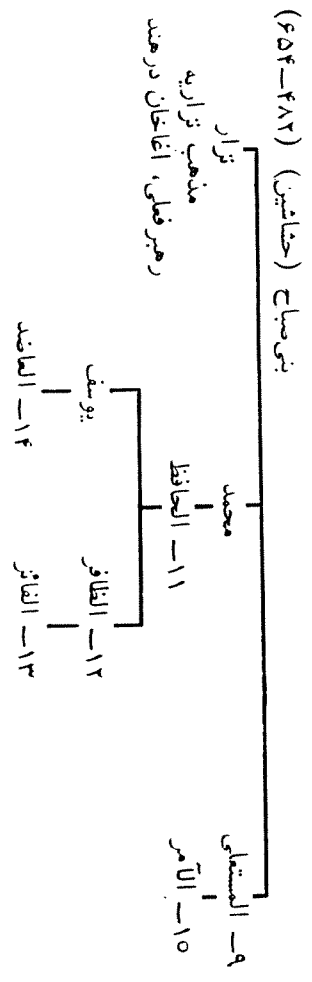
از سال ۹۲۲ هجری قمری به بعد خلافت مسلمین به عثمانیان منتقل شد و آخر الامر در ۲۶ رجب سال ۱۲۹۲ هجری قمری مطابق دوم مارچ سال ۱۹۲۴ میلادی، در نتیجه، رای دهی مجلس بزرگ ملی ترکیه، منقرض گردید.

سلسله فاطمیان



|
 (۱۰) امام علی التقی (ع)
 متوفای سال ۲۵۴ در سامرا
 |
 (۱۱) امام حسن عسکری (ع)
 متوفای سال ۲۶۵ در سامرا
 |
 (۱۲) امام محمد، ابوالقاسم المهدی المستنصر (ع)
 به سال ۲۶۶ در سامرا غایب شد

- خلفای فاطمی
- ۱- المهدی
- ۲- القائم
- ۳- المنصور
- ۴- الممنون
- ۵- المریز
- ۶- الحاکم
- ۷- الظاهر
- ۸- المستنصر



بخش هفتم

کرونولوژی وقایع مهم افغانستان

با بعضی از واقعات ممالک همجوار آن
از تاریخ جلوس احمدشاه ابدالی تا زمان بقدرت رسیدن طالبان

ماجرای کشور ما مومنان را عبرت است
غفلتِ همسایگان را دورباشِ غفلت است
تاجهد يك نبض در اندام این نسلِ دلیر
تابوديك قطره خون در پیکر این قومِ شیر
پیش چشمِ اهلِ گیتی باتو سر بازی کنند
در ره دین و وطن مشقِ سر افرازی کنند

فهرست واقعات

- جلوس اعلیحضرت احمدشاه در قندهار بعد از مقتول گردیدن نادرشاه
افشار — سال ۱۷۴۷ میلادی مطابق به سال ۱۱۲۶ هجری شمسی .
- قبولی و شناخت دریای آ موازطرف دولت بخارا بحیث سرحد بین
افغانستان و بخارا . — سال ۱۷۴۷ م ، ۱۱۲۷ . هجری شمسی (هـ ش .)
- اعلام استقلال خیوا بعد از کشته شدن نادرشاه افشار — سال ۱۷۴۸ م ،
۱۱۲۷ هجری شمسی .
- توسعه امپراتوری افغانستان در پنجاب ، بلوچستان ، وسند ، تا بحیره
عرب در سال ۱۷۴۸ م ، ۱۱۲۷ هـ ش .
- فتح کشمیر توسط قوای افغانستان — سال ۱۷۵۲ م ، ۱۱۲۱ هـ ش .
- کامیابی افغانها در جنگ پانی پت با مهاراتای هندوبر سر اقتدار آ وردن
مجدد امپراطوری اسلامی مغول برتخت دهلی — سال ۱۷۶۱ م ، ۱۱۴۰ هـ ش
- انتقال مرکز سلطنت از قندهار به کابل توسط تیمورشاه درانی — ۱۷۷۲ م .
۱۱۵۱ هـ ش .
- اخذ معاهده دولت بخارا درمورد شناخت مناطق جنوب دریای
آمودرخاک افغانستان — ۱۷۸۰ ، ۱۱۵۹ هـ ش .

- اولین حمله ناکام روسها بر خیوا — سال ۱۷۸۵م ، ۱۱۶۵ هـ ش .
- بر سر اقتدار رسیدن قاجاریها در ایران (وادامه‌ی آن تا سال ۱۹۲۵) —
- ۱۷۹۷م ، ۱۱۷۶ هـ ش ،
- حمله ایران بر هرات با استفاده از برخلافی های خانگی سدوزایی ها -
- ۱۷۹۹ م ، ۱۱۷۸ هـ ش .
- به قدرت رسیدن رنجیت سنگ در پنجاب که از توابع افغانستان بود -
- ۱۸۰۰ ، ۱۱۷۹ هـ ش .
- اشغال پایتخت دهلی توسط برطانویها — ۱۸۰۲ م ، ۱۱۸۱ هـ ش .
- شروع جنگ سکها با افغانان برای بدست آ آوردن کشمیر از افغانستان -
- ۱۸۰۵ م ، ۱۱۸۴ هـ ش .
- معاهده شاه شجاع سدوزی با انگلستان - خلع شاه شجاع توسط
- برادرش ولغو کردن معاهده مذکور - ۱۸۰۹م ، ۱۱۸۸ هـ ش .
- تقسیم شدن افغانستان به خود مختاریهای کابل، قندهار، و پشاور توسط
- اعضاء فامیل درانی - ۱۸۱۹ — ۱۸۲۶م ، (۱۱۹۸ تا ۱۲۰۵ هـ ش) .
- اشغال بلخ توسط بخارایی ها - ۱۸۱۷ م ، ۱۱۹۷ هـ ش .
- تصرف کشمیر از افغانستان توسط سکها - ۱۸۱۹ م ، ۱۱۹۸ هـ ش .
- شروع سلطه محمد زای بی ها در کابل توسط دوست محمد خان و متحد

ساختن مجدد مملکت — ۱۸۲۶م ، ۱۲۰۵ هـ ش .

اشغال شهر پشاور افغانستان توسط سکها — ۱۸۲۴م ، ۱۲۱۲ هـ ش .
جنگ اول افغان وانگلیس ، که منجر به شکست ننگین انگلستان و پرداخت
یکنیم ملیون روپیه و تسلیم دهی تمام ذخایر حربی انگلیسها در افغانستان
وتباه شدن < ۱۷هزار > عسکر و جنرالهای انگلیس گردید — جنوری

۱۸۴۲م . ۱۲۲۱ هـ ش .

فرار آقا خان پیشوای فرقه، اسماعیلیه از محلات ایران به
قندهار افغانستان و فعالیت نمودن نامبرده به نفع بر طایفه بکمک
پیروانش در کابل، سند، بدخشان و امارات بخارا — ۱۸۴۲م . ۱۲۲۵ هـ ش .
اشغال مجدد مقام سلطنت توسط دوست محمدخان بعد از ناکامی انگلیسها —

۱۸۴۲م ، ۱۲۲۱ هـ ش .

تصرف مجدد مناطق شمالی افغانستان توسط قوای افغانی — ۱۸۴۹م .

مطابق به سال ۱۲۲۸ هـ ش .

حمله ایران بر هرات و انصراف ایران از تصرف آن بعد از آنکه انگلستان
از طریق خلیج فارس بر ایران حمله کرد — ۱۸۵۶م ، ۱۲۲۵ هـ ش .
قیام مردم هند بر علیه اشغال هند توسط بر طایفه و بیطرفی اختیار
نمودن افغانستان در جنگ مذکور — ۱۸۵۷م ، ۱۲۲۶ هـ ش .

- انضمام بلوچستان از افغانستان به متصرفات برطانیه - ۱۸۵۹م ،
 ۱۲۲۶ هـ .
- اشغال تاشکند توسط عساکر روسهای تزاری - ۱۸۶۵ ، ۱۲۴۴ هـ .
 نا کامی عبدالرحمان خان در جنگهای قدرت طلبی فامیلی محمد زایی ها
 و فرار نمودن او به تاشکند - ۱۸۶۸م ، ۱۲۴۷ هـ .
- اشغال بخارا توسط روسها - ۱۸۶۸م ، ۱۲۴۷ هـ .
- تقریر سید جمال الدین افغان بصفت مشاور دربار پادشاهی افغانستان - ۱۸۶۸
 مطابق به سال ۱۲۴۷ هجری شمسی .
- فرار اهالی مناطق آسیای مرکزی به افغانستان از خطر روسها - ۱۸۶۸ -
 تا ۱۹۲۰م (۱۲۴۷ تا ۱۲۹۹ هـ) .
- توافق دولتهای روس و انگلیس در جهت مستقل ماندن افغانستان -
 ۱۸۷۲م (۱۲۵۱ هـ) .
- شروع کار قضاوت کمیسیون انگلیسی در مورد سرحد بین ایران
 و افغانستان در سیستان - ۱۸۷۲م (۱۲۵۱ هـ) .
- داخل شدن خیوا در چتر حمایت روسها - ۱۸۷۲م (۱۲۵۱ هـ) .
- انضمام قو قند به متصرفات روسیه - ۱۸۷۶م (۱۲۵۵ هـ) .
- اشغال افغانستان توسط قوای برطانوی و در گرفتن جنگ دوم افغان -

- انگلیس - ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ م. (۱۲۵۷ تا ۱۲۵۹ هـ ش) .
- بازگشتِ عبدالرحمانخان از تاشکندتزاریه‌ها برای اشغالِ مقامِ امارت
افغانستان تحتِ حمایتِ انگلستان - ۱۸۸۰ م (۱۲۵۹ هـ ش) .
- تصرفِ نظامیِ ترکمنستان و کشتارِ های دسته‌جمعیِ ترکمنی‌ها توسط
عساکرتزارِ های روس - ۱۸۸۱ م (۱۲۶۰ هـ ش) .
- فتحِ ویکجا ساختنِ مناطقِ یاغیِ شمالِ افغانستان با مرکزکابل
- ۱۸۸۴ م (۱۲۶۲ هـ ش) .
- اشغالِ نظامیِ پنجاه افغانستان توسط روسها و انضمامِ آن به آسیای مرکزی
- ۱۸۸۵ م (۱۲۶۴ هـ ش) .
- شروعِ اسکانِ پشتونهای غلزایی به مناطقِ شمالِ افغانستان - ۱۸۸۸
(۱۲۶۷ هـ ش) .
- تحمیلِ خطِ (نام‌نهاد) دیورندبرِ افغانستان توسط انگلستان و انقسام
پشتونها به دو بخش - ۱۸۹۲ م (۱۲۷۱ هـ ش) .
- انضمامِ واخان به افغانستان - ۱۸۹۵ م (۱۲۷۴ هـ ش) .
- تصرفِ شغنانِ روشن و واخانِ شمالی از افغانستان توسط عساکرِ روسی -
۱۸۹۶ م (۱۲۷۵ هـ ش) .

تنظیم و مسلمان ساختن کافرستان و تبدیل کردن نام آن به نورستان
توسط عبدالرحمان خان — ۱۸۹۶م (۱۲۷۵ هـ) .
خاموش سازی قیام مسلمانان نقشبندیه توسط انگلستان در جنگ امبالا که
به حمایت افغانهای مقیم هندبر علیه انگلیسها صورت گرفته بود — ۱۸۹۷م .
(۱۲۷۶ هـ) .
اشغال مستقیم پامیر شرقی توسط قوای روسی — ۱۸۹۸م (۱۲۷۷ هـ)
امتداد خط آهن روس ها تا سرحد شمالی هرات — ۱۸۹۸م (۱۲۷۷ هـ)
عودت محمودبیگ طرزی از سوریه، عثمانی به افغانستان — ۱۹۰۲ میلادی
مطابق به سال ۱۲۸۱ هـ) .
افتتاح مکتب حبیبیه در کابل — ۱۹۰۴م (۱۲۸۲ هـ) .
تاسیس اکادمی نظامی به مدیریت کرنیل تر کی در کابل — ۱۹۰۴م
(۱۲۸۲ هـ) .
توافق دولتین انگلیس و روس (بدون مشوره و حصول موافقت دولت
افغانستان) در مورد خط فاصل (بفر زون) قرار دادن افغانستان در
میان متصرفات آن دو دولت استعماری — ۱۹۰۷م (۱۲۸۶ هـ) .
سرکوب نمودن ، حبس کردن و کشتار اصلاح طلبان در افغانستان
توسط امیر حبیب اله خان — ۱۹۰۹م (۱۲۸۸ هـ) .

نشر سراج الاخبار افغانستان توسط محمود بیگ طرزی ونفوذ آن در بین
 اصلاح طلبان مناطق آسیای مرکزی — ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۹ م (از سال
 ۱۲۹۰ تا سال ۱۲۹۸ هـ ش) .۱
 شروع جنگِ جها نی اول و بیطرف ماندن افغانستان در جنگِ مذکور —
 ۱۹۱۴ م (۱۲۹۲ هـ ش) .۱
 انقلاب سوسیال دموکراتهای روس در ماه فروری و انقلاب کمونستی در
 ماه اکتوبر سال ۱۹۱۷ م (۱۲۹۶ هـ ش) .۱
 اعلام خود مختاری قوقند — ۱۹۱۷ م (۱۲۹۶ هـ ش) .
 کشته شدن امیر حبیب اله و بقدرت رسیدن امان اله خان پسر ا صلاح
 طلب ا و — ۲۱ فروری ۱۹۱۹ ، اول حوت ۱۲۹۸ هجری شمسی .
 آغاز جنگ سوم افغان — انگلیس ، ۴ می ۱۹۱۹ م ، ۱۲ ثور ۱۲۹۸ هـ ش .
 امضام معاهده، صلح بین افغانستان و حکومت بریتانیا در شهر راولپندی
 ۸ اگست ۱۹۱۹ ، ۱۷ اسد ۱۲۹۸ هـ ش .
 سومین پیروزی افغانان در جنگ با انگلیسها تحت قیادت شاه امان اله
 خان واستر داد استقلال کامل افغانستان — ۱۹ اگست ۱۹۱۹ م مطابق به
 ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هـ ش .
 فعالیت افغانان در آسیای میانه ، خاصاً در علاقه های مرو، کشک ،

پنجده و فرغانه بمنظور ایجادکنفدراسیون اسلامی - ۱۹۱۹م (۱۲۹۸ هـ ش)
اعزام یکدسته از قوای نظامی افغانستان بکمک بخاراجهتِ مقابله نمودن با
قشون سرخ شوروی — ۱۹۱۹م (۱۲۹۸ هـ ش) .
فرار امیر بخارا و هزاران نفر از مردمان آسیای مرکزی از چنگال قشون
سرخ، به خاک افغانستان - ۱۹۲۰ - ۱۹۲۹م (۱۲۹۹ تا ۱۳۰۸ هـ ش) .
امضاء معا هدهء افغان شوروی توسط شاه امان اله خان مشروط بر آنکه
پنجده واپس به افغانستان مسترد گردد، وخیوا و بخارا آ زادساخته شود
(ولی شرطهای مذکور از طرف روسها ایفا نگردید) ۲۸ فروری ۱۹۲۱ م
مطابق به ۱۰ حوت ۱۲۹۸ هـ ش .
امضاء معا هدهء دوستی میان کشور های افغانستان و ایتالیا - ۲ جون
۱۹۲۲ ، ۱۲ جوزای ۱۱۲۹۹

ورود سفیر بر طانیه به کابل — ۱۹۲۱م (۱۳۰۰ هـ ش) .
کودتای رضا خان در تهران — ۱۹۲۱م (۱۳۰۰ هـ ش) .
آ غاز صدور پوستهای قره قل افغانی به لندن - ۱۹۲۲م (۱۳۰۱ هـ ش) .
قانون اساسی افغانستان که بنام نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان
یاد می شد از طرف اعضاء لویه جرگه در جلال آباد به تصویب رسید ،

۱۹ اپریل ۱۹۲۲ ، ۲۰ حمل ۱۲۰۲ هـ ش
فسخ دارالخلافت عثمانی توسط ژیم اتا ترک - ۱۹۲۴م (۱۲۰۲ هـ ش) .
قیام ملا عبداله مشهور به ملای لنگ در خوست بر علیه حکومت اماناله
خان ، ماه می ۱۹۲۴ ، سال ۱۲۰۲ هـ ش .
دستگیر شدن ملای لنگ ورهبران دیگر قیام خوست از طرف دولت امانی
۲۰ جنوری ۱۹۲۵ ، ۱۰ دلو ۱۲۰۲ هـ ش .
اشغال جزیره دلق افغانستان توسط روسها وعقب نشینی آنها بعد از
سرکوبی اعضاء مقاومت ازبکها درآن منطقه - ۱۹۲۵م (۱۲۰۴ هـ ش) .
امضاء معاهده امنیت باهمی افغانستان ، ایران، و ترکیه - ۱۹۲۶میلادی
(۱۲۰۵ هجری شمسی)
به چلند انداختن سعر < افغانی > به عوض رویه در افغانستان
- ۱۹۲۶م (۱۲۰۵ هـ ش) .
تبدیل ساختن لقب < امیر > به < پادشاه > توسط امان اله خان -
۱۹۲۶م (۱۲۰۵ هـ ش) .
سفر اعلیحضرت امان اله خان به ایران ۲۰ جوزای سال ۱۲۰۷ هـ ش .
امضاء قرار داد عدم تجاوز و بیطرفی افغانستان با دولت روس
توسط امان اله خان - ۱۹۲۶م (۱۲۰۵ هـ ش) .

- مسافرت امان اله خان به ماسکو و بدست آوردن وسایل جنگی - ۱۹۲۸م
(۱۲۰۷ هـ ش) .
- تاسیس خط فضایی از مسکو به کابل از طریق تاشکند - ۱۹۲۸م
(۱۲۰۷ هـ ش) .
- تغییر دادن حروف الفباء آسیای میانه به حروف لاتینی که باعث تولید مشکلات مراسلاتی بین مردمان آسیای میانه با افغانستان و ایران گردید -
۱۹۲۸م (۱۲۰۷ هـ ش) .
- بغاوت قبایل برعلیه شاه امان اله خان - ۱۹۲۸م (۱۲۰۷ هـ ش) .
- اشغال ارگ کابل توسط حبیب اله کلکانی < بچه سقاو > - ۱۸
جنوری ۱۹۲۹م ، ۲۶ جدی ۱۲۰۸ هـ ش .
- سر دار محمد نادر و برادرانش از طریق هند بر طائوفی بقصد قدرت
بولایت پکتیا داخل گردید . ۸ مارچ ۱۹۲۰ ، ۱۸ حوت ۱۲۰۸ هـ ش .
- امان اله خان با قوای پانزده هزار نفری قندهار را به قصد کابل ترك
و در غزنی جنگ سختی میان قوای قوای امان اله خان و طرفداران حبیب اله
خان کلکانی رخ داد ، ۸ مارچ تا ۲۶ مارچ ۱۹۲۹ (۶ حمل تا ۲۶ حمل
۱۲۰۸ هـ ش) .

فرار امان‌اله خان از کشور ۲۴ می ۱۹۲۹ ، ۲ جوزای ۱۲۰۸ هـ ش .
 اشغال مرار شریف ، توسط برادران < چرخي > و عساکر روسی
 و بمباردمان نمودن بلخ و تاشقرغان زیر نام اعاده کردن مقام سلطنت به شاه
 امان‌اله خان که موجب قتل چندین هزار هموطنان ما گردید و شاه
 امان‌اله خان چون نمیخواست که بنام و بخاطر او هموطنانش بقتل برسند
 و هم از اراده، ناپاک روسها خوف داشت و وجدانش اجازه نداد که
 بقوت عساکر بیگانه بر اریکه سلطنت بر گردد، لهذا رسماً از پادشاهی
 منصرف گردید و به ایطالیا مهاجرت نمود . و قدرتهای غربی و شرقی
 نیز اخطاریه‌های در زمینه صادر نمودند ، آنوقت عساکر روسی و
 برادران چرخي چاره‌ای نداشتند جز اینکه از مناطق اشغال نمودگی شان
 خارج و به روسیه عودت نمایند - ۱۹۲۹ م (۱۲۰۸ هجری شمسی) .
 عکس العمل نشان دادن بچه، سقاو از طریق تحریک نمودن بسمه چي
 ها در تاجکستان بر علیه عساکر سرخ - ۱۹۲۹ م (۱۲۰۸ هـ ش) .
 آغاز جنگ بمقابل بچه، سقاو به سرکردگی جنرال محمد نادر - ۱۹۲۹
 (۱۲۰۸ هـ ش) .

اشغال سلطنت افغانستان توسط محمد نادر بتاريخ ۱۴ اکتوبر (۲۴
 میزان) فرار حبیب‌اله کلکانی ، حمله بر مناطق شمالی ، قتل

حبیب اله بچه، سقاو که صرف مدت نه < ۹ > ماه پادشاهی نمود -

۱۹۲۹ (۱۳۰۸ هـ ش)

مسدود کردن سرحدات بین روسیه و افغانستان توسط نادر خان بمنظور
محدود ساختن فعالیتهای ضد روسی بسمه چی ها و قطع نمودن کمکهای
ماسکو به جنگ جویان تحت فرمان غلام نبیخان چرخی در مزارشریف -

۱۹۲۹ م (۱۳۰۸ هـ ش)

تعقیب بسمه چی ها ب داخل خاک افغانستان توسط عسا کر روس - ۱۹۲۰

(۱۳۰۹ هـ ش)

افتتاح فاکولته طب در کابل - ۱۹۳۱ م (۱۳۱۰ هـ ش)

نافذ شدن قانون اساسی دوم در افغانستان ، ۳۱ اکتوبر ۱۹۳۱ م)

۲۴ جون ۱۳۱۰ هـ ش)

سردار محمد عزیز خان برادر محمد نادر (پدر سردار محمد داوود
خان) در آلمان قتل گردید ، ۲ جون ۱۹۲۲ ، ۱۶ جوزای ۱۳۱۰ هـ ش .

جنگ عساکر افغان به سرکردگی شاه محمود خان برادر نادرخان با
ابراهیم بیگ (مشهور به لقی) سر دسته بسمه چی ها ، و مغلوب و اسیر
گردیدن ابراهیم بیگ و فرستادن آن مجاهد دلیر به روسیه و اعدام او

در آنجا — ۱۹۲۱ م (۱۳۱۰ هـ ش) .۱

تاسیس اولین بانک افغانی (بانک ملی) به ابتکار یک تاجر افغان که قبلاً در تاشکند و پیترزبرگ به اموریازرگانی مصروفیت داشت (عبدالجیدزایی) .

۱۹۲۲ م (۱۳۱۱ هـ ش) .۱

قتل غلام نبیخان چرخي به امر نادرشاه بدون محاکمه در سال

۱۹۲۲ م (۱۳۱۲ هـ ش) .۱

قتل نادرشاه توسط عبدالخالق متعلم ازمنسوپین غلام نبی خان چرخي —

۸ نومبر ۱۹۲۲ م ، ۱۷ عقرب ۱۳۱۲ هـ ش

جلوس ظاهر شاه بر تخت سلطنت در حالیکه کاکایش زیر نام صدراعظم تمام امور را بدست تصرف خود داشت — ۸ نومبر ۱۹۲۲ م (۱۷ عقرب

۱۳۱۲ هـ ش) .۱

مداخلات ناکام شوروی در هرات بعد از قتل نادرشاه — ۱۹۲۲ م ۱۳۱۲ هـ ش .۱
برسمیت شناختن افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا و تعیین نماینده

غیر مقیم در تهران — ۱۹۳۴ م (۱۳۱۲ هـ ش) .۱

اعزام جاسوسان جوان < کی ، جی ، بی > از مناطق آسیای میانه به افغانستان ، که بعضی از آنها کشف و محبوس گردید و بقیه بفعالیت های جاسوسی خود تا اخیر در افغانستان ادامه دادند — ۱۹۲۷ م ۱۳۱۶ هـ ش .۱

- تاسیس < دپشتو تولنه > بغرض بسط و تعمیم لسان پشتو - ۱۹۲۷م
 ۱۲۱۶ هجری شمسی .
- دستگیری ۵۲ نفر ایرانی، اعضاء حزب کمونستی توده، ایران بجرم
 تبلیغات کمونستی در افغانستان - ۱۹۲۷م ۱۲۱۶ هـ .
- آموزش جبری لسان پشتو بر تمام کارمندان دولت افغانستان - ۱۹۲۸م
 ۱۲۱۷ هـ .
- جانشین ساختن الفباء < سری لیک > در آ سیای میانه بعوض
 الف باء لاتین - ۱۹۴۰م (۱۲۱۹ هـ) .
- اعلام بیطرفی افغانستان در جنگ دوم جهانی - ۱۹۴۰م (۱۲۱۹ هـ) .
- اشغال ایران بیطرف توسط قوای شوروی وانگلیسی - ۱۹۴۱م
 (۱۲۲۰ هـ) .
- تاسیس نمایندگی امریکادر کابل (که در سال ۱۹۴۸ به سفارت ارتقایافت)
 ۱۹۴۲م (۱۲۲۱ هـ) .
- قرار داد بین کمپنی موريسن - کنودسن امریکایی ودولت افغانستان در
 مورد پروژه، عظیم آبیاری وادی هلمند - ۱۹۴۵م (۱۲۲۴ هـ) .

قبولی وسط در یای آ مو بحیث سر حد بین افغانیتان و شوروی —
۱۹۴۶م (۱۲۲۵ هـ ش) .۱
عزل محمد هاشم خان صدراعظم مستبد افغانستان و تقرر سردار شاه
محمود خان بعوض او - ۹ می ۱۹۴۶
خروج بر طانیه از نیم قاره هند و تشکیل دولتهای هند و پاکستان بدون
در نظر گرفتن خواسته های اقوام پشتون - ۱۹۴۷م ۱۲۲۶ هـ ش .
سهیم گردیدن افغانستان در جمله اعضاء موسس اداره ملل متحد
و پرو تست افغانستان بر شمولیت پاکستان در آن موسسه بخاطر
مناقشات بندری افغانستان و پاکستان - ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۷م ، ۱۲۲۶ هـ ش
ایجاد تاخیر و مزاحمت در امور اموال ترانزیتی افغانستان توسط
پاکستان، بخاطر مناقشه برخط (نام نهاد) دیورند و مساله، پشتونستان
- ۱۹۴۷م (۱۲۲۶ هـ ش) .
اشغال کرسی صدارت افغانستان توسط سردار شاه محمود خان کاکای
محمد ظاهر شاه ۹ می ، ۱۹ ثور ۱۲۲۶
تشکیل هسته، حزب اصلاح طلبان < ویش زلیان > در کابل - ۱۹۴۷م
(۱۲۲۶ هـ ش) .
مهاجرت واسکان مهاجرین قر غزی آ سیای میانه از چین به افغانستان

- ۱۹۴۹م (۱۳۲۸ هـ ش) .
- انتخابات آزاد اعضای پارلمان افغانستان - ۱۹۴۹م ، ۱۳۲۸ هـ ش .
- ورود افراد غیر منظم قوای افغانی به پاکستان بخاطر بلند ساختن بیرق پشتوستان - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱م (۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ هـ ش) .
- منوع قرار دادن پاکستان ورود اموال وتیل را به افغانستان - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱م (۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ هـ ش)
- امضاء قرارداد بارتیری افغانستان - شوروی که تدریجاً جا نشین ورود کالا های غربی به افغانستان از طریق پاکستان گردید - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱م ۱۳۳۰ هـ ش .
- مستعفی گردیدن سردار شاه محمود خان و تقرر سردار محمد داوود خان بحیث صدر اعظم ، ۶ سپتمبر ۱۹۵۰ ، ۱۵ سنبله ۱۳۲۹ هـ ش .
- امضاء موافقت نامه، که ورود مجانی اموال ترانزیتی افغانی را از طریق ابحار شوروی اجازه داد - ۱۹۵۰ - ۱۹۵۱م ، ۱۳۳۰ هـ ش .
- مضا عف گردیدن تجارت بین روس و افغانستان ، با آنکه در سختگیریهای مقامات پاکستانی در امور ترانزیتی اموال افغانی تخفیف بعمل آمد - ۱۹۵۲م ، ۱۳۳۱ هـ ش .
- مانعت در انتخابات آزاد اعضای مجلس شورا، قطع آزادی مطبوعات

- دستگیری سران اپوزسیون ها - ۱۹۵۲م ، ۱۳۳۱ هـ ش .
- مرگ ستالین در ماه مارچ ۱۹۵۲م ، ۱۳۳۲ هـ ش .
- تقرر سردار محمد داوود بعوض شاه محمود خان به کرسی صدارت افغانستان - ۱۹۵۲ ، ۱۳۳۲ هـ ش .
- شروع کمکهای نظامی آمریکا به پاکستان در پکت < سینو > تحت حمایت آمریکا - ۱۹۵۴م ، ۱۳۳۲ هـ ش .
- مسدود کردن پاکستان بنادر خود را بمقا بل ورود اموال افغانی بخاطر مناقشات آزادی پشتونستان - ۱۹۵۵م ، ۱۳۳۴ هـ ش .
- امضاء قرارداد جدید با ترکیه بین روسیه و افغانستان - ۱۹۵۵م ، ۱۳۳۴ هـ ش
- تشکیل پکت بغداد توسط ترکیه و عراق و بعداً شمولیت پاکستان، ایران ، و بر طانیه در پکت مذکور - ۱۹۵۵ ، ۱۳۳۴ هـ ش .
- عضو موسس گر دیدن افغانستان در کنفرانس تحریک بیطرفی باندونگ - ۱۸ - ۲۲ اپریل ۱۹۵۵م ، ۲۹ حمل - ۲ ثور ۱۳۳۴ هـ ش .
- باز دید جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر از افغانستان - ۱۹۵۵
- لویه جرگه، پالیسی دولت را در مورد پشتونستان تاءید و حصول کمک نظامی را از منابع خارجی اجازه داد - ۱۹۵۵م ، ۱۳۳۴ هـ ش .
- ورود نکته خروس چف به افغانستان، و دادن یکصد ملیون دالر قر ضه به

- افغانستان وقبول كمكهاى نظامى مخفى شوروى وپشتى بانى شوروى از قضيہ، پشتونستان وتجدید قرارداد دوستى سال ۱۹۲۱ برای ده سال ديگر۔ ۱۶ دسمبر ۱۹۵۵ م ، ۲۵ قوس ۱۲۲۴ هـ ش .
- ورود اسكندر ميرزا رئيس جمهورى پاكستان به كابل ۱۸ اگست ۱۹۵۶ ۲۷ اسد ۱۲۲۵ هـ ش .
- سفر سر دار محمد داوود خان به دعوت ايزنهاور رئيس جمهور امريكا به آنگل، كشور وا نكار ايا لات متحده از دادن وسايل نظا مى به افغانستان ۲۱ جون ۱۹۵۸ ، ۲۱ جوزاى ۱۲۲۷
- عقد قرار داد كابل با بلاك كمونستى برای بدست آ آوردن اسلحه ومشاورين نظامى - ۱۹۵۶ م ، ۱۲۲۵ هـ ش .
- ترتيب ومنظورى اولين پلان پنج ساله، افغانستان - ۱۹۵۶ م ، ۱۲۲۵ هـ ش .
- تايد اعضاء پيمان جنوب شرق آسيا < سیتو > به سر كردگى امريكا از موقف پاكستان در مورد خط ديورند - ۱۹۵۶ م ، ۱۲۲۵ هـ ش .
- تشكيل حزب جمعيت اسلامى در فاكولته، شرعيات كابل به سر كردگى غلام محمد نيازى - ۱۹۵۷ م ، ۱۲۲۶ هـ ش .
- شروع برودكاست را ديو ماسكو به زبان پشتو - ۱۹۵۷ م ، ۱۲۲۶ هـ ش .
- بازديد چوان لای صدر اعظم چين از افغانستان - ۱۹۵۷ ، ۱۲۲۶ هـ ش .

- کو دتا در بغداد و خاتمه یافتن پکت بغداد - ۱۹۵۸ ، ۱۲۲۷ هـ ش .
 کودتای جنرال ایوب در پاکستان و دوام حکومت ا و الی سال ۱۹۶۹ -
 ۱۹۵۸ م ، ۱۲۲۷ هـ ش .
- شروع نهضت روی لچی زنان افغانستان و ظا هر شدن خانمهای کار
 مندان سر شناس دولتی در جشن ، بدون پوشیدن چادری در سال
 ۱۹۵۸ م ، ۱۲۲۷ هـ ش .
- سفر جنرال آیزنهاور به کابل ۸ دسمبر ۱۹۵۸ ، ۱۶ قوس ۱۲۲۷
 جا نشین شدن پیمان < سنتو > بعد از خروج عراق از پیمان < سیتو >
 و شامل گردیدن ایران ، پاکستان و ترکیه زیرحمایت امریکا - ۱۹۵۹ م
 ۱۲۲۸ هـ ش .
- تشکیل جمعیت دوستی < افغان - شوروی > در کابل - ۱۹۵۹ م ،
 ۱۲۲۸ هـ ش .
- وفات شاه امان اله خان در هجرت (در - ۲۶ مارچ ۱۹۶۰ م ، ۶ حمل
 ۱۲۲۹ هـ ش .
- دوری گزیدن افغانستان از پیمان سنتو و پذیرفتن عضویت دائمی کشور
 های عدم انسلاک - ۱۹۶۱ م ، ۱۲۴۰ هـ ش .
- قطع روابط پاکستان با افغانستان و بکار بردن بندشها در امور بازرگانی

- افغانستان - ۱۹۶۱ م ، ۱۲۴۰ هـ ش .
- میانجی گری شاه ایران بین افغانستان و پاکستان در مورد مناقشات سر حدی افغانستان و پاکستان - ۱۹۶۱ م ، ۱۲۴۰ هـ ش .
- درخواست و ناکامی امریکا درباره میانجی گری بین افغانستان و پاکستان - ۱۹۶۱ م ، ۱۲۴۰ هـ ش .
- تقویت مزید تجاری و نظامی افغانستان با روسیه، شوروی - ۱۹۶۱ م ، ۱۲۴۰ هـ ش .
- پیشنهاد ایوب خان رئیس دولت پاکستان برای ایجاد کنفدراسیون پاکستان، ایران، و افغانستان - ۱۹۶۲ م ، ۱۲۴۱ هـ ش .
- منظوری و تاسیس پوهنتون ننگرهار در شهر جلال آباد - ۱۹۶۲ م ، ۱۲۴۲ هـ ش .
- عقد قرارداد تفحصات و استخراج گاز طبیعی شمال افغانستان با روسیه - ۱۹۶۲ م ، ۱۲۴۲ هـ ش .
- برکنار ساختن داوود خان از مقام صدارت توسط ظاهر شاه و تعیین کردن داکتر محمد یوسف بمقام صدارت افغانستان - ۷ مارچ ۱۹۶۲ م ، ۱۹ حوت ۱۲۴۲ هـ ش .
- اولین دیدار اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از ایالات متحده آمریکا -

- ۱۹۶۲م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- عقد قرار داد کلتوری بین افغانستان و شوروی - ۱۹۶۲م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- تجدید مناسبات سیاسی بین افغانستان و پاکستان به میانجی گری شاه ایران - ۱۹۶۲م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- مظا هرات ضد شاه ایران به طرفداری خمینی و هجرت گزینی خمینی تا سال ۱۹۷۹ ، - ۱۹۶۲م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- منظور شدن قانون اساسی جدید افغانستان از طرف لویه جرگه، وجواز یافتن آزادی بیان - ۲۰ سپتمبر ۱۹۶۴م ، ۲۹ سنبله ۱۲۴۲ هـ ش وتوشیح آن توسط شاه بتاريخ ۹ میزان همان سال
- تشکیل پیمان همکاری وارتقاء منطقوی (آر ، سی ، دی) توسط اعضاء پیمان سنتو وانکار افغانستان از شمولیت در پیمان مذکور تا زمانیکه پیمان < سنتو > نافذ باشد - ۱۹۶۴م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- ورود لیو ند بریژینف به کابل جهت افتتاح انستوت پولی تکنیک کابل - ۱۹۶۴م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- افتتاح تونل سا لنگ واتصال مناطق شمال وجنوب افغانستان توسط سرکهای اسفالت شده - ۱۹۶۴م ، ۱۲۴۲ هـ ش
- نشانی و مشخص گردیدن (۹۰) کیلو متر سرحد افغانستان با چین

- در قسمت واخان - ۱۹۶۴م ، ۱۲۴۲ هـ ش .
- تاسیس حزب دیمو کرا تیک خلق افغانستان توسط نور محمد ترکی
- و ببرک کارمل زیر نام حزب خلق - ۱۹۶۵م ، ۱۲۴۴ هـ ش .
- آغاز کار پایپ های آب رسانی شهر کابل بکمک جاپان - ۱۹۶۵م
- ۱۲۴۴ هـ ش .
- منظوری قانون انتخابات پارلمانی که برای زن و مرد بالا تر از سن (۲۰)
- حق رای داده شد - ۱۹۶۵م ، ۱۲۴۴ هـ ش .
- شروع پرواز طیارات آریانا به تاشکند روسیه، شوروی - ۱۹۶۵م
- ۱۲۴۴ هـ ش .
- تمدید قرار داد عدم تعرض و بیطرف ماندن افغانستان ، با شوروی برای
- ده سال دیگر - ۱۹۶۵م ، ۱۲۴۴ هـ ش .
- منظوری قانون جدید مطبوعات با در نظر داشت احترام به مسایل
- دینی و قانون اساسی مملکت - ۱۹۶۵م ، ۱۲۴۴ هـ ش .
- انجام یافتن انتخابات آزاد پارلمانی مطابق به قانون اساسی جدید ()
- بدون احزاب سیاسی زیرقانون احزاب وجود نداشت () - ۲۴ سپتمبر
- ۱۹۶۵م ، ۲ میزان ۱۲۴۴ هـ ش .
- مظاهرات خیابانی به تحریک حزب خلق، کشته شدن دزخمی گردیدن

چند نفر باثر فیرپولیس ۲۵ اکتوبر ۱۹۶۵ ، ۲ عقرب ۱۲۴۴
استعفای داکتر محمد یوسف از کرسی صدارت - ۲۹ اکتوبر ۱۹۶۵ م ،
۷ عقرب ۱۲۴۴ هـ ش .
تشکیل یافتن کابینه جدید توسط محمد ها شم میوند وال - ۲ نومبر
۱۹۶۵ م ، ۱۲ عقرب ۱۲۴۴

۱۲۴۴ هـ ش .

در گرفتن جنگ بین هند و پاکستان بر مسأله کشمیر و وساطت روسیه
در کنفرانس تاشکند برای ختم جنگ و باز گذاشتن افغانستان میادین
طیاره، خود را برای محافظت طیارات ملکی پاکستان و اجازه دادن ورود
وسایل نظامی از ایران و عربستان سعودی به پاکستان از طریق خاک
افغانستان - ۱۹۶۵ م ، ۱۲۴۴ هـ ش .

نشر آ زادانه، مجلات و جریده ها در کابل - ۱۹۶۶ م ، ۱۲۴۵ هـ ش .
بر قراری از تباط مستقیم تیلیفونی بین کابل و هرات - ۱۹۶۷ م
۱۲۴۶ هـ ش .

سفر نیکو لای پود گورنی صدر هیأت رئیسه ، عالی اتحاد شوروی به
افغانستان ، ۲۰ می ۱۹۶۷ ، ۹ جوزای ۱۲۴۶

- منظوری قانون احزاب از طرف پارلمان و امضاء نکردن شاه قانون مذکور را —
 ۱۹۶۷ م ، ۱۲۴۶ هـ ش .
- شروع صدور گاز طبیعی افغانستان به اتحاد شوروی — ۱۹۶۷ م ، ۱۲۴۶ هـ ش
 انشعاب حزب خلق، زیر نامهای خلق ، ویر چم توسط ترکی و کارمل -
 ۱۹۶۷ م ، ۱۲۴۶ هـ ش .
- استعفاء محمد هاشم میوند وال از عهده، صدارت افغانستان ، ۱۱ اکتوبر
 ۱۹۶۷ ، ۱۸ میزان ۱۲۴۶
- جدا شدن ستمی ها از حزب خلق و تشکیل دادن حزب ستم ملی به
 قیا دت طاهر بدخشی — ۱۹۶۸ م ، ۱۲۴۷ هـ ش .
- آغاز نشرات جریده، مارکسستی پر چم و جریده، ماوستی شعله،
 جاوید که هر دو جریده، مذکور در ماه جولای سال ۱۹۹۶ از طرف دولت ممنوع
 قرار داده شد — ۱۹۶۸ م ، ۱۲۴۷ هـ ش .
- مظاهرات خیابانی ، بسته شدن مکاتب و تشکیل کابینه، نور احمد اعتمادی
 ۱۵ نومبر-۱۹۶۹ م ، ۲۲ عقرب ۱۲۴۸ هـ ش .
- انجام انتخابات دوره، دوم پارلمان بر طبق شرایط قانون اساسی ۱۹۶۴ که
 در آن حفیظ اله امین و کارمل بعضویت پارلمان شامل گردیدند —
 ۱۹۶۹ م ، ۱۲۴۸ هـ ش .

مظاهرات دوامدار در پاکستان ایوب خان رئیس جمهور را وادار به استعفا نمود و جنرال یحیی خان جانشین او گردید - ۱۹۶۹ م ، ۱۲۴۸ هـ ش .

تقبیح کردن نفوذ کمونستها در امور دولتی توسط صبغت اله مجددی رهبر اپوزیسیون مذهبی، پا شان ساختن اپوزیسیون مذهبی توسط دولت و فرار صبغت اله به دنمارک - ۱۹۷۰ م ، ۱۲۴۹ هـ ش .

انتخابات آزاد در پاکستان منتج به آن شد که یو تو از حزب مردم در پاکستان غربی و بنگالی ها در پاکستان شرقی تشکیل حکومت بدارند - ۱۹۷۰ م ، ۱۲۴۹ هـ ش .

استعفای حکومت نور احمد اعتمادی و تقرر داکتر عبدالظا هر بمقام صدارت افغانستان - جولای ۱۹۷۱ م ، سرطان ۱۲۵۰ هـ ش .

وقوع خشکسالی بی سابقه در افغانستان و بی کفایتی مقامات دولتی در امور رسانیدن کمک های عاجل به آ سیب دیدگان - ۱۹۷۱ م ، ۱۲۵۰ هـ ش .

کامیابی پاکستان شرقی در جنگ داخلی و جدا شدن آنها از پاکستان زیر نام بنگله دیش به کمک هند - ۱۹۷۱ م ، ۱۲۵۰ هـ ش .

توافق جدید کابل با مسکو در مورد ترز، یو و صدور گاز طبیعی افغانستان -

۱۹۷۲ م ، ۱۲۵۱ هـ ش .

برود کاست کابل رادیو در مورد آزادی پشتو نستان ، اعزام هیأت
وهوشداری دادن امریکا به افغانستان در قطع ساختن کمکهای امریکا به
افغانستان - ۱۹۷۲ م ، ۱۲۵۱ هـ ش .

مستعفی گردیدن داکتر عبدالظاهر از مقام صدارت ۲۴ سپتمبر ۱۹۷۲ ،
۲ میزان ۱۲۵۱

تعیین موسی شفیق مسوده کننده قانون اساسی ۱۹۶۴ به حیث صدر
اعظم وتشکیل یا فتن کابینه، ا و - ۷ دسمبر ۱۹۷۲ م ، ۱۶ قوس
۱۲۵۱ هـ ش .

شروع برود کاست پروگرامهای ازبکی وترکمنی از رادیو افغانستان بعد از
اخطار پارلمان درباره، تزایدنشرات شورویها در شمال افغانستان -
۱۹۷۲ م ، ۱۲۵۱ هـ ش .

توافق در ماه مارچ با ایران در مورد آب هیر مند وتطبیق نگر دیدن آن
به علت کودتای سر دار محمد داوود خان - ۱۹۷۲ م ، ۱۲۵۲ هـ ش .
محمد ظاهر شاه افغانستان عازم کشور های اروپایای گردید ، ۲۵
جون ۱۹۷۲ ، ۴ سرطان ۱۲۵۲

کودتای نظامی به رهبری داوود خان وبه کمک کمونستها)) طرفداران

مسکو) واعلام نظام جمهوری به ریاست سردار محمد داوود در ۱۷ جولای
- ۱۹۷۲م ، ۲۶ سر طان ۱۲۵۲ هـ.ش .

انصراف ظا هر شاه از پادشاهی در خارج از مملکت و حصول وجه تقاعد
از دولتهای افغانستان، ایران ، و عربستانِ سعودی - آگست سال
۱۹۷۲ م ، ۱۲۵۲ هـ.ش .

گرفتار گردیدن میوند وال وعدهء دیگر به جرم کودتای نظامی برعلیه
داوودخان وگمان دست داشتنِ پا کستان در آن ، (که چندی بعد
کشتن ویا خود کشی میوند وال در زندان واقع گردید) ۲۲ سپتمبر
۱۹۷۲م ۲۱ سنبله ۱۲۵۲

۲۱ سنبله ۱۲۵۲ هـ.ش .

ورود وزرای خارجه و دفاع پاکستان بکابل ودعوت صدر اعظم پاکستان از
رئیس جمهور افغانستان برای اشتراك نمودن در کنفرانس ممالک اسلامی
در لاهور - ۲ فروری ۱۹۷۴ ، ۱۴ دلو ۱۲۵۲

انعقاد کنفرانس کشورهای اسلامی در لاهور - ۲۱ فروری ۱۹۷۴م

۲ حوت ۱۲۵۲ هـ.ش .

مسافرت رئیس دولت افغانستان به تهران و امضاء قرار داد تجارتي با
ایران - اپریل ۱۹۷۴ م ، ۱۲۵۲ هـ.ش .

سفر داوود خان به مسکو و توافق حصول ۶۰۰ میلیون دالر قر ضه برای اجرای پلان انکشافی هفت ساله افغانستان ، و قبول نکردن شوروی تقاضای افغانستان را برای بلند بردن قیمت گاز طبیعی افغانستان تا معیار بین المللی - ۲ جون ۱۹۷۴ م ، ۱۴ جوزای ۱۳۵۲ هـ ش .

مسا فرت هنری کیسنجر وزیر خارجه، آمریکا به کابل - نومبر ۱۹۷۴ م ۱۳۵۲ هـ ش .

عقد قرارداد تجارتي افغانستان با هند - ۱۹۷۴ م ، ۱۳۵۲ هـ ش .

متفرق ساختن اسلامتها در پوهنتون کابل توسط داوود خان وفراری گردیدن یکعده آنها به پاکستان - ۱۹۷۴ م ، ۱۳۵۲ هـ ش .

قطع نشرات ازبکی وترکمنی ازطرف رادیو افغانستان - ۱۹۷۴ م ۱۳۵۲ هـ ش .

دولتی گردیدن با نکها و معاملات با نکی - ۱۹۷۵ م ، ۱۳۵۴ هـ ش .

ترتیب دادن ملاقات خصوصی بین داوودخان و بوتو در موقع تشیع جنازه ملک فیصل ، توسط خالد پادشاه عربستان سعودی ، با رتباط حل موضوع پشتو نستان - ۱۹۷۵ م ، ۱۳۵۴ هـ ش .

اغتشاش اسلامت ها در پنجشیر به کمک پاکستان و ناکام گردیدن آنها - ۲۲ جولای ۱۹۷۵ م ، ۱۳۵۴ هـ ش .

امضاء قرارداد و وعده، دادن حدود دو بلیون دالر کمک های
ترانسپورتی بخاطر پروژه، راه آهنوسایر پروژه ها از طرف ایران در جهت
تطبیق پلان ۷ ساله، افغانستان - ۱۹۷۵م ،
۱۲۵۴ هـ ش .

تر میخ کا بینه، افغانستان و اخراج پر چمیان شناخته شده ازکار های
دولتی - ۲۷ سپتمبر ۱۹۷۵م ، ۱۲۵۴ هـ ش .

مسافرت پودگورنی رئیس دولت شوروی به کابل ۹ دسمبر ۱۹۷۵م
۱۲۵۴ هـ ش .

تاکید بر تطبیق تدریس لسان روسی در سراسر آ سیای میانه -
۱۹۷۵ م ، ۱۲۵۴ هـ ش .

بیانیه، داوود خان در هرات مبنی بر تقبیح وعدم قبولی آیدیا لوزیهای
وارد شده از خارج - ۱۹۷۵م ، ۱۲۵۴ هـ ش .

آغاز کار تطبیق پلان هفت ساله افغانستان - ۲۱ مارچ ۱۹۷۶میلادی ،
۱۲۵۵ هـ ش .

مسافرت بو تو رئیس جمهور پا کستان بکابل و دی تانت افغان - پا کستان
- ۷ جون ۱۹۷۶م ، ۱۲۵۵ هـ ش .

- افتتاح شفا خانه، چهار صا بستر اردو در کابل بکمک اتحاد شوروی
 ۱۱ جولای ۱۹۷۶ ، ۲۰ سرطان ۱۲۵۵
- پشت گر دانیدن داوود خان به بریژنیف و رجوع وی به ایران و عرب
 بمنظور حصول کمکهای انکشافی افغانستان - ۱۹۷۶م ، ۱۲۵۵ هـ ش .
- مسا فرت سر دار محمد نعیم نماینده رئیس جمهور افغانستان به امریکا
 ۲۹ جون ۱۹۷۶م ، ۱۲۵۵ هـ ش .
- مسافرت سر دار محمد داوود به پاکستان - ۲۰ اگست ۱۹۷۶م ،
 ۱۲۵۵ هـ ش .
- دایر گردیدن لویه جرگه سال ۱۲۵۶ هجری شمسی - ۲۱ جنوری الی
 ۱۲ فروری ۱۹۷۷م ، ۱۲۵۵ هـ ش .
- منظور گردیدن قانون اساسی جدید توسط لویه جرگه، افغانستان
 فروری ۱۹۷۷م ، ۲۵ دلو ۱۲۵۵
- انتخاب سر دار محمد داوود بحیث رئیس جمهور افغانستان بر ای یک
 دوره هفت ساله - ۱۵ فروری ۱۹۷۷م ، ۱۲۵۵ هـ ش .
- آغاز مجدد پروازهای هوایی بین افغانستان و پاکستان - ۱۹۷۷م ،
 ۱۲۵۶ هـ ش .

- ملاقات سر دار داوود خان با بریژنیف در کرملن ، تقاضای بریژنیف مبنی بر اینکه تا بعین ممالک پیمان ناتو از مناطق شمالی افغانستان باید برون ساخته شوند . و برون شدن داوود خان از مجلس بریژنیف - ۱۲ - ۱۵ ماه اپریل ۱۹۷۷ م ، ۵ ثور ۱۲۵۶ هـ ش .
- مسافرت بوتو رئیس جمهور پاکستان به کابل - ۹ جون ۱۹۷۷ م ، ۱۲۵۶ هـ ش
 کودتای جنرال ضیا ، الحق در پاکستان ، دستگیر شدن ذولفقار علی بوتو و بعدا اعدام او در سال ۱۹۷۸ - ۵ جولای ۱۹۷۷ م ، ۱۲۵۶ هـ ش .
- اتحاد مجدد احزاب خلق و پرچم - جولای ۱۹۷۷ م ، ۱۲۵۶ هـ ش .
- اعلان تشکیل حزب دولتی انقلاب ملی - ۱۶ جولای ۱۹۷۷ م ، ۱۲۵۶ هـ ش .
- مسافرت رسمی جنرال ضیا ، الحق رئیس دولت پاکستان به کابل - ۱۰ اکتوبر ۱۹۷۷ م ، ۱۲۵۶ هـ ش .
- ترور علی احمد خرم وزیر پلان افغانستان - ۱۶ نومبر ۱۹۷۷ م ، ۲۵ قوس ۱۲۵۶ هـ ش .
- مسافرت رسمی سر دار داوود خان در ماه مارچ به پاکستان ، بهبود یافتن هر چه بهتر مناسبات بین مملکتین ، و وانمود شدن تخریب کاریهای شوروی در کابل در جهت سرنگون کردن داوود خان - ۱۹۷۸ م ، ۱۲۵۷ هـ ش .

- مسافرت داوود خان به یوگوسلاویا ، ولیبیا - فروری ۱۹۷۸
- مسافرت سردار محمد داوود به هند بتاريخ ۴ مارچ ۱۹۷۸ ، ومسافرت مجدد او به پاکستان به دعوت جنرال ضیاالحق ۵ مارچو سفر نمودن نامبرده ومذاکره با رهبران عربستان سعودی ، کویت ، ومصر - اپریل ۱۹۷۸ ، حمل ۱۲۵۷ .
- قتل اکبرخیبرپرچمی که گمان میروود ازطرف منسوبین حزب کشته شده باشدواتهام قتل او را بر داوودخا بستند - اپریل ۱۹۷۸م ، ۱۲۵۷ هـ ش .
- دستگیری اعضا ء حزب کمونست در ۲۶ماه اپریل - ۱۹۷۸م ، ۱۲۵۷ هـ ش .
- کودتای خلقی ها ویر چمی ها (زیر نام انقلاب ۷ ثور) ، بقدرت رسیدن امین وتره کی بتاريخ ۲۷ - ۲۸ اپریل ۱۹۷۸م ، ۷ ثور ۱۲۵۷ هـ ش .
- قتل سر دار داوود خان وفامیلش توسط انقلاب بیون کمونست - ۲۸ اپریل ۱۹۷۸م ، ۸ ثور ۱۲۵۷ هـ ش .
- مقرری رهبران حزب پرچم به خارخ از افغانستان - جون ۱۹۷۸م
- نشر فرمان شماره < ۶ > را جمع بع طلب ملاکان بر دهقانان - ۱۲ جولای ۱۹۷۸م ، ۱۲۵۷ هـ ش .

قیام مردم نورستان وکنر وبر خورد شان با نیروی دولتی - ۲۰ جولای
۱۹۷۸ م ، ۱۲۵۷ هـ ش

ورود جنرال گریچکوف رءیس استخبارات کی جی بی شوروی با تعدادی
از مامورین بالند پایهء از اداره ء مذکور بکابل وامضاء نمودن پیمانی
با اداره جاسوسی < اکسا > در جهت آ آموزش دهی کارمندان اکسا و
اعضاء حزب دموکراتیک خلق به فنون ورموز های آدم کشی - اگست
۱۹۷۸ ، اسد ۱۲۵۷

نشر فر مان شماره هفت راجع به حقوق زنان - ۱۷ اکتوبر ۱۹۷۸ م
۱۲۵۷ هـ ش .

جانشین ساختن بیروق سُرخ بجای بیروق سابقه، افغانستان - ۱۹ اکتوبر
۱۹۷۸ م ، ۱۲۵۷ هـ ش .

نشر فر مان شماره هشت راجع به اصلاحات اراضی - ۲۸ نومبر ۱۹۷۸
وارد نمودن اتهام خلقی ها بر پرچمی هامبنی بر طرح ریزی کودتای
دیگر ، دستگیرشدن قادر ، کشتمند و یکعده پر چمی های دیگر ویناه
بردن عده زیاد آنها زیرچتر روسها - اگست ۱۹۷۸ م ، ۱۲۵۷ هـ ش .
امضاء معا هدهء رفاقت وهمکاری بین کابل وماسکو که مستند بر آن

- یک سال بعد اشغال نظامی افغانستان توسط شورویها صورت گرفت —
 دسمبر ۱۹۷۸ م ، ۱۲۵۷ هـ ش .
- آغاز مقاومتها ی ضد کمونستی — جنوری ۱۹۷۹ م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
- فرار شاه، ایران و ورود آیت اله خمینی به تهران — فروری ۱۹۷۹ م
 ۱۲۵۷ هـ ش .
- به گروگان گرفته شدن ادولف دب سفیر امریکا در کابل توسط اعضاء
 ستم ملی و تقاضای آنها رهائی طا هر بدخشی را ازنندان ، کشته شدن
 سفیروگروگان گیران توسط عمال روس ودستگاه امنیتی افغانستان — ۱۴
 فروری ۱۹۷۹ م ، ۲۵ دلو ۱۲۵۷ هـ ش .
- قیام مردم دره، صوف و تشکیل گروه مقاومت هزاره جات بمقا بل
 کونست ها به سر کردگی سیدعلی بهشتی — فروری ۱۹۷۹ م ،
 ۱۲۵۷ هـ ش .
- قیام مردم هرات ، اشغال شهر وفرقه هرات توسط قیام کنندگان،
 کشتار روسها وفامیل آنها ، قتل وقتال وواپس گسرفتن هرات بکمک
 وسایط سنگن نظامی — ۱۵ تا ۲۰ ماه مارچ ۱۹۷۹ م ، ۲۴ حوت
 ۱۲۵۷ هـ ش .
- تقرر حفیظ اله امین به کرسیهای صدارت ودفاع ملی — مارچ ۱۹۷۹ م

ورود الکسی یو بی چف مشاور بزرگ سیاسی روس به افغانستان و تزئید یافتن مشاورین روسی به ۷۵۰۰ نفر واستقرار اولین قطعه، روسی در

میدان هوایی بگرام - اپریل ۱۹۷۹ م ، ۱۲۵۸ هـ ش .

قیام عمومی مردم شهر کابل (مشهور به روز اله واکبر) که تعداد زیادی از شهریان کابل در آنروز توسط کمونستان در چوک کابل (مقابل مسجد پل خشتی) ، در بام ها و در سرکهای مرکز و اطراف شهر بقتل رسیدند . ۲۱ فروری ۱۹۸۰ م ، ۲ حوت ۱۲۵۸ هـ ش . دخول جواسیس نظامی شوروی در قطار بادیگارد های امین که بعداً قتل امین توسط آنها صورت گرفت - ماه می ۱۹۷۹ م ، ۱۲۵۸ هـ ش . قیام مردم شهر کهنه، کابل (مشهور به قیام چنداول) - ۲۲ جون ۱۹۷۹ م ، ۱۲۵۸ هـ ش .

شورش و حمله، قطعه، عسکری بالاحصار کابل و بمباردمان نمودن طیارات و سر کوبی قطعه، مذکور - ۵ اگست ۱۹۷۹ م ، ۱۴ اسد سال ۱۲۵۸ هـ ش .

مسافرت تره کی به هاوانا - اول سپتمبر ۱۹۷۹ م ، ۱۰ سنبله ۱۲۵۸ هـ ش . بازگشت تره کی به کابل - ۱۱ سپتمبر ۱۹۷۹ م ، ۱۲۵۸ هـ ش . شروع سر کوبی سران مذهبی و کشتن حضرت شور بازار با ۹۶ نفر

اعضاء فامیل وی در تابستان سال ۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
احضار کردن حفیظ اله امین توسط تره کی وفیر نمودن بالای امین در
محضر سفیر روس که در اثر آن امین زخمی گردید و محافظینش چون
داوود ترون ، نواب معاون اکسا وخیر محمدیاور امین کشته شدند وامین
جان به سلامت برد . ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۹ ، ۲۲ سنبله ۱۲۵۸
گرفتار گردیدن ترکی توسط افسران طرفدار امین شام ۱۴ سپتمبر
۱۹۷۹ ۲۲ سنبله ۱۲۵۸

اعلان استعفای ترکی ومقرری امین منشی عمومی کمیته مرکزی بحیث
رئیس شورای انقلابی وصدراعظم ، ۱۶ سپتمبر ۱۹۷۹ ، ۲۵ سنبله ۱۲۵۸
کشته شدن ترکی، واشغال حفیظ لله امین مقام ریاست جمهوری را ،
ویناه بردن سران خلقیهای به سفارت روس - ۱۴ - ۱۶ سپتمبر ۱۹۷۹م ،
۲۵ سنبله ۱۲۵۸

اعلان مردن ترکی - ۱۰ اکتوبر ۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
هجوم مجاهدین تره خیل کابل بر میدان هوایی - ۲۲ اکتوبر
۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
خوف ماسکو از اقتدار امین، وتصمیم بقدرت نشاندن کار مل وپر چمی
ها به قوت عسا کر سرخ شوروی - سپتمبر ۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .

- جابجا شدن قطعات نظامی شوروی در بگرام و سالنگ در نیمه اول ماه
دسمبر ۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
- سرازیر شدن قوای هوایی و زمینی شوروی به افغانستان ، متفرق سا
ختن قوای زمینی افغانستان - ۲۵ دسمبر ۱۹۷۹م ، ۶ جدی ۱۲۵۸ هـ ش
• حمله قوای شوروی بر تپه تاج بیگ ، دستگاه رادیو تلویزیون بویک
عده ادارات دولتی و کشتن امین (زهر دادن او توسط آشپز روسی قبل
از حمله) و قتل يك عده دیگر توسط قوای مذکور و انتصاب کارمل
بعوض امین ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹م ، ۶ جدی ۱۲۵۸ هـ ش .
- شمولیت یا کستان در تحریک بیطرفی - دسمبر ۱۹۷۹م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
تزئید در مهاجرت مردم افغانستان به صوب یا کستان و ایران -
۱۹۸۰م ، ۱۲۵۹ هـ ش .
- کنفرانس ممالک اسلامی < او ، آی ، سی > در اسلام آباد فیصله نمود
که عضویت افغانستان در کنفرانس مذکور تعلیق گردد - ۲۷ جنوری
۱۹۸۰م ، ۶ دلو ۱۲۵۸ هـ ش .
- تقیح اشغال نظامی روس در جلسه اضطراری موسسه ملل متحد - جنوری
۱۹۸۰م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
- (فهرست اجلاس ملل متحد و دیگر مجالسی که بر قضیه افغانستان

غور و فیصله های صادر کردند در آخر این بخش دیده شود ۱.
اعلام کار تر رئیس جمهور آمریکا در مورد مذاخه دفاعی امریکا از
منطق خلیج فارس - جنوری ۱۹۸۰م ، ۱۲۵۸ هـ ش .
قپلی پیشنهاد انگلیس از طرف مجلس وزرای خارجه، ممالک غربی مبنی
بر برقرار ساختن بی طرفی در افغانستان مشروط بر آنکه شوروی قوای
خود را از افغانستان خارج کند، ومخالفت ماسکو با طرح مذکور - فر
وری ۱۹۸۰م ، ۱۲۵۸ هـ ش .

کوشش عراق در اشغال منابع تیل ایران ودر بر اندازی خمینی ها
وشروع جنگ بین عراق وایران - ۷ دسمبر ۱۹۸۰م ، ۱۲۵۹ هـ ش .
فیصله، اسامبله، عمومی ملل متحد در مورد خارج ساختن قوای
شوروی از افغانستان که همه ساله تا سال ۱۹۸۷ فیصله، مذکور تکرار
میگردید وفشار زیادی بر شوروی وارد ساخت - نومبر ۱۹۸۰م ،
۱۲۵۹ هـ ش .

تشکیل جبهه، پدر وطن بغرض حصول پشتی با نی مردمان غیر حزبی
افغانستان - دسمبر سال ۱۹۸۰م ، ۱۲۵۹ هـ ش .
تصویب وتقا ضای سران ممالک بیطرف برای خروج قوای خارجی از
افغانستان وادامه، تقاضای مذکور تا زمان خروج قوای مذکور - ۱۹۸۱م

۱۲۶۰ هـ .

رهایی امریکایی‌ها ایکه در سال ۱۹۷۸ از سفارت امریکا در ایران به

گروگان گرفته شده بودند - جنوری ۱۹۸۱

وعده کردن گرومیکو وزیر خارجه شوروی به پاکستان که شوروی خط

نام نهاد دیورند را در مقابل مصمُونیت رژیم دمو کرتیک خلق افغانستان (

رژیم کارمل) به رسمیت خواهد شناخت - سپتمبر ۱۹۸۱ م ، ۱۲۶۰ هـ .

قرار داد شش ساله امریکا با پاکستان در مورد کمک های اقتصادی

ونظا می معادل سه اعشاریه دو بلیون دالر بشمول چهل طیاره جنگی

< اف ۱۶ - ۱۹۸۱ م ، ۱۲۶۰ هـ .

اسکان ساختن ترکیه یک عده افغانان مهاجرترکی نژاد وقرغزی را

در خاک خود - ۱۹۸۲ م ، ۱۲۶۱ هـ .

نشر مجله اقوام برادر به هشت لسان در کابل جهت بیدار سازی

مردمان سرحد افغانستان - جنوری ۱۹۸۲ م ، ۱۲۶۰ هـ .

افتتاح پل عبوری در حیرتان بین افغانستان و ترمز ازبکستان بالای در

یای آمو در ماه جون سال ۱۹۸۲ م ، ۱۲۶۱ هـ .

تقسیم افغانستان به هفت منطقه نظامی به سرکردگی جنرالهای روسی

-۱۹۸۲م ، ۱۲۶۱ هـ ش .

مردن بریژنف ، روی کار شدن یوری اندروپف که در حل سیاسی
قضیه، افغانستان تاکید ورزید - نومبر ۱۹۸۲م ، ۱۲۶۱ هـ ش .

افتتاح قوسلگری افغانستان در تاشکند ودوشنبه - دسمبر ۱۹۸۲
افتتاح کلینیک های صحتی سویدن بداخل خاک افغانستان با استفاده از
پر سونل صحتی افغانی با وجود هوشداری دادن مسکو - دسمبر ۱۹۸۲
دستگیری اعضا، حزب توده توسط حکومت ایران - جنوری ۱۹۸۲م ،
۱۲۶۱ هـ ش .

قبول کردن احمد شاه مسعودپیشنهاد روسها را در مورد آتش بس يك
ساله - جنوری سال ۱۹۸۲م ، ۱۲۶۱ هـ ش .

قبول نمودن اندروپف دور دوم مذاکرات جنیو را در مورد بحث در
جهت پیدا کردن راه حل قضیه ، افغانستان - فروری ۱۹۸۲م ،
۱۲۶۱ هـ ش .

ملاقات پاپ جان پال دوم با سه نفر ازاعضا، مقامت افغانستان -
ماچ ۱۹۸۲

ورود نماینده، ظاهر شاه به پاکستان و اظهار سهم گیری وی در استقرار
نظم در افغانستان - اکتوبر ۱۹۸۲م ، ۱۲۶۲ هـ ش .

اعزام مبلغین اسلامی از طرفِ مجا هدین افغان به آسیای میانه بر طبق نظر ولیم کی سی آمر دفتر استخباراتی سی آی ای امریکایستی بانی دولت پاکستان - در اخیر سال ۱۹۸۲م ، ۱۲۶۲ هـ ش .
تصویبِ جلب و سوقِ مردانِ بالاتر از سن ۱۸ به خدمت نظامی افغانستان - جنوری ۱۹۸۴م ، ۱۲۶۲ هـ ش .

مرگِ اندروپف و جانشین گردیدن چرنین کو به عوض وی و بمباردمان نمودن پنجشیر - فروری ۱۹۸۴م ، ۱۲۶۲ هـ ش .
تمدید میعاد خدمتِ عسکری از دو سال به سه سال توسط حکومت کمو نستی کابل - فروری ۱۹۸۴م ، ۱۲۶۲ هـ ش .
افشاء گر دیدن کشتار افغانان با اسلحه، غیر مجاز کیمیاوی - مارچ ۱۹۸۴م

بمباردمان شدید روسها بر هرات و قندهار و قتل و قتل اهالی بمنظور تخلیه، قراء و قصبات از پناه گاه های اعضا، مقامت افغانستان - جون ۱۹۸۴م ، ۱۲۶۲ هـ ش .

فیصله، کانگرس امریکا برای از سال کمک نظامی به مجا هدین افغان اکتوبر ۱۹۸۴م

کشته شدن خانم اندیرای گاندی نخست وزیر هند ، یا بفرموده فاضل

محترم داکتر شیر احمد نصری حق شناس ، (قتل محتالہ خوش خط
 وخال ہندی کہ ہموارہ در دہلی ومسکو آشنای دیرینش بریژنیف را در
 آغوش می کشید ودستان پلیدش با خون بیگناہان مسلمان آسام
 ومسلمانان دہلی وبمبئی وسکھای پنجاب رنگین بود ودر برابر جہاد ومردم
 افغانستان از هیچ نوع اعمال خصمانہ دریغ نورزیدہ بود) ، توسط
 محافظین سیک خود مذکور۔ در ۲۱ اکتوبر ۱۹۸۴ ، نهم عقرب ۱۳۶۲
 مرگ چرنین کورئیس دولت شوروی – فروری ۱۹۸۵
 تقرر میخاءیل گربہ چف بہ ریاست دولت شوروی وسکر تر جنرالی
 حزب کمونسٹ آن مملکت – مارچ ۱۹۸۵
 تشکیل ادارہ، واحد احزاب ہفتگانہ، اسلامی افغانستان در پشاور
 متشکل از:
 حزب جمیعت اسلامی افغانستان تحت رہبری برہانالدین ربانی۔
 حرکت انقلاب اسلامی تحت رہبری مولوی محمد نبی محمدی ۔
 حزب اسلامی تحت رہبری گلبدین حکمتیار۔
 حزب اسلامی تحت رہبری مولوی محمد یونس خالص۔
 جہہہ ، نجات ملی ملی تحت رہبری صبغت الہ مجددی ۔
 محذ ملی بہ رہبری سید احمد کیلانی

اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان به رهبری استاد سیاف.

می ۱۹۸۵ م ، ۱۲۶۴ هـ ش .

ار سال راکتهای هوا به هوا و راکتهای ستنگر امریکا به پاکستان

جولای ۱۹۸۵ م

انکار کردن گلبدین از ملاقات با رونالد ریگن رئیس جمهور

امریکا زمانیکه او به نمایندگی اجزای هفتگانه در جلسه، ملل متحد اشتراک

نموده بود و اظهار داشت که وی صلاحیت این ملاقات را از مرکز

اتحاد اسلامی نگرفته است - اکتوبر ۱۹۸۵

ملاقات رونالد ریگن با گربه چف در ژنیو - نومبر ۱۹۸۵

اعلام موافقه، امریکا در مورد توافقات ژنیو مشروط بر اینکه موعد

خروج عساکر شوروی طرف تایید واقع گردد - دسمبر ۱۹۸۵

توجیه گربه چف قضیه، افغانستان را به يك زخم خونین - فروری ۱۹۸۶

توافق امریکا برای دادن راکتهای ستنگر به مجاهدین افغان - اپریل

۱۹۸۶ م ، ۱۲۶۵ هـ ش .

تزئین کمکهای امریکا به مجاهدین افغانی به ۴۷۰ میلیون دالر- اپریل

۱۹۸۶ م

جانشین ساختن نجیب اله رئیس دستگاه جاسوسی خاد به عوض ببرک

کارمل به ریاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان — ماه می ۱۹۸۶م ،
۱۲۶۵ هـ ش .

اعلام نمودن گر با چف در ولادی و استک در مورد خروج شش غنداز
عساکر شوروی از افغانستان الی آخر سال وخواستن از قوای مجاهدین که
در حکومت کابل سهیم گردند — جولای ۱۹۸۶

ایجاد طرح مصالحه، ملی در کابل و موفق نگردیدن آن — سپتمبر ۱۹۸۶
سر نگون کردن سه پر وند طیاره، مگ ۲۴ روسها توسط راکت‌های ستنگر
در جلال آباد — سپتمبر ۱۹۸۶

عزل بېرک کارمل از مقام ریاست جمهوری و تقرر حاجی محمد چمکنی
بعوض اودر ماه نومبر ۱۹۸۶م ، ۱۲۶۵ هـ ش .

تز اید کمک‌های امریکا به مجاهدین افغان به اندازه، ۶۲۰ میلیون دالر -
۱۹۸۷م

در خواست خان عبدالولی پسر خان عبدالغفار رهبر حزب عوامی از دولت
پاکستان که از کمک نمودن با مجاهدین افغان منصرف گردد و پیشنهاد
دولت کابل را بپذیرد — جنوری ۱۹۸۷

ایجاد مظا هرات توسط مجاهدین افغان در خاک شوروی (تاجکستان)
به تحریک (سی آی ای) امریکا و (ای اس ای) پاکستان — اپریل

۱۹۸۷ م ، ۱۲۶۶ هـ ش .

سه حملهٔ مجاهدین افغان به داخل خاک شوروی و اخطار دادن شوروی دولت پاکستان را که اگر حملات مذکور تکرار گردد، عملیات روسها در پاکستان صورت خواهد گرفت - اپریل ۱۹۸۷ م ، ۱۲۶۶ هـ ش .

سر نگون سا ختن پنجایوسه پر وند طیاره روسها و دولت کابل توسط مجاهدین افغان در ماه می و سر نگونی شصت طیاره، دیگر در ماه جون - سال ۱۹۸۷ م ، ۱۲۶۶ هـ ش .

جلسه، ۱۲۰۰ نفر از مجاهدین افغان به ابتکار جنرال اسماعیل خان در ولایت غور در مورد ایجاد شورای دایمی مقاومت مجاهدین - جولای ۱۹۸۷ م ، ۱۲۶۶ هـ ش .

اولین دیدار داکتر از ماکورا > را پورترملل متحد در مورد حقوق بشر < از افغانستان، که از موجود بودن پنج و نیم میلیون افغان در مهاجرت راپور داد - ماه آگست ۱۹۸۷

کشته شدن سید بهاوالدین مجروح رئیس مرکز اطلاعات مهاجرین افغان در پشاور - فروری ۱۹۸۸ م ، ۱۲۶۶ هـ ش .

اعلام گر به چف مبنی بر اینکه اگر قرار داد ژنیوا تا ۱۵ ماه مارچ همین سال امضاء گردد، عساکر شوروی در ظرف ده ماه از افغانستان خارج

کرده میشود - فروری ۱۹۸۸

تقلیل کمکهای امریکا به مجاهدین در زمانیکه مصارف شورویها در افغانستان ماهوار به سه صد میلیون دالر بالغ میگردد و قیمت لوازمیکه در وقت خروج از افغانستان بجا گذاشتند بالغ بر یک و نیم بلیون دالر می گردید - ۱۹۸۸

تشکیل حکومت جلاّ وطن به ریا ست احمد شاه و معا ونیت داکتر ذبیح اله مجددی در پشاور - مارچ ۱۹۸۸

امضاء موافقه ژنیو در مورد خروج قوای شوروی از افغانستان در ظرف ۹ ماه از تاریخ ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ م ، ۱۲۶۷ هـ ش .

تا اید امریکا ویا کستان در مورد توزیع اسلحه به مجاهدین افغان تا زمانیکه تهیه سلاح از طرف روسها به دولت کابل ادامه داشته باشد - اپریل ۱۹۸۸ م

تقبیح دفتر مرکزی احزاب اسلامی افغانستان، توافقات ژنیو را به دلیل اینکه در جلسه مذکور به آنها حق اشتراک داده نشده بود وحق خود مختاری افغانستان در فیصله مذکور مد نظر گرفته نشده است - اپریل ۱۹۸۸ م ، ۱۲۶۷ هـ ش .

تشکیل ولایت < سر پل > مرکب از اقوام هزاره های مناطق شمالی

افغانستان توسط حکومت کابل - ۱ اپریل ۱۹۸۸م

حریق مد هش گدام اسلحه، < آی ، اس ، آی > پا کستان در کمپ
اجری واقع در لاهورپندی که در آن مقدار ده هزار تن اسلحه و ذخایر
مهمات جنگی از بین رفت و موجب کشته شدن یکصد نفر وزخمی
گردیدن یکهزار نفر گردید - دهم اپریل سال ۱۹۸۸م

ماسکو تعداد کشته شدگان خود را در جنگ افغانستان ۱۲۲۱۰ نفر
و تعداد زخمیهای خود را ۲۵۴۷۸ نفر و تعداد مفقود شدگان خود را ۲۱۱
نفر اعلان کرد - ۱- ماه می ۱۹۸۸م

تشکیل یافتن حکومت عبوری < ای ، آی ، جی > افغانستان در
پشاورجون سال ۱۹۸۸م ، ۱۲۶۷ هـ .

تعیین محمد حسن شرق به مقام صدارت افغانستان از طرف داکتر نجیب
- جولای ۱۹۸۸م ، ۱۲۶۷ هـ .

منفلق گردیدن مر موز طیاره وکشته شدن جنرال ضیاالحق رئیس دولت
پا کستان همراه با سفیر و رئیس امدادنظامی امریکا درپا کستان
ورءیس سابقه، دفتر جاسوسی < آی ، اس ، آی > پا کستان ، که
مسؤولیت انفلاق دادن طیاره را به عمال < خاد > دفتر جاسوسی کابل
نسبت دادند - اگست ۱۹۸۸م ، ۱۲۶۷ هـ .

ارسال راکت‌های سکا‌د روسی به افغانستان که در سال اول زیاده از
یکهزار را کت مذکور از طرف کابل فیر گردید و بعداً تا سال ۱۹۹۱ ادامه
داشت - نومبر ۱۹۸۸ م ، ۱۲۶۷ هـ ش .

تبدیل نمودن سید محمد گلاب زوی از وزارت داخله به سفارت مسکو
توسط داکتر نجیب اله - نومبر ۱۹۸۸

ملاقات معین وزارت خارجه، شوروی با ظا هر شاه در روم - دسمبر
۱۹۸۸ م

تکمیل گردیدن خروج قوای شوروی از افغانستان و ادامه بمباردمان
روسی ها افغانستان را از خاک‌های همجوار - فروری ۱۹۸۹ ، ۱۲۶۷ هـ ش .
مسدود شدن سفارت خانه های ممالک غربی در کابل از خوف بی امنیتی
- ۱۹۸۹ م

حمله مجاهدین بر جلال آباد و تلفات سنگین دو جانبه و نتیجه نگرفتن
از حمله مذکور توسط مهاجمین - مارچ ۱۹۸۹

موافقت اشتراک احزاب هشتگانه، اهل تشیع افغانستان مقیم در ایران در
حکومت عبوری - ماه می ۱۹۸۹ م ، ۱۲۶۸ هـ ش .

وفات آیت اله خمینی در ایران - ماه می ۱۹۸۹ م ، ۱۲۶۸ هـ ش .
قتل قوماندانهای حزب جمعیت توسط قوای گلبدالدین به سر کردگی

سید جمال وبعداً گرفتار گردیدن سید جمال واعدام او توسط احمد شاه مسعود درماه جون ۱۹۸۹م ، ۱۲۶۸ هـ ش .

فتح تالقان مرکز ولایت تخار توسط مجاهدین بعد از خروج قوای شوروی اگست ۱۹۸۹م ، ۱۲۶۸ هـ ش .

تأید فیصله جینوا از طرف مجمع ملل وتقاضای تشکیل حکومتی با قاعده، وسیع در افغانستان — سپتمبر ۱۹۸۹

قبول نکردن حکومت عبوری فیصله مجلس ملل را با ادعای اینکه حزب خلق حق اشتراك را در دولت آینده افغانستان ندارند — نومبر ۱۹۸۹م ، ۱۲۶۸ هـ ش .

اعلام مما لك آ سیای میانه (غیر از قزاقستان) که زیانهای مما لك خود را لسان رسمی ممالك خود قرار دادند - نومبر ۱۹۸۹

تغییرنام حزب خلق به حزب وطن توسط داکترنجیب اله — دسمبر ۱۹۸۹

دستگیری ۱۲۰ نفر از اعضاء حزب وطن در کابل بجرم اینکه با اشتراك گلبدین حکمتیار ، پلان کودتای را طرح ریزی کرده بودند . دسمبر ۱۹۸۹م ، ۱۲۶۸ هـ ش .

نا کامی کودتای شهنواز تنی وزیر دفاع بر علیه داکتر نجیب اله وفرار او به پاکستان تحت حمایه گلبدین ، ومخالفت حکومت عبوری ودیگر

مجاهدین با کودتا و کودتا کننده — مارچ ۱۹۹۰

اخراج ۲۴ نفر از حزب وطن، بشمول يك عده از موسسین حزب خلق
 بخاطر دست داشتن در کودتای شهنواز تنی — مارچ ۱۹۹۰

تعیین فضل الحق خالقیار (تیموری ایماق) توسط داکتر نجیب اله
 بحیثِ صدر اعظم — ماه می ۱۹۹۰ م ، ۱۲۶۹ هـ ش .

تقبیح تقرر صدرالدین آقا خان از طرف دولتِ عبوری ، که به نمایندگی
 ملل متحد برای اعمار مجدد افغانستان موظف گردیده بود، به دلیل
 رفتار خصمانه، او را جهاد و مردم مسلمان افغانستان — ماه می ۱۹۹۰

تشکیل حزب وحدت در تهران توسط مجاهدین شعیه متمرکز در ایران
 — جون ۱۹۹۰ م ، ۱۱۲۶۹ هـ ش .

جلسه، سه صد نفر از قوماندانهای جهادی افغان در پکتیا بغرض حل
 مسائیل ذات البینی مجاهدین — جون ۱۹۹۰

ورود احمد شاه مسعود برای اولین بار بعد از شروع جنگ و جهاد ، به
 پاکستان جهت ملاقات با جنرال اسحاق خان و حکمتیار — اکتوبر
 ۱۹۹۰

اعزام سه صد نفر مجاهد به عربستان سعودی توسط صبغت اله مجددی
 جهت اشتراك در جنگ بر علیه عراق — فروری ۱۹۹۱ م ، ۱۲۶۹ هـ ش .

اشغال شهر خوست توسط قوای جلال الدین حقانی و به اسارت گرفتن
۲۲۰۰ نفر در خوست ، و اعلام روز ماتم ملی از طرف دولت کابل - مارچ

۱۹۹۱م

موافقت ماسکو در تمدید لین برق ترکستان به ولایت هرات - ماه می

۱۹۹۱م

بازگشت < کار مل > از روسیه به کابل - جون ۱۹۹۱
فتح واخان توسط مجاهدین و سهولت یافتن تهیه، مهمات از پاکستان به
ولایت بدخشان - جولای ۱۹۹۱

کو دتادرمسکو توسط کمونستهای تند رو بر علیه گربه چف ، و مقابله
نمودن قوای طرفدار گربه چف با آنها - اگست ۱۹۹۱

توافق امریکا با روسیه در مورد قطع ارسال سلاح در آخر سال ، به
طرفین جنگ افغانستان - اگست ۱۹۹۱

قبولی مجدد تابعیت افغانی ظاهر شاه و ۲۲ نفر اعضاء خانواده، او
توسط داکتر نجیب اله - سپتمبر ۱۹۹۱م ، ۱۲۷۰ هـ.ش.

قطع ارسال سلاح تاجکستان و ازبکستان به افغانستان و تقاضای قرار
داد جدید در مورد آن - اکتوبر ۱۹۹۱

زخمی شدن ظاهر شاه با چاقو و گریز او از حمله، یک تبعه، پورتگالی

در روم که بنام ژور نالست وارد شده بود - نومبر ۱۹۹۱م ، ۱۲۷۰ هـ ش
اعزام نمایندگان مجاهدین به سرکردگی برهان الدین ربانی به مسکو
و تشکیل مجلسی بشمول نمایندگان اوکراین، ازبکستان، تاجکستان ،
وقزاقستان، به تقاضای افغانستان و موافقت بر اینکه قدرت در افغانستان به
دولت عبوری اسلامی تفویض گردد و در ظرف مدت دو سال انتخابات آ
زاد تحت نظارت یک هیأت بین المللی صورت بگیرد - نومبر ۱۹۹۱
تقبیح نمودن سیاف ، یونس خالص و حکمتیار توافقات مسکورا مبنی
بر اینکه ربانی با مسکو به ضرر مجاهدین توافقات را امضاء نموده است
- نومبر ۱۹۹۱

برسمیت شناختن حکومت دیموکراتیک افغانستان استقلال ازبکستان،
تاجکستان، قرغزستان ، آذربایجان ، وفدریشن روس را - دسمبر
۱۹۹۱م ، ۱۲۷۰ هـ ش .

خاتمه یافتن رسمی اتحاد شوروی (۸ دسمبر) و تشکیل ایالات
مشترک المنافع آذربایجان، اوکراین ، وبلاروس که بعداً شامل الماتا
و پنج جمهوری آسیای میانه گردید - دسمبر ۱۹۹۱م ، ۱۲۷۰ هـ ش .
همدست شدن جنرال مومون با جنرال دوستم ازبک و جنرال سید جعفر
نادری اسماعیلی بمقابل دولت دیموکراتیک افغانستان و مسدود ساختن

راه ترانزیتی حیرتان و مزار شریف را به جانب کابل - جنوری ۱۹۹۲
افتتاح مجدد سفارت فرانسه در کابل که سه سال قبل مسدود گردیده

بود - جنوری ۱۹۹۲

تقاضای دکتور نجیب اله کمک ایالات متحده رادر امر جلو گیری از نفوذ
مذهبیون افراطی در آسیای میانه - مارچ ۱۹۹۲

افتادن شهراه سا لنگ بدست مجاهدین - ۱۲ اپریل ۱۹۹۲

افتادن شهر چاریکار و میدان هوایی بگرام بدست احمد شاه مسعود

وملیشه های قبلی دولت کابل - ۱۴ اپریل ۱۹۹۲ م ، ۲۴ حمل ۱۲۷۱ هـ ش .

بغاوت جنرال دوستم از يك بر ضد کابل و هدایت دکتور نجیب اله به

عسا کر پشتون برای سر کوبی او - ۱۸ اپریل ۱۹۹۲ م ۱۲۷۱ هـ ش .

سقوط هرات ، میدان هوایی شین دند ، و ولایت قندز بدست مجاهدین

- ۱۸ اپریل ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .

تسخیر قسمتی از شهر مزار شریف و میدان طیاره و دفتر مرکز خاد توسط

مجاهدین و اشغال قسمت دیگر آن توسط قوای دوستم - ۱۸ اپریل ۱۹۹۲

اعلامیه تلویزیونی داکتر نجیب اله در مورد مستعفی گردیدن او بعد

از تشکیل حکومت عبوری - ۱۹ اپریل ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .

فتح با دغیس توسط قوای مقاومت افغانستان - ۱۹ اپریل ۱۹۹۲

اتحاد مجاهدین احمد شاه مسعود با قوای ملیشه؛ دوستم در مزار

شریف ۱۹ اپریل ۱۹۹۲م

کو شش نجیب اله برای رفتن به هند نزد فامیلش بعد از استعفی دادن،

ومتوقف ساختن اودرمیدان طیاره ، وپناهگزين گردیدنش به نما یندگی

ملل متحد درکابل - ۱۶ اپریل ۱۹۹۲م ، ۲۶ حمل ۱۲۷۱ هـ ش .

ملاقات عبدالذکیل وزیر خارجه؛ دکتر نجیب در شهر چاریکار با احمد

شاه مسعود در مورد تسلیم دهی حکومت ، ۱۷ اپریل ۱۹۹۲ ، ۲۷

حمل ۱۲۷۱ هـ ش .

منحل گردیدن رسمی حکومت عبوری پشا ورتوسط جلسه، سران

احزاب - ۲۰ اپریل ۱۹۹۲

تصویب سران مجاهدین در پشاور با حضور داشت نواز شریف صدراعظم

پاکستان در مورد اینکه صبغت اله مجددی برای دو ماه ریاست

جمهوری را در کابل به عهده بگیرد و سپس برهان الدین ربانی آنرا

تاشش ماه دیگر عهده دار گردد و گلبدین حکمتیار بیحیث صد اعظم ایفای

وظیفه بدارد - ۲۰ اپریل ۱۹۹۲

انتحار نمودن غلام فاروق یعقوبی رئیس خاد دولت کمونستی

افغانستان - ۲۰ اپریل ۱۹۹۲

فتح گر دیز توسط مجاهدین — ۲۲ اپریل ۱۹۹۲
انکار مجاهدین از موافقت‌های حاصل نمودگی ملل متحد و پیشروی آنها
جانب کابل — ۲۲ اپریل ۱۹۹۲
دخول مجاهدین به کابل بروز سالگرد کودتای کمونست‌ها — ۲۷
اپریل ۱۹۹۲
رسیدن مجددی به کابل و اعلان عفو عمومی و منصرف گر دیدن عساکر
دولتی از مفاومت — ۲۷ اپریل ۱۹۹۲، که به روز ۸ ثور ۱۲۷۱ هـ ش نامبرده
قدرت را برای مدت دو ماه بدست گرفت .
راز محمد پکتین (خلقی) وزیر داخله؛ داکتر نجیب‌اله که وزارت داخله
را اشغال و سنگر گرفته بود و به طرفداری گلبدین حکمتیار می
جنگید، در محاصره، قوای احمد شاه مسعود قرار گرفت . ۲۸ اپریل
۱۹۹۲ م ، ۷ ثور ۱۲۷۱ هـ ش .
با ورزیدن گلبدین از اشغال کرسی صدارت و فقر نمودن عبدالصبور
فرید قو ماندان حزب خود رابه چوکی مذکور — ۲۹ اپریل ۱۹۹۲
که نامبرده بتاریخ ۵ جولای ۱۹۹۲ مطابق ۱۵ سرطان ۱۲۷۱ هـ ش در کابل
شروع به کار نمود .
شروع جنگ قوای حکمتیار برای بدست آوردن مقام ریاست جمهوری بر

علیه قوای مسعود - ۲۹ اپریل ۱۹۹۲ ، ۸ ثور ۱۲۷۱ هـ ش .

مشعل گر دیدن جنگِ دا خلی در تا جکستان - اپریل ۱۹۹۲
به رسمیت شناختن عربستان سعودی، ایران و پاکستان حکومت جدید
افغانستان را - ماه می ۱۹۹۲ م .
(پاکستان بتاريخ ۱۱ می ۱۹۹۲ م مطابق به ۲۲ ثور ۱۲۷۱ حکومت
مجاهدین را برسمیت شناخت) .

اعلام حکمت یار که اگر قوای دوستم از کابل اخراج نگردهد ، او بر کابل
حمله را آغاز میکند - ماه می ۱۹۹۲

داخل شدن ملیشه های فرقه اسماعیلیهابه کابل - ماه می ۱۹۹۲

ورود وزیر خارجه روسیه به کابل - می ۱۹۹۲

تقرر دوستم به مقام جنرالی از طرف مجددی و تقبیح عمل مذکور
توسط حکمت یار و دیگران - می ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .

تشکیل محکمه خاص برای محاکمه نمودن کمو نستهای سابقه و ایجاد
سوالها در مورد اعلا میه عفو عمومی که قبلاً نشر گردیده بود - می

۱۹۹۲

منع فروش مواد مخدره و مشروبات الکھولی - می ۱۹۹۲

ورود هیأت امریکایی به کابل جهت مذاکره در باره دوباره بر قرار
 ساختن مناسبات سیاسی بین مملکتین — می ۱۹۹۲
 بقرار اخبار بین المللی در زد و خورد هائیکه بین حزب وحدت و حزب
 اتحاد اسلامی آغاز گردید، هزار ها نفر کشته و زخمی گردیدو در حدود
 یکهزار نفر مثله گردید، ۵ جون ۱۹۹۲ م ، ۱۴ جوزای ۱۲۷۱ هـ ش .
 به اثر فیر های شادیانه، مجاهدین یکعده از شهریان کابل شهید وعده،
 زیادی زخمی گردیدند - ۱۵ جون ۱۹۹۲ ، ۱۹ جوزای ۱۲۷۱ هـ ش .
 استعفی مجددی بر طبق موافقات قبلی پشاور، وتقرر ربانی برای
 چهار ماه به ریاست جمهوری افغانمستان — ۲۸ جون ۱۹۹۲ ،
 ۸ سر طان ۱۲۷۱ هـ ش .
 بر طبق راپور روزنامه نگاران غربی ، در جنگهای بین وزات دفاع
 و حزب اسلامی حکمتیار و در در گیریهای حزب وحدت که ساحات قلعه،
 شاده ، دشت برچی ، میر ویس میدان سرای غزنی ، جمال مینه ،
 کارته چهار و کارته سه رادر تصرف خود در آورده بودند، بیش از ده
 هزار نفر بقتل رسید وهزاران تن دیگر زخمی وعده، زیاد دیگر به
 شکنجه ها وعقوبتهای گونا گون مواجه گردیدند . ۷ اگست ۱۹۹۲ مطابق
 به ۱۷ اسد ۱۲۷۱ هـ ش .

بر طبق اخبار منتشر در غرب ، صبح روز دهم اگست ۱۹۹۲ مطابق ۱۸ اسد سال ۱۲۷۱ زیاده از ششصد راکت از طرف شرق کابل توسط قوای گلبدین بالای شهر فیر گردید و در حدود دو هزار نفر را بقتل رسانید و عده زخمیان را خارج از حساب وانمود کردند و گفته شد که شهر کابل به شهر ارواح مبدل گردید .

هفته نامه، لوموند چاپ فرانسه شهر کابل را حمام خون خواند و نوشت که در هر ساعت در حدود ۶۰۰ راکت خوشه ای بالای آن ریخته میشود و بمباردمان هوایی از طرف قوای گلبدین حکمتیار صورت میگیرد . روز ۱۷ اسد ۱۲۷۱ هـ در کابل روز ماتم ملی اعلام گردید . انتقاد نمودن صدر اعظم پاکستان از گلبدین بخاطر تخطیهایش از موافقات پشاور — اگست ۱۹۹۲

مسدود شدن سفارتخانه های فرانسه، ایطالیه و دیگر ممالک غربی در کابل به علت جنگهای شدید و حملات پیهم قوای حکمت یار بر قوای ریانی در کابل و پناه گزینی بیش از سی هزار از ساکنین کابل به ولایت ننگرهار — اگست ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ .

معرفی بیرق جدید افغانستان به رنگهای سبز، سفید و سیاه — اگست ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ .

مجبور به استعفا گر دیدن < نبی یوف > رئیس جمهور تا جکستان
و شروع جنگهای دا خلی در شهر های دوشنبه ، گم ، وکولاب در
نزدیکی سرحد افغانستان — سپتمبر ۱۹۹۲

تمدید ریاست بر ها ن الدین ربانی برای مدت ۲ ماه دیگر توسط
مجلس مشورتی سران احزاب — اکتوبر ۱۹۹۲

سفر نمودن ریانی به از بکستان — اکتوبر ۱۹۹۲

عزیمت ملیشه های دوستم از کابل به مزار شریف — اکتوبر ۱۹۹۲

انکار دولت آزر بانی جان از شمولیت در کامنولت روسها — اکتوبر
۱۹۹۲

آغاز مطالعات پاکستان بمقصد تمدید خط آهن از لندی کوتل به
کابل نومبر ۱۹۹۲

منظور گردیدن اساس نامه همکاریهای اقتصادی ((ای ، سی ، او))
توسط وزراء خارجه، افغانستان، پاکستان، ایران ، ترکیه ، قزاقستان ،
قرغزستان ، ترکمنستان ، بواز بکستان که در آن تاجکستان بخاطر
جنگهای داخلی اشتراک نتوانست — نومبر ۱۹۹۲

آغاز جنگ بین قوای وزات دفاع (قوای احمد شاه مسعود) و قوای
دوستم دسمبر ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .

قبول شورای < اهل حل و عقد > ربانی را بریاست جمهوری برای مدت
هجده ماه دیگر و تقلبی خواندن آن توسط حکمت یار - دسمبر
۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .

صدور امر مسدود کردن دفاتر احزاب مقاومت افغان در پاکستان که تا
آخر ماه جنوری سال نو باید بسته گردند - دسمبر ۱۹۹۲
اخطار دوستم به ربانی که اگر جنبش شمال به رسمیت شناخته نشود
و به قدرت دولتی سهم نگرده وی از دولت جدا خواهد شد - جنوری
۱۹۹۲

مهاجر شدن بیش از دوصد هزار تاجکی در خاک افغانستان و کمک
نمودن جنرال دوستم به آنها - جنوری ۱۹۹۲ م ، ۱۲۷۱ هـ ش .
تشدید جنگ بین حزب وحدت و قوای دولتی در کابل - فروری ۱۹۹۲
اصابت راکت و تخریب موزیم ملی افغانستان در کابل - ماه می ۱۹۹۲
اتحاد دوستم و مسعود برای مقابله با حکمتیار - ماه می ۱۹۹۲
تحلیف حکمتیار برای اشغال کرسی صدارت و مقیم ماندن او در چهارآسیاب
خارج از شهر کابل - جون ۱۹۹۲ ، ۱۲۷۲ هـ ش .
حمله، مخالفین دولت تا جکستان از خاک افغانستان بر پوسته های سر
حدی که منجر به کشته شدن دوصد تاجک و ۲۶ نفر از عساکر روسی

گردید و پروتست روسیه بر اینکه در حمله، مذکور دستِ افغانها شا مل بود - جولای ۱۹۹۲

امضاء موافقت نامه بین روسیه، ازبکستان، قزاقستان و قرغزستان برای دفاع دسته جمعی از بنادر بین تا جکستان و افغانستان سپتمبر ۱۹۹۲
دکتورین جدید روسیه بمقابل فعالیت‌های افغانستان و پاکستان و مداخلات ترکیه در ارمنستان مبتنی بر اینکه حملات دول فاقد صلاح هستوی بر روسیه و ممالک عضوِ کامن ولت روس و آسیای میانه را با اسلحه، اتومی جواب خواهند داد - نومبر ۱۹۹۲

صدور فر مان الغای قا نون اراضی دوره، کمونستی توسط ربانی - دسمبر ۱۹۹۲

اتحاد دوستم و گلبدین برای بر انداختن ربانی و بمباردمان طیارات دوستم شهر کابل را برای اولین بار و دخیل دانستن کابل دولت تاشکنندرا در حملات مذکور که گفته میشد به پشتیبانی دوستم صورت گرفته است - جنوری ۱۹۹۴ ، ۱۲۷۲ هش .

تعیین محمود مستری وزیر خارجه ، اسبق تونس برای حل مشکلات افغانستان از طرف موسسه، ملل متحد - فروری ۱۹۹۴
قطع کردن خط‌های غذا رسانی به شهر کابل توسط گلبدین و بوجود آ

وردن قحطی در شهر — مارچ ۱۹۹۴

اشغال پلِ خمیری توسط قوای دولت از اسماعیلیها و دوستم و بدست آوردن اسلحه و ذخایر تیل آنها مارچ ۱۹۹۴

افتتاح مجدد سفارت پاکستان در کابل که قبلاً به اثر حملهٔ مظا هره کنندگان مسدود گردیده بود — سپتمبر ۱۹۹۴

ورود طالبان مسلح از پاکستان از طریق چمن و تسخیر قسمتی از شهر قندهار و آزاد ساختن یک قطار تجارتي پاکستان که روندهٔ ترکمنستان و ازبکستان بود و از طرف مجاهدین در قندهار توقف داده شده بود — نومبر ۱۹۹۴ م ، ۱۲۷۲ هـ ش .

صدور را پور < ارمکورا > نمایندهٔ خاص ملل متحد در امور حقوق بشر با تذکار اینکه افغانستان از کنترل حکوت آن خارج گردیده و به چهار زون مسلح منقسم گردیده است — نومبر ۱۹۹۴

تمدید نمودن ریانی برای بار سوم ، موعدهٔ ریاست جمهوری خود را با استدلال اینکه کدام مرجع قانونی دیگر در مملکت وجود ندارد تا قدرت را به آن بسپارد — دسمبر ۱۹۹۴ م ، ۱۲۷۲ هـ ش .

اشغال غزنی توسط طالبان — دسمبر ۱۹۹۴ م ، ۱۲۷۲ هـ ش .

کمیتهٔ صلیب سرخ تعداد کشته شدگان و زخمیان جنگ سال ۱۹۹۴

افغانستان را هفتاد هزار نفر تخمین کرد - دسمبر ۱۹۹۴

پروتست افغانستان بر تا جکستان بخاطر بمباردمان هوا ای ولایت
بدخشان - جنوری ۱۹۹۵

اشغال وردك تو سطر طالبان - فروری ۱۹۹۵

خلع نمودن حکمتیار از قرار گاهش در < چهار آسیاب > و فرار او به
سروبی - فروری ۱۹۹۵ م ، ۱۲۷۲ هـ ش .

حمله احمد شاه مسعود بر قوای حزب وحدت - فروری ۱۹۹۵

گرفتاری عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت و کشته شدن او بدست
طالبان - مارچ ۱۹۹۵ م

حمله طالبان بر هرات در ماه اپریل و اشغال کامل آن ولایت در ماه
دسمبر - اپریل ۱۹۹۵ م ، ۱۲۷۴ هـ ش .

افتتاح مجدد یونیورسٹی (پوهنتون) کابل - اپریل ۱۹۹۵

ورود امامعلی رحمانوف رئیس جمهور تا جکستان به کابل و مذاکره
نمودن او با عبدالله نوری و میر اکبر توره جانزاده ، سرکردگان مخالفین
دولت تاجکستان، در باره آتش بس سه ماهه و دیگر مسایل مربوط به
نا آرامیهای تا جکستان - ماه می ۱۹۹۵

افتتاح مجدد سفارت هند در کابل - می ۱۹۹۵

استقبال گردیدن و ملاقات سر دار ولی نماینده، ظاهر شاه از طرف
زعمای پاکستان و مهاجرین افغان، و پروتست نمودن حکومت ربانی در
آن زمینه - جولای ۱۹۹۵

حمله، یا غیان کابل بر سفارت پاکستان بخاطر پستی بانی و تجهیز
نمودن طالبان و اشغال ولایت هرات توسط طالبان - سپتمبر ۱۹۹۵
داخل شدن حکمتیار به کابل و اشغال چوکی صدارت - جون ۱۹۹۶
ورود سناتور براون از امریکا به کابل و انکار گلبدین از ملاقات نمودن
با او - اگست ۱۹۹۶

اشغال جلال آباد و توابع ولایات ننگرهار و لغمان و کنترت توسط طالبان سپتمبر
۱۹۹۶ م، ۱۲۷۵ هـ ش .

اشغال شهر کابل توسط طالبان - ۲۸ سپتمبر ۱۹۹۶ م، ۶ میزان ۱۲۷۵ هـ ش .
برون کشیدن دکتور نجیب اله از دفتر ملل متحد و حلق آویز نمودن او
و برادرش توسط طالبان سپتمبر ۱۹۹۶

تشکیل جلسه، اضطراری کشور های آسیای میانه و روسیه، برای مطالعه
و بحث بر خطراتیکه از جانب افغانستان متوجه ممالک مذکور گردیده است
و اشتراك نکردن < نیازوف > رئیس جمهور ترکمنستان در جلسه،
مذکور و اعلان نمودن او که کدام خطری از جانب افغانستان نمی بیند -

اکتوبر ۱۹۹۶

جلسه، مشترك مسعود ، دوستم ، نماینده، حزب وحدت ، وقونسل روسیه برای تدبیر يك ستر اتيژی مشترك در مقا بله نمودن با طالبان — اکتوبر ۱۹۹۶م ، ۱۲۷۵ هـ ش .

مردن بېرك كارمل در ماسكو بمرض سرطان وتدفین او در مزار شريف
دسمبر ۱۹۹۶

اشغال میدان هوایی بگرام، شهر چاریکار ، وجبل السراج قرار گاه مسعود ودوستم توسط طالبان واز دست دادن يكصد عراده تانك جنگی قوای مقابله کنندگان ، به طالبان — جنوری ۱۹۹۷م ، ۱۲۷۵ هـ ش .
مباردمان شهر کابل توسط قوای رشید دوستم — جنوری ۱۹۹۷
اشغال غور بند و مر بوطات آن توسط طالبان از حزب وحدت —

جنوری ۱۹۹۷

تشکیل کنفرانسی از طرف ملل متحد در عشق آباد در باره، کمک به افغانستان که در آن در حدود دوصد موسسه وممالك اشتراك ورزید —

جنوری ۱۹۹۷

اعزام هیأت طالبان به سر کردگی ملا وکیل احمد به امریکا وملاقات آنها با رابن رالف معاون سكرتر وزیر خارجه امریکا — -- جنوری ۱۹۹۷

اشغال چوکی صدارت پا کستان توسط نواز شریف - فروری ۱۹۹۷
منع فلم گیری و عکاسی از طرف وزیر خارجه طالبان - مارچ ۱۹۹۷
تعهد دولت آلمان برای دادن دو میلیون دالر به پروژهء ماین پالی
افغانستان - مارچ ۱۹۹۷

منع تجلیل روز نوروزی اعتنای مردم در مقابل امر طالبان - مارچ ۱۹۹۷

استقبال طالبان از پروژهء عبور پایپ لاین گاز طبیعی از خاک افغانستان
مارچ ۱۹۹۷

فرار زیاده از یکصد وچهل هزار مهاجر تاجکی از مناطق شمال به
کابل - اپریل ۱۹۹۷

اعلام طالبان مبنی بر اینکه خیال صدور نظریات خود را به خارج از
افغانستان ندارند و اسامه بن لادن میلیونر عربی را با وجود اصرار امریکا ،
از افغانستان اخراج نمی دارند ولیکن به فعالیتهای ترورستی شخص
مذکور از خاک افغانستان اجازه داده نمیشود - اپریل ۱۹۹۷

بغاوت جنرال مالك بر جنرال دوستم و فرار رشید دوستم به ازبکستان
و بعداً به ترکیه - می ۱۹۹۷ ، ۱۲۷۶ هـ ش .

دعوت گردیدن طالبان به مزار شریف از طرف جنرال مالك - می ۱۹۹۷

پیوستن قو ماندان هوایی و دو نفر پیلوت دوستم به طا لبان - می ۱۹۹۷
اشغال سا لنگها و پلِ خمري مرکز قرار گاهِ اسما عیليها توسط طا

لبان - می ۱۹۹۷

مقابله نمودن شدیدِ حزب وحدت با طا لبان در مزارِ شريف و تلفات بي
سابقه، طالبان در مزار شريف ، و روبر گشتاندن جنرال مالك از طا لبان

- می ۱۹۹۷ م ، ۱۲۷۶ هـ ش .

در گرفتن جنگِ شديد در چاريكار بعد از عقب نشيني طا لبان در
جنوب سا لنگ — می ۱۹۹۷

اشغال شهر های کندز ، سمنگان ، و بغلان توسط طالبان - ۲۶ می
۱۹۹۷ ، جوزای ۱۲۷۶ هـ ش .

تبدیلی نام جمهوری اسلامی افغانستان توسط طالبان به امارات اسلامی
افغانستان - ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۷ ، سال ۱۲۷۶ هـ ش .

اشغال مجدد مزار شريف توسط طالبان، قتل ۱۱ نفر دپلومات ایرانی
و کشتار منسوبين حزب وحدت در مزار - جولای ۱۹۹۸ ، ۱۷ اسد ۱۲۷۷

فهرست یک‌عده از کنفرانس‌های بین‌المللی که در مورد اخراج عاجل قوای تجاوزگر شوروی و جنایتکاران روس از افغانستان بحث و ابلاغیه‌ها صادر نموده‌اند:

- ۱- جلسه اضطراری ملل متحد ۱۴ جنوری ۱۹۸۰، ۲۴ جدی ۱۲۵۸
 - ۲- جلسه عادی سالانه ملل متحد ۲۰ نومبر ۱۹۸۰، ۲۶ عقرب ۱۲۵۹
 - ۲- " " " " ۱۸ نومبر ۱۹۸۱، ۲۹ عقرب ۱۲۶۰
 - ۴- " " " " ۲۹ نومبر ۱۹۸۲، ۸ قوس ۱۲۶۱
 - ۵- " " " " ۲۲ نومبر ۱۹۸۲، ۲ قوس ۱۲۶۲
 - ۶- " " " " ۱۵ نومبر ۱۹۸۴، ۲۴ عقرب ۱۲۶۲
 - ۷- " " " " ۱۴ نومبر ۱۹۸۵، ۲۲ قوس ۱۲۶۴
- نوت: در جلسه مورخ ۱۵ نومبر ۱۹۸۴ لیبیا و یمن جنوبی به نفع روس رای مخالف دادند، الجزایر، عراق، گینی بساو، و مالی رای ممتنع دادند و یمن شمالی در رای گیری حاضر نگردید.
- در جلسه مورخ ۱۴ نومبر ۱۹۸۵، سه کشور اسلامی یعنی لیبی، سوریه و یمن جنوبی به نفع روس رای مخالف دادند. (واوا ازین مسلمانی !!!)

۸ - کنفرانس کشورهای غیر منسلک در دهلی در زمینهٔ تجاوز شوروی
بر افغانستان تشکیل جلسه داد و اخراج بیقید شرط عساکر خارجی را
از افغانستان خواستار شدند . در حالیکه اندیرا گاندی صدراعظم هند
درین جلسه کدام عکس العمل وهمدردی با افغانستان از طرف خود
و کشورش نشان نداد . ۹ فروری ۱۹۸۱ ، دلو ۱۲۵۹

۹ - دومین کنفرانس کشورهای غیر منسلک در دهلی با اشتراک یکصد
کشور جهان تشکیل گردید که درین کنفرانس بازهم خانم گاندی و چند
مزدور دیگر روسها بشدت در پشت پرده به طرفداری روسها فعالیت
داشتند . ۷ مارچ ۱۹۸۲ ، ۱۶ حوت ۱۲۶۱

۱۰ - سومین کنفرانس کشورهای غیر منسلک در لوندای پایتخت انگولا
۱۵ سپتمبر ۱۹۸۵ ، ۲۴ سنبله، ۱۲۶۴

۱۱ - چهارمین جلسهٔ کنفرانس کشورهای غیر منسلک بازهم در دهلی
اپریل ۱۹۸۶ ، حمل ۱۲۶۵

- ۱۲ - جلسه هفت کشور صنعتی اروپا جون ۱۹۸۰
- ۱۲ - جلسه اعضا پیمان ناتو جون ۱۹۸۰
- ۱۴ - کنفرانس امنیت اروپایی ، ۱۲ نوامبر ۱۹۸۰ ، ۲۴ عقرب ۱۳۵۹
- ۱۵ - کنفرانس پارلمانی اروپا ، ۲۰ جنوری ۱۹۸۲ ، ۲ جدی ۱۳۶۰
- ۱۶ - کمیسیون حقوق بشر - ۱۶ فروری ۱۹۸۲ ، ۲۷ دلو ۱۳۶۱
- ۱۷ - جلسه کشورهای کامن ولت ، نومبر ۱۹۸۲
- ۱۸ - محکمه دا یمی ملل که در استوکهلم پایتخت سویدن جهت
محاكمه کردن دولت روسیه دایر گردید - اول می ۱۹۸۱
- ۱۹ - سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در مکه ، ۲۵ جنوری
۱۹۸۱ ، ۵ دلو ۱۳۵۹
- ۲۰ - چهارمین کنفرانس کشورهای اسلامی در کاسا بلنکا، ۱۶ جنوری
۱۹۸۴ ، ۲۶ جدی ۱۳۶۲
- ۲۱ - جلسه فوق العاده ۲۵ کشور اسلامی که با ترییشنهاد ضیاءالرحمان
رئیس جمهور بنگله دیش در اسلام آباد بارتباط حمله- روسها بر
افغانستان دایر گردید ، ۲۷ تا ۲۹ جنوری ۱۹۸۰

- ۲۲ - کنفرانس وزراء خارجه، کشور های اسلامی در پاکستان ، ۱۷ تا ۲۲ می ۱۹۸۰
- ۲۲ - کنفرانس وزرای خارجهٔ ممالک اسلامی در بغداد ، ۵ جون ۱۹۸۱
- ۲۴ - " " " " " " در الجریا ، ۲۲ اگست ۱۹۸۲
- ۲۵ - " " " " " " در بنگله دیش ۶ تا ۱۱ دسمبر ۱۹۸۲ ، ۱۵ تا ۲۰ قوس ۱۲۶۲
- ۲۶ - کنفرانس اسلام امروز در اسلام آباد دهم دسمبر ۱۹۸۲
- ۲ - " " " " " " ۱۷ سپتمبر ۱۹۸۴ ، ۲۶ سنبله، ۱۹۶۲

ویکعه کنفرانسهای دیگر.

تذکر

چنانچه میدانیم ، افغانستان سر زمین واقعه ها ، حماسه ها ، و کار نامه
هاست که مردم سلحشور آن در درازای تاریخ کهن خویش ، همواره به
نحوی از آنجا به جنگهای بزرگ کشانیده شده اند و ویرانیهای جبران نا
پذیری درین مملکت به بار آمده است .

تاریخ میرساند که این سر زمین در هیچ زمانی ، از آراش قطعی و
آسودگی کامل بر خوردار نمانده است و بخاطر موقعیت سوق الجیشی
و واقع گردیدن بر سر راه سر زمین بزرگ هندوستان و یا بسبب همجوار
قرار گرفتن با متصرفات قدرتهای بزرگ جهان < روس و انگلیس > و هم
بخاطر عوامل بسیار دیگر ، همواره مواجه با نا را حتی ها بوده و مورد
تاخت و تاز از خود و بیگانه قرار گرفته است . به عبارته دیگر :

این وطن از بخت بد ، دارد بلاها در کمین
دفع شد گر یک بلا ، در پی بلای دیگرست

در طول مدت زمان مورد بحث این کتاب ، هزاران واقعه قابل ذکر دیگر علاوه بر آنچه درین جا مذکور گردیده در افغانستان و در قرب وجوار آن رخ داده است و برای مهیا نمودن يك كرونولوژی جامع تر، لازم خواهد بود تا مدت زیادی درصدد جمع آوری وثبت واقعات باشیم .
تابتوانیم جامعتر از آنچه گرد آورده ام ، بدست آوریم .
درین مختصر عجالاً^۲ به تذکار اجمالی از واقعات مهم افغانستان وممالك همجوار آن پر داخته شده است ، یعنی، تا جائیکه حوصله یاری گردبه ذکر یکمده موضوعات مهم تاریخی مملکت خویش پر داختم .

همانطوریکه مشاهده میفرماید، بخش كرونولوژی در این کتاب را بیشتر واقعاتی که در دوره، حکومت کمونستی واشغال نظامی شورویها رخ داد، تشکیل میدهد ، ولی این كرونولوژی هم هنوزمکمل نبوده و يك عده از واقعات مهم دوره، اخیر الذکر از قبیل کشتار های دسته جمعی ترکی و امین که در مدت کوتاه زمامداری خود ها بیشتر از یکصد هزار نفر از مردمان منور وچیز فهم مملکت را مقتول ودر گو دالها بطور دسته جمعی توسط بلدوزر ها زیر خاک فرو برند ، و چهارهویق مد هشی که در

مواقع مختلف از طرف مجاهدین در زخایر و گدامهای اسلحه، روسها و دولت کمونستی افغانستان در فرقه، عسکری قرغه، در دامنه های کوه وتپه های خیر خانه مینه، در دشت کیلگی، و در نزدیکیهای ده کیپک کابل اشتغال یافت و هر کدام آن ده ها ساعت دوام کرد و هزاران دانه راکت و ده ها هزار تن مواد و تجهیزات نظامی روس ها از بین برده شد و هر یک بنوبه، خود، چون تیشه، محکمی بر ریشه شورویان کار گرفتند، با واقع، استعمال گاز زهری در کاریزهای لوگر توسط قوای اشغالگر روسی که در آن عده، کثیری از زیناه گزینان بقتل رسیدند، با کشتن مجاهدین اسیران روسی را در «بده بیره» و هزاران جنایات دیگر دشمنان مردم افغانستان و شهکاریهای زیادی که از طرف ملت افغان بوقوع پیوسته است، بشمول واقعاتیکه در دوره طالبان و آنهمه ویران کاریهاییکه توسط گماشتگان و اجیران پاکستان بعمل آمده است و هنوز هم ادامه دارد، جای همه، آن درین مجموعه خالی می باشد.

همانطوریکه در جلد سوم کتاب تحولات سیاسی جهاد افغانستان میخوانیم پس از خروج نیروهای متهاجم شوروی، مداخله پاکستان در افغانستان وارد مرحله جدیدی گردیده است. هوس جانشینی روسها، طمع دست یابی بر گاز و نفت و بیورانیم افغانستان، و تکیه زدن در جوار

کشورهای آسیای میانه ، کار نظامیان و سیاست مردان پاکستان را به جنون کشانیده است و علناً کمر بسته اند تا بر نقشه هستی ما خط نفی بکشند و هست و بود ما را (چنانچه تا حال خورده اند) يك قلم ببلعند . درین فرصت زمانی ایالات متحده امریکا هم که بقوت ایمان و مردانگی افغانان انتقام شکستی را که در جنگ ویتنام از روس خورده بود حاصل نمود ، و از خیرات سر افغانان از مصارف کمر شکن جنگ سرد رهایی یافت اکنون با هراسی که از اسلام دارد ، فی الحقیقت در کار تفرقه افگنی و قتل مردمان مسلمان افغانستان ذی دخل میباشد . چنانچه محترم دکتور حق شنای در صفحه ۴۶۵ جلد سوم کتاب خویش آورده اند که :

گراهام فیلر معاون اسبق اداره جاسوسی < سی آی ای > آمریکا در نشریه خود نوشت که پس از شکست دادن ابر قدرت بزرگ از طریق جهاد ، تشکیل يك دولت اسلامی از طرف مجاهدین در افغانستان خطر بزرگی برای امریکا و غرب بصورت کل تولید خواهد کرد . اسلام در حال حاضر جانشین مارکسیزم ولیننیزم گردیده است و بهمان اندازه برای جهان غرب تباه کن تمام خواهد شد . اسلام در افغانستان ، ایران ، پاکستان ، و تر کیه بسرعت رو به پیشرفت بوده و تاثیرات عمیقی بالای خط مشی

امریکا خواهد داشت. این ممالک اسلامی در آینده چنان يك بلاك
قدرتمندي را بوجود خواهند آورد که چشم پوشی از ان ناممکن خواهد
بود ۱۰ این نوشته معاون سابقه دار ادره، جاسوسی امریکا بیانگر
طرز دید و عمل آن قدرت یکه تاز فعلی جهان در قبال مسایل افغانستان
خواهد بود.

واما در ظاهر و در عمل آ نانیکه روزمارا سیاه کرده اند و از پشت خنجر
زدند و در چهره، دوست دلسوز نقش غیر دوستانه بازی نمودند، همان
کشورهای مسلمان و همسایه های ما بودند.
امید است در آینده با بدست آوردن ماخذ و معلومات های واثق در
اکمال ویر محتوا ساختن هر چه بیشتر بخش کرونولوژی این کتاب
اقدامات مزید بعمل آ ورده شود.

کانادا سه شنبه ۱۲ جون ۲۰۰۱

محمد یونس عینی

پخش هشتم

تراژدی افغانستان

ترجمه از صفحات مختلف متن انگلیسی کتاب راجا انور پاکستانی

نام میری ووزیری وشهی
نیست الادرد ومرگ وجان دهی

ازان چرخه که گرداند زن پیر
قیاس چرخ گردون را همی گیر

مولانای بلخی

تراژدی افغانستان

کتاب < تراژدی افغانستان > توسط راجه انور پاکستانی سابق مشاور ذوالفقار علی بو تو صدر اعظم پاکستان به لسان اردو تحریر و توسط خالد حسن یک پاکستانی دیگر به انگلیسی برگردانیده شده و در لندن و نیویارک طبع و تکثیر گردیده است .

اینک بارتباط موضوع نکات دلچسپی را کنده کنده از کتاب مذکور به دری ترجمه و به خوانندگان این اثر تقدیم میدارم :

در صفحه ۱۴ کتاب مذکور در مورد مناقشه افغانستان و پاکستان بر موضوع خط نام نهاد دیورند می خوانیم که < هیچ کس نمیتواند انکار

کند که خط دیورند يك خط غير طبعی بوده و بمنظور جدا سازی پشتونها به روی اغراض سیاسی ، توسط دولت استعماری انگلیس بر دولت افغانستان تحمیل گردیده است .
در صفحه ۲۱ این کتاب نوشته است که - > خواب پشتو نستان آ زاد ، يك انعکاس طبعی زمامداران بارکزایی افغانستان بوده است ، خواب آ نهایی ای که برای حفظ تاج و تخت خود نصف مردم خود را به انگلیسها سپردند .<

حکومت افغانستان در سه مرحله چانسهای طلائی را که به سهولت می توانستند خاکهای از دست داده خود را دوباره بدست آورند ، از دست دادند . مرتبه اول در سال ۱۸۵۷ که قوای انگلیس با شاهان ومها راجای هند در گیر و دار شدید گرفتار و به ضربات سختی مواجه شد در آنوقت مناطق پشتون نشین همه از قشون انگلیس خالی گردیده بود وامیر دوست محمد خان به بسیار آسانی میتواند آن سر زمینها را دوباره بدست آورد .

مرتبه دوم در سال ۱۹۱۴ زمانیکه انگلستان با دولت المان مصروف جنگ بود ، شهزاده امان اله خان و برادرش سر دار نصراله خان اقدام به این کار نمودند اما به مخالفت امیر حبیب اله خان پدر خود مواجه

گردیدند . در همان مقارن، بتاريخ ۲ اکتوبر سال ۱۹۱۵ يك هیات مختلط المانی و ترکی وارد کابل گردید و وعده دادند که اگر افغانستان برای حصول زمینهای غصب شدگی اش داخل اقدام گردد ، دول مذکور تمام ضروریات نظامی را به افغانستان عرضه میدارد ولی امیر حبیب اله به جارج پادشاه انگلستان خبر داد که او بیطرف می ماند و اقدامی بر ضد انگلیسها نمی دارد .

سومین چانس در سال ۱۹۲۶ برای افغانستان میسر شد که دولت المان باز هم بهمین منظور مبلغ ۲۷ میلیون مارک برای تهیه، اسلحه به افغانستان تخصیص داد و مشاورین خود را هم به افغانستان اعزام نمود اما حکومت بارکزایی افغانستان بهیچ اقدامی متوصل نگردید (۱۰)

خان عبدالغفار لیدر عوامی لیگ که منسوب به خاندان محمد زایی میباشد در وقت تشکیل گردیدن پاکستان گفته بود که مانمیخواهیم با مردمان برهنه < یعنی افغانستان > یکجا شویم (۱۰)

در صفحه ۷۸ نوشته است که بعد از ناکامی شرم آور قشون پاکستانی در جنگ با هند که منتج به از دست دادن بنگال گردید ، جنرالهای پاکستان برای اعاده، حیثیت خود پلانی ترتیب کردند تا بصورت ناگهانی حمله نموده قسمت ها ای از خاک افغانستان را بشمول

شهر جلال آباد در تصرف پاکستان در آورند ولی ذولفقار علی بو تو که یک سیاستمدار ورزیده بود آن پلان را به باطله دانی سپرد و در عوض به نیرنگهای سیاسی پرداخت. او در قدم اول نواب اکبر بختی و بعداً خان قلات را که هر دو از طرفداران سر سخت آزادی بلوچستان بودند به حیث گورنر بلوچستان مقرر کرد تا تحریک آزادی بلوچستان به یک حرکت اشراری مبدل گردد. در قدم دوم بو تو با تند روهای راستی و چپی افغانستان تماس قایم کرد و با کمک مالی پاکستان گلبدین، مولوی غلام نبی و اعضاء ستم ملی را به تخریب کاریها در وردک، پنجشیر و بدخشان وادار ساخت.

و در صفحه ۸۱ میخوانیم که بو تو بمنظور تخریبکاری و فتنه اندازی مزید در شهرهای کابل و جلال آباد سران موجوده، احزاب جهادی افغانستانرا در همان مراحل اولی به پاکستان جاگزین گردانید و متعاقباً بو تو به مسکو مسافرت کرد و بریژنیف را قانع ساخت تا از حمایت خود از داعیه پشتونستان و پشتیبانی از سردار داوود خان منصرف گردد. او در بازگشت، از این سفر بسیار راضی بود و اظهار کرد که من تار گدیبران افغانستان را قطع کردم. در نتیجه زمانیکه سردار محمد داوود خان از مسکو دیدن نمود، بریژنیف برایش گفت که با پاکستان

مذاکره کند و سردار در جواب او گفت که ما خود پرابلمهای خود را می
دانیم و خود میدانیم که چه بکنیم و چه نکنیم .

در صفحه ۱۵۲ کتاب مذکور نوشته است : بعد از آنکه منابع کمکی
امریکا و عربی بر رخ افغانستان مسدود گردید، ترکی و امین به اتحاد
شوروی سفر نمود و بتاريخ ۵ دسمبر ۱۹۷۸ پیمان همکاری و رفاقت را که
شامل موضوعات نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، کلتوری ، آیدیو
لوژیکی ، و ضروریات فزیزو لوژیکی افغانستان بود بامضاء رسانید .
زمانیکه مسوده پیمان مذکور از طرف شورویها ترتیب و به ترکی
سپرده شد نامبرده اظهار داشت که وی دران نقصی نمی بیند اما در
تفصیل آن معاشق و نش آقای امین باید کار کند .

در یکی از مواد آن پیمان ذکر گردیده بود که افغانستان میتواند در
مواقع ضرورت از قشون شوروی کمک بخواهد . میگویند که امین در
شرح آن مسوده پیشنهاد کرد که عساکر کمکی مذکور در افغانستان
باید تحت قورمانده صاحب منصبان افغان عمل نمایند و هم بازگشت
آنها به شوروی باید به اراده و فیصله مملکت میزبان مربوط باشد .
لیدر های خلقی بیان نمودند که ماده اول این پیشنهاد از طرف خود
اعضاء هیأت افغانی رد گردید و ماده دوم باین ترتیب تغییر داده شد

که بازگشت عساکر شوروی با مذاکره و تفاهم دو جانبه صورت بگیرد .
امضاء قرار داد مذکور هوشداری بود به امریکا و اقمار آن باین معنی
که هرگاه از پستی یا نی گروه های ضد انقلاب فاصله نگیرند عساکر سرخ
به دفاع از انقلاب افغانستان دعوت خواهد شد .

در صفحه ۱۵۲ نوشته است که در دسمبر ۱۹۷۸ اخبار نیو تایمز
شوروی که به ده لسان در سر تا سر جهان توزیع میگردد ، حفیظ اله
امین و شا ولی را از جمله شخصیت های بین المللی خواند در حالیکه یکسال
بعد تر امین را ضد انقلاب و نماینده < سی آی ای > اعلام نمود .
و در صفحه ۱۵۴ میخوانیم که تا سال ۱۹۷۸ در پاکستان هشت کمپ
نظامی بمنظور آماده سازی مجاهدین و مهاجرین افغان برای جنگ های
گوریلا بی از طرف حکومت نظامی جدید آن مملکت ایجاد گردیده
بود .

اولین قطار مسلح با اسلحه چینای، زیر بیرق حزب اسلامی که شامل
پنج هزار نفر بود به ولایت کنرها داخل و بر شهر اسعد آباد حمله
نمودند . عبدالرؤف قوماندان نظامی کنر از جلال آباد اسلحه تقاضا
کرد و سه پروند هلیکوپتر مملو از اسلحه وارد گردید ، قوماندان
مذکور تمامی اسلحه واصله را از بین برد و خود به طرفداری ضد

انقلابیون بنای حمله را بر مرکزولایت نهاد.

در صفحه ۱۵۵ کتاب مذکور ذکر است که واقعه مهم دیگری در ۱۴ فروری ۱۹۷۹ رخ داد که بساعت بین هشتنیم و نه صبح چهار نفر تروریست، سفیر امریکا < مستر دب > را اختطاف و در اطاق نمبر ۱۱۷ در هتل کابل بر دند. آنها به گروه ستم ملی مربوط ورهای طاهر بدخشی لیدر حزب ومجید وقیس وفیضان و برهان الدین باعث را تقاضا نمودند. امین از موجودیت محبو سین مذکور انکار نمود و آنها را فراری قلمداد نمود. بساعت ده ونیم قبل از ظهر قوای امنیتی وارد صحنه گردیدو به اعضا سفارت امریکا گفتند که به سفیر خود به لسان المانی بگویند که یا خود را بروی فرش بیندازد ویا به تشناب برود، اما اعضا سفارت این هدایت را نپذیرفتند. بساعت دوازده ونیم بعد از ظهر بالای اتاق نمبر ۱۱۷ از طرف قوای امنیتی فیر صورت گرفت که در نتیجه دو نفر از اختطاف کنندگان و سفیر امریکا بقتل رسیدند و دونفر دیگر دستگیرو بعداً کشته شدند.

در صفحه ۱۵۶ واقعه قیام مردم هرات را بیان داشته و گفته است که بتاريخ ۵ مارچ ۱۹۷۹ قیام مذکور آغاز و تا ۱۶ مارچ روابط هرات با سایر نقاط افغانستان قطع گردیدو بعد از مدت ۲ روز جنگهای خونین،

قوای عسکری قندهار و قوای هوایی شین دند توانستند تا دو باره کنترل را بر هرات قایم سازند. دولت افغانستان این قیام را از طرف حکومت ایران و توسط آن مملکت وانمود کرد. ایران هم میگفت که افغانستان گوریلاهای تر بیت نمودگی خود را برای سرنگونی شاه ایران به آن مملکت گسیل داشته است، اما در حقیقت یکعده مردم شیعه مذهب هرات تحت تأثیر و احساسات مذهبی در اغتشاشات ایران بر علیه رژیم شاه ایران سهم گرفته بودند و مقابلتاً دولت ایران هراتیها را بر ضد دولت کابل تر بیت نظامی داده به هرات اعزام داشته بودند و قونسل ایران در هرات در آن واقعه سهم فعال داشت و وقایع را لحظه به لحظه به نمایندگی ایران به کابل خبر میداد و از آنجا قرار معلوم به سفارت امریکا را پور داده می شد. در قیام هرات بقرارا فابریکه، خبر سازی سفارت امریکا که بنام < منابع دیپلماتیک > نشرات میکرد، چهار صد مشاور روسی و ۲۴،۰۰۰ نفر از اهالی هرات بقتل رسیدند. اما بقرار معلوم نویسنده، کتاب، صرف ۹ نفر مشاور روسی و هشتصد نفر دیگر کشته شدند. در صفحه ۱۵۷ را جمع به طغیان قطعاً عسکری با لا حصار نوشته است که قطعاً مذکور در وقت ظهر بطرف قصر ریاست جمهوری حرکت کردند و در نزدیکی پل محمود خان جنگ خونینی در گرفت. طیارات

جت و هلیکوپتر هابه پر واز در آ مدند و مردم جنگهای بین الا فغانی را از فراز بامهای خانه های خود می دیدند.

در صفحات بعدی کتاب مذکور در مورد بروز اختلاف بین ترکی و امین ، سوء قصد ترکی و همکارانش برای از بین بردن امین ، چگونگی کشته شدن ترکی به هدایت امین ، تشدید مخالفتها بین احزاب خلق و پر چم ، تقاضای امین از ضیاالحق رئیس جمهور پاکستان برای ملاقات ، فعالیتهای < کی ، جی ، بی > و سفارت شوروی ، ورود قشون سرخ به افغانستان ، زهر دادن امین و منسویینش توسط آشپز و دکتر روسی و شرح کاملی از چگونگی قتل امین و بعضی از اعضاء فامیلش توسط شورویها با برسر اقدار آوردن ببرک کارمل وادمه و تشدید یافتن حملات مجاهدین افغان ، فعالیتهای پاکستان و ایالات متحده امریکا ، همه به تفصیل باساس چشم دید ، مطالعه و حکایات محبوسین ، اظهارات وزراء ، اعضاء برجسته حزبی و توضیحات خانها و اعضاء خانواده های امین و ترکی تفصیل داده شده است که ترجمه آن از حوصله این مختصر خارج دیده میشود.

در بخش آخر کتاب مذکور که جریان شکست و عقب نشینی ننگین روسها را بیان داشته است مینویسد که ستالین اتحاد شوروی را مانند

دیو > مانستر < ساخت که بهر مملکتی که پا بگذارند دیگر امکانات خروج آنها بهیچ قدرتی میسر نمی باشد. اما این یکی از عجایبات تاریخ جهان است که يك ابر قدرت جهانی به دست فقیر ترین فقرا تحقیر و اخراج گردد.

در صفحه ۲۵۵ خواندم که امروز در صفحه تلویزیون روسیه والدینی دیده میشوند که در عزای فرزندان عسکر خود که در جنگ افغانستان تلف گردیده اند ماتم میکنند اما آن مردم از تباهی های افغانان که مملکت و خانه های شان با خاک یکسان گردید و اهالی آن از بیداد قوای شوروی فراری گردیدند و از جسد های معیوب مر دمانیکه از قساوت های عساکر شوروی حکایتها دارند ، ذکر ی بمیان نمی آورند . بقراریک تخمینی که بسیار به یقین قریب است کم از کم يك ملیون افغان جانهای خود را درین جنگ از دست دادند و اقلأ نیم ملیون نفر دیگر مادام العمر معیوب گردیدند و هزاران طفل بی پدر شد و صد ها هزار زن بیوه گردید . در افغانستان عقب نگه داشته شده کدام سیستمی وجود ندارد که این توده معیوب و بیکس را دستگیری کند . درین جنگ ۴۵ فیصد نفوس افغانستان بی جای شدند . از جمله ۱۵ ملیون نفوس، پنج ملیون به خارج از مملکت مهاجرت کردند و دو ملیون دیگر به اطراف مملکت پراکنده

گردیدند تا از خطرات بمباردمانهای پیاپی هوای مصون گردند.
در زمینهای اطراف ولایات مملکت ملیونها ماین دفن گردیده است که
تاسالهای زیادی در آینده از این مردم بیچاره قربانیها طلب میدارد.
یک سوم تمام قریه های افغانستان از بین برده شده است و در حدود
پنجهزار قریه به اثر آسیب بمهای هوایی بکلی از سکنه خالی و ویران ساخته
شده است.

از صفحه ۲۵۶ : امروز در افغانستان امراض توبرکلوز، ملاریا، و فقر
ویتامینها بر مردم بیداد میکند. ۷۰ فیصد سرکهای افغانستان بکلی
ویران گردیده است. صد ها پل، هزاران مکتب، و ۶۰ فیصد مراکز
صحتی مسدود و تخریب گردیده است. تولیدات گندم بکلی کم و تولیدات
پخته، لبلبوبرای شکر و سبزیجات دیگر زراعتی بکلی از بین رفته است.
کسانیکه اینقدر جنایت و خونریزیها و تباهی را در افغانستان سبب گردیده
اند اصلاً از جنايتکاران شوروی بوده و منتظریم که آنها به چه نوع عقو
بتي مواجه میگرددند. اما تاریخ هیچ وقت بریژنیف و دار و دسته اش را
فراموش نخواهد کرد.

هنگام مصاف است ولی همنفسی نیست
فریاد که در معرکه فریاد رسی نیست

دزد آمده درخانه و بیم عسسی نیست
جزبرهنه پایان تودرجنگ کسی نیست

بس کشته بخون خفته و کس نیست مددگار

استاد خلیلی

بخش نهم

جداول عیدها و رسم های مغان ،
جداول اعیاد و ایام بزرگ مسلمانان ،

روانم سوی ملک نیستی گم کرده پاوسر
نمبدانم که همچون اشک از چشم که افتادم

بچندین سیل غم بنیاد عجز من نرفت از پا
بنا فرمود معمار ازل گویا ز فو لادم

خلیل افغان

اندرعیدها^۲ و رسمهای مغان بجدول

کنون سخن اندر معنی عیدهای مغان و عجمیان گویم و پدید کنم که هر عیدی بکدام روز باشد از روزهای ایشان. و آنرا اندر جدول آوردم هم بر آن جمله که از آن عربیان گفتم. و این را بچهار جدول اندر آوردم: (۳۲۲)

نخستین عدد. (دو دیگر نام) جشنها و عیدها. و جدول سه دیگر اندر روزهای

۱ - باب ۲۱-۲۲ در مجله سخن ۱۳۲۵ شمسی جلد سوم شماره اول ص ۳۳ بعد با دقت و تصحیح چاپ شده که در اینجا از آن نیز استفاده میشود. ولی عدد ابواب بسلسله گذشته تصحیح شد.

۲ - در اصل رسمها مکرر است و در (ب) مانند متن.

۳ - کلمات بین قوسین در اصل نیست، برای تکمیل عبارت افزوده شد.

ماه‌های عجمیان. و جدول چهارم: اندر ماه‌های مغان. و جدول این است که اینجا کشیده آمد: (۳۲۳)

ماهها	روزهای ماه	عیدها و جشنهای مغان	عدد
فروردین	الف ۱	نوروز ملوک	۱
	و	نوروز بزرگ که خاصه خوانندش	ب ۲
	ب ۵	ابتداء باز ۴	ج ۳
	یط ۸	فروردیکان ۷	د ۴
اردی بهشت	ج ۹	اردی بهشتگان	ه ۵
	کو ۱۱	اول گهنبار ۱۰ سه دیگر	و ۶
ماه	ل ۱۲	آخر گهنبار سه دیگر [۳۲۴]	ز ۷
	و	خردادگان	ح ۸
خردادماه	کو	۱۳ اول گهنبار چهارم	ط ۹
	ل	آخر گهنبار چهارم	ی ۱۰
تیرماه	بج ۱۵	تیرگان که اورا جشن سرشوی گویند ۱۴	یا ۱۱
	بد ۱۶	تیرگان بزرگ ملک	با ۱۲
مردادماه	ز ۱۷	مردادگان	یب ۱۳
	ك	؟(شهر)یورگان که اورا جشن گویند ۱۸	بج ۱۴
شهریور	د ۲۰	شهریورگان که اورا آخر جشن گویند ۱۹	بد ۱۵
	یو - یز ۲۱	اول گهنبار پنجم	به ۱۶
	ك	آخر گهنبار پنجم	بو ۱۷

۱ - اصل: نامه‌ای؟

۲ - حواشی اصل جدول به اعداد مسلسل، در آخر جدول آورده شده.

یز	مهرگان	یو ۲۲	
یح	رام روز مهرگان بزرگ ۲۳	کا ۲۴	میرماه
یط	آبانگان	ی ۲۵	آبان ماه
کا	بهار جشن که او را رکوب الکوسج گویند	ا ۲۶	آذرماه
کج، کب	عید خره ۲۷ که او را نوروز گویند [۳۲۵]	ا ۲۶	
کد	عید دی اول	ح	
که	عید گهنبار نخستین	یا ۲۹	
کو	سهر سور ۳۰	ید	
کز	عید دی دوم آخر گهنبار نخستین	یه ۳۱	دی ماه
کح	بتیکان	یه	
کط	شب کاو کهل؟ ۳۲	یو	
ل	عید دی سدبکر	کج ۳۳	
لا	بهمجنه ۳۴	ب	
لب	برسده (در قانون: برمدق)	ا	
لج	شب سده (قانون: لیلة السدق)	ی	بهمن ماه
لد	آب ریزگان بصفاهان ۳۵	ل	
له	نوشتن تعویذ کزندگان ۳۶	ا	اسفندار
لو	اول گهنبار دوم	یا ۳۷	مذماه (۳۹)
لز	آخر گهنبار دوم و عید زردشت [۳۲۶]	یه ۳۸	

حواشی این جدول

۱ - اصل: ل؛ که باید الف باشد، روز اول برج حمل و آغاز ربیع است. و درین روز ملوک

خراسان خلعت‌های ربیعی و صیفی را بسرداران خود دهند (آثار الباقیه ۲۱۷)

اندر^۱ جدول عیدهای مسلمانان

بدانکه عیدهای مسلمانان بسیار است، که اهل هر مذهبی آنرا استعمال کنند، ومن آنچه یافتم بخاصه از کتب خواجه ابوریحان رحمة الله بیاوردم، و آنرا بجدول کردم. تا یافتن آن بر جوینده آسانتر بود.

و آنرا بر چهار جدول نهاد: نخستین: جدول عدد عیدها.

و دوم: جدول نامهای هر عید.

و سه دیگر: جدول روز گذشته از هر ماه تازیان.

چهارم جدول نام ماهها تازیان. و جدول این است^۲: [۲۷۷]

۱ - اصل: باب پانزدهم اندر جدول الخ؛ ب: این عنوان نوشته شده ولی بکلی آنرا حذف و سیاه کرده اند. و معلوم است که باب پانزدهم در اینجا بیجا است.

۲ - این جدول در هر دو نسخه موجود نیست، و بعد ازین جمله، چند سطر تا آخر صفحه ۱۴۴ الفسپید مانده و از سر صفحه ۱۴۴ ب هاب شانزدهم اندر اسباب عیدها آغاز یافته است. و چنین بنظر می آید، که اصل جدول از نسخه منقول عنهام افتاده و ساقط بود. ومن این جدول را برای تکمیل نقص کتاب از قانون مسعودی (ج ۱ رص ۲۵۵) از باب عاشر آن بفارسی در آوردم.

ماهها	روز گذشته ازهرماه	روزهای بزرگ اسلامی از ماههای عرب	عدد
محرم	ا	غزه سال و آغاز سنه	ا
	ط	تاسوعا بر وزن عاشورا	ب
	ی	عاشورا ، از عاشورا اول ماههای یهود گرفته شده.	ج
	ی	روز شهادت حسین بن علی بن ابی طالب در کربلا علیهما السلام	د
	یو	گردیدن قبله به بیت المقدس در اول اسلام هژده ماه.	ه
	یز	آمدن اصحاب فیل حبشه برای ویرانی مکه	و
صفر	ا	مقتل زید بن علی بن حسین بن علی و بر دار کردنش در کوفه علیهم السلام	ز
	یو	آوردن سر بریده حسین بن علی علیهما السلام به دمشق	ح
	ک	ابتدای بیماری موت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم	ط
	کید	بردن سر بریده حسین به شهادتگاهش	ی
ربیع- اول	کد	خروج نبی صلی الله علیه وسلم از مکه و پنهان شدن در غار با ابوبکر صدیق رض	یا
	ج	وفات نبی صلی الله علیه وسلم، صبح دوشنبه	یب
	یب	آمدن نبی صلی الله علیه وسلم به هجرت در مدینه ولادت نبی صلی الله علیه وسلم روز دوشنبه عام الفیل	یج ید
ربیع- الآخر	ح	ساختن کعبه در ایام محاصره که حجاج ، عبدالله بن زبیر را در حصار داشت	یه
جمادی الاولی	یه	مولد علی بن ابی طالب علیه رضوان الله	یو
	ج	جنگ جمل در بصره با عایشه و طلحه و زبیر	یز
جمادی الآخری	ح	وفات بتول فاطمه بنت رسول علیهما السلام	یج
	ب	وفات ابی بکر صدیق علیه رضوان الله	یط
	د	ولادت فاطمه بنت خدیجه بنت خویلد [۲۷۸]	ک

رجب	د کو کز	جنگ صفین بین علی ابن ابی طالب و معاویة بن ابی سفیان رضی الله عنهما مبعث نبی علیه السلام بتمام مردم شب معراج و اسراء تا بیت المقدس	کا کب کج
شعبان	ج یه یو	ولادت حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام لیلة البیراثت که آنرا لیلة الصک هم گویند صرف قبله از بیت المقدس به کعبه در نماز دیگر	کد که کو
رمضان	یو یز یط کا کا که کو	زدن عبدالرحمن بن ملجم علی بن ابی طالب علیه السلام را هنگام نماز فجر واقعه بدر و فیروزی نخستین فتح مکه وفات علی ابن ابی طالب علیه السلام از ضرب ابن ملجم وفات علی بن موسی الرضا و بازگشت مأمون از سبزپوشی به سیاه پوشی ظهور ابی مسلم صاحب دعوت عباسی در مرو خروج برقی در زنج و اظهار فساد در زهین	کز کح کط ل لا لب لج
شوال	ا د یز یط	یوم رحمت و فطر که در آن روزه نگیرند مباهله نبی علیه السلام با نصاری بخران غزوه احد و مقتل حمزه علیه السلام وفات ابی طالب بن عبدالمطلب	لد له لو لز
ذوالقعدة	ه	بنا نهادن ابراهیم علیه السلام کعبه را	لح
ذوالحججه	ا ح ط ی یا یب یز یح که کز	زناشویی فاطمه زهرا با علی بن ابی طالب علیهما السلام ترویج و سقی حاجیان روز عرفه و ایستادن بر عرفات روز گوسپندکشان و اضحیه در منی یوم القر یوم التمر مقتل عثمان بن عفان رضوان الله علیه بعد از شدت محاصره روز غدیر خم برای شیعه مقتل عمر بن خطاب رضی الله عنه واقعه حره در مدینه	لظ م ما مب مج مد مه مو مز مج

بخش دهم

چند حکایت تاریخی

کلید حساب ابجد ، يك قصیده ، فهرست منابع مواخذ

یادداشتی در مورد سکندر ذوالقرنین

در زین الاخبار گردیزی نام سکندرا ، اخشند، روس ابن فیلقوس ابن مصوبر بن هرمس نوشته است که اجدادش به حضرت ابراهیم (ع) میرسند .
وعلاوه گردیده است که :

در اخبار عجم آمده که او اصلاً پسر دارا بن بهمن بن اسفندیار بود و مادر او دختر فیلقوس بود، و چون دارا (پادشاه بلخ) دختر فیلقوس را بیاورد و باوی نزدیکی کرد از دهن آن زن بوی ناخوش می آمد و چون اطبا آنرا علاج نتوانستند، دارا او را واپس به خانه، پدرش فیلقوس فرستاد و او حامله بود و بخانه، پدر ، او را پسر آمد و فیلقوس از روی ننگ او را بخود نسبت کرد چون بعد از فوت فیلقوس سکندر بجای او نشست، از دادن خراج به دربار دارا ابا ورزید و دارا قصد جنگ کرد و در جنگ کشته شد و یکبارگی ملک عجم سکندر را شد .

حضرت یعقوب

نوشته اند که حضرت یعقوب که بیشتر انبیا از نسل او بودند از کنعان به شام سفر کردند و از دختر < لیان > مامای خود خواستگاری نمودند. لیان ازدواج او را با دخترش به آن شرط قبول کرد که او و لا" یعقوب باید مدت هفت سال ملازمت و مزدوری او را انجام دهد. یعقوب شرط را پذیرفت و بعد از مدت موعود لیان دختر کلان خود را که < لیا > نام داشت در قید از دواج به یعقوب داد. ولی یعقوب را میل دختر دیگر لیان بود و تقاضای ازدواج با او را هم نمود. لیان باز هم شرط ازدواج را مدت هفت سال مزدوری گذاشت و داد و داد بعد از هفت سال ملازمت دیگر دختر دومی لیان را که < راحیل > نام داشت به زنی گرفت و در عین وقت هر دو خواهر زن او بودند. لیان دو نفر کنیز به نامهای < فلهه > و < زلفه > نیز با دختران خود به خانه یعقوب فرستاد و یعقوب از لیا صاحب شش پسر و از راحیل دو پسر < حضرت یوسف و ابن امین > و از هر دو کنیز دو، دو پسر پیدا نمود که مجموعاً دوازده پسر شد و بنی اسرا نیل همه از اولاد یعقوب میباشند.

تلخیص از کتاب روضة الصفا تالیف محمد بن خاوند شاه بلخی

خلاصه از زندگی داوود <ع>

داوود خوردترین پسر < ایشا > از اولاد ده، یهودا بود و همواره با فلاخن و توبره، پر از سنگ به شبا نی مشغول بود.

زمانیکه جنگ بین سپاه طا لوط و جالوط واقع شد، جا لوط بر طالوط خطاب کرد که یا خودش و یا نماینده اش برای مبارزه تن به تن حاضر گردد. طا لوط منادی کرد که هر که با جا لوط مبارزه کند ویر او پیروز گردد، وی دختر خود را در عقد نکاح او درمی آورد. داوود که آنوقت چوپان بچه بود برای این مبارزه داوطلبانه حاضر گردید و سر انجام جالوط را با سنگ فلاخن بقتل رسانید و سر او را به طا لوط برد. طا لوط به عهد خود وفا نکرد و در ازدواج داوود با دخترش تعلل کرده شرطهای دیگری را پیش کرد. داوود همه شرطها را یکی یکی دیگر برآورده ساخت و سر انجام با دختر طا

لوط ازدواج کرد.

سالها بعد زمانیکه طا لوط وهمه پسرانش در جنگی بقتل رسیدند، سلطنت بنی اسرائیل به دست داوود قرار گرفت و داوود در جریان پادشاهی به مقام نبوت نیزنایل گردید. او برای اینکه از پول دسترنج خود زندگی کند صنعت آهنگری وزره با فی را فرا گرفت و خداوند در دستان او آهن را نرم کرد. داوود روزی از بالای بام در باغ همسایه زن برهنه را دید که بر کنار برکه، آب خود را می شست و داوود باوجود داشتن زنهای دیگر، برآن زن مایل گشت. پس شوهر آن زن را که < اوریا > نام داشت در چندین جنگ بر علیه دشمنان خود فرستاد و دسیسه ها کرد تا آنکه آن مرد کشته شد و داوود زن او را خواست.

زن اوریا ازدواج خود را با داوود مشروط بر آن کرد که اگر از ایشان پسری به دنیا آید آن پسر جا نشین داوود گردد. داوود شرط او را پذیرفت و از آن ازدواج سلیمان پیغمبر به دنیا آمد.

داستان قتل حضرت یحیی

گویند در زمان یحیی پیغمبر ، پادشاه بیت المقدس زنی داشت پیر ، و آن زن از شوهر قبلی خود دختری داشت جوان و زیبا . زن شاه از خوف اینکه مبادا شوهرش زن دیگر بگیرد ، از شوهر خواست تا دخترش را به زنی بگیرد . شاه در آن بابت از یحیی مشورت خواست و پیغمبر اجازه نداد که شاه با دختر اندر خود ازدواج کند . سپس زن شاه دختر خود را بیمار است و فرستاد تا شاه را شراب بدهد و مست کند . دختر همچنان کرد و شاه در عالم مستی از آن دختر تقاضای همبستر شدن را نمود . دختر ، مطابق به پلان مادر خود ، تقاضای شاه را منوط بر قتل یحیی کرد . شاه در حالت نشه حکم قتل یحیی را صادر کرد و عمال او سر یحیی را بریدند و در طشت زرین پیش شاه بردند .

مزدك

آ ورده اند که در دوره زمامداری « قباد » مردی بنام « مزدك » پیدا شد که دعوی پیغمبری میکرد و میگفت که آتش با من سخن میگوید. او درزیر آتشکده محلی تعبیه کرده و سوراخی از آن به خارج گذاشته بود که از چشم مردمان پنهان بود و چون مزدك به آتشکده میرفت و آتش را مخاطب قرار میداد، مردی که در زیر زمین بود به سخن در می آمد و به او پاسخ میگفت، آنگاه قباد به او عقیده پیدا کرد و جمع انبوهی از سفالگان پیرو مزدك گردیدند.

مزدك گرفتن زنها و اموال مردم را جایز میگفت و خوردن گوشت حیوانات را جواز نمیداد و پیروان او اموال و زنان دیگران را غصب میکردند. روزی مزدك زن قباد را که مادر انوشیروان بود از قباد تقاضا کرد و قباد امتناع نرزید، ولی انوشیروان تضرع ها کرد و به پای مزدك افتید و پای او را بوسید تا مزدك از خواست خود دست بردارد.

چون بعد از فوت قباد پسرش انوشه، روان به پاد شاهی رسید به مزدك گفت تا اسامی پیروان خود را بنویسد تا به آنها انعام داده شود و نوازش کردند و چون فهرست نامها را از مزدك گرفت، آن جماعت را بر در سرای سلطان جمع آوردند و خوانسالاران آنها را فوج فوج به بیهانه، طعام دادن به باغ می خواندند. در آن باغ مفاکها و حفره ها کنده بودند و سرهنگان، اوشانرا در آن مفاکها می انداختند تا نوبت به مزدك رسید و او را هم با دیگرانش ملحق گردانیدند.

در کامل التواریخ مذکور است که در یکروز به امر نوشیروان یکصد هزار زناده (پیروان مزدك) را در شهرها حلق آویز کردند و زنان را به شوهران شان گردانیدند و اموال شان را به صاحبان اصلی آن مسترد کردند.

ضحاکِ ماران

چنین خواندم که ضحاکِ ماران پسرِ مرداس یکی از پادشاهانِ
حَمَّ یَر در عربستان بود. او مرد گستاخ و ددمنش بود و روزی به اغوای
شیطان پدر خود را بکشت و خود را پادشاه ساخت و رو به سوی قلمرو
جمشید در بلاد آریانا نمود و جمشید را از تخت سلطنت برانداخت و ظلم
را در سر تاسری متصرفات خود عام گردانید.
گویند ضحاکِ ناگهان به بیماری سختی مبتلا شد و از دو کتف او دو پاره
گوشت بشکل مار پدیدار گشت و رنج او از آن گوشتها چون از اندازه زیاد شد،
آنوقت شیطان بصورت پزشکی بوی رو آورد و گفت که در مان آن مرض اینست
که روزانه مغز سر دو جوان به ماران داده شود. از آن روز به بعد اولاً به
برآوردن مغز سر زندانیان پرداختند و سپس دست به مردم کوچ و بازار
زدند، تا اینکه دو پسر کاوه- آهنگر را نیز بهمین طریق کشتند.
آننگاه، کاوه پیشبند چرمی خود را بر سر چوبی بلند کرد و مردم را در

برانداختنِ ضحاک دعوت کرد، آنگاه مردم قیام کردند تا ضحاک را بر انداختند و آخر الامر، فریدون یکی از اولاده های جمشید به پادشاهی برگزیده شد.

در کتاب روضه الصفا جایگاه ضحاک را < دماوند > نوشته اند ولی در کتاب < خراسان بزرگ > منطبعه، ایران خواندم که او در بامیان بود و پسران ضحاک ماران از بامیان از دست فریدون فرار کردند و در غور سکونت گزیدند و شهر هرات به دستور دختر ضحاک که هرات نام داشت بنا گردید و از آن رو آن شهر را هرات نامیدند.

جهان پهلوان رستم داستان کی واز کجا بود ؟

آنوقت که سام نریمان فرمانفرمای ولا یاتِ نیمروز، زابل، کابل و قسمتی از هندوستان بود او صاحبِ پسری شد که موی سر و مژه اش سفید بود و از جهت سفیدی موی او را < زال > خواندند . چون زال به سن بلاغت رسید سام حکومتِ خود را موقتاً به زال سپرد و خود به هند رفت . زال در موسم بهار به کابل آمد و دخترِ مهرا ب شاه کابل که رودابه نام داشت بر زال عاشق شد و زال هم عاشقِ آن دختر گردید . سپس زال با دخترِ مهرا ب شاه کابلی از دواج کرد و رستم جهان پهلوان از همین از دواج به دنیا آمد .

رستم در زمانِ حیاتِ خود کار نامه ها و شجاعت‌های بینظیری نموده است که کتب تا ریخ و شاهنامه ها در بابِ آن داستانها دارند و داستانِ کشته شدن سهراب پسر رستم به دست پدرش از جمله داستانهای مشهور شاهنامه، فر دوسی میباشد . رستم را برادری بود بنام < شغاد > که دختر شاه کابل را به زنی

گرفته بود و در کا بل می زیست . گویند برای رها نیدن شاه کابل از باج دهی به رستم ، شغاد خود را به دروغ از کابل شاه رنجیده نشان داد و نزد رستم رفت و برادر خود را در جهت رفتن بسوی کا بل تر غیب کرد .

کابل شاه برای دریند کردن رستم بر سر راه او چاه هایی کنده بود و رستم در چاه افتاد . زمانیکه رستم از چاه برون شد تیر و کمان را از نزد شغاد بگرفت و قصد جان شغاد را کرد . شغاد در عقب درخت چناری پنهان شد ولی تیر رستم از درخت گذشت و شغاد را با درخت بهم دوخت و شغاد بقتل رسید . چون این خبر به نیمروز رسید ، فرا مرز به انتقام خون شغاد به کا بل آمد و کابلشاه را شکست داد و رستم را بکشت و جسد رستم را به نیمروز نزد سام برد و سام که حکومت زابل را داشت حکومت کابل هم از آن او شد .

قتل گهیز

غروب ۷ دسامبر ۱۹۷۲ شش مرد در مقابل خانه منہاج الدین گهیز در کابل ایستادند. گهیز ناشر و سر دبیر روز نامه و مسلمان متعصب و یکی از روزنامه نگاران ضد کمونست جهان اسلام بود و فعالیتها و خرابکاری (کی، جی، بی) را در خاور میانه فاش ساخته و بکرات توجه اعراب را به کتابها و تبلیغات ضد مذهبی شوروی جلب کرده بود. بارها تیلیفونهای ناشناس، گهیز را تهدید کرده بود که چنانچه در باره روسها سکوت نکند کشته خواهد شد، و حالا دو نفر از ۶ نفری که وارد خانه گهیز شدند برای آخرین بار به او اخطار کردند که آخرین فرصت به او داده میشود که دست از مبارزات ضد کمونستی بر دارد. وقتی گهیز بآنها بشدت مخالفت کرد به او شلک کردند همانش را

بسختی مجروح کردند و او و برادر زاده اش را کشتند. این سوء قصد عمداً با خشونت انجام گرفت و منظور این بود که نه تنها یکی از مخالفان سر سخت را نابود کنند بلکه بقیه، مخالفان را بوهشت اندازند و وادار بسکوت نمایند.

آدمکشان عمداً آثار مشهوری از خود بر جای گذاشتند. طبق گواهی شهود این افراد باجیب روسی آمده بودند، پس از آزمایش گلوله ها معلوم شد گلوله هایی که موجب مرگ گهیز و برادر زاده اش شده بود از اسلحه، اتوماتیک روسی شلیک شده است.

پس از این سوء قصد <سرجی پتروویچ کیکتو > سفیر شوروی بدون تشریفات کشور را ترك کرد. مجلات کرسین ساینس والوار اکتوال < کیکتو > را کار مند < کی جی بی > معرفی کردند. وی در سال ۱۹۲۷ - ۱۹۲۹ ماموران جاسوسی را در ترکیه ، از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲ در مصر ، واز ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۱ در لبنان هدایت میکرد ودر هر سه کشوربا تروریستها نیز سر وکار داشت.

طبق نوشته، الوار اکتوال ، کی جی بی او را در افغانستان مستقر کرد تا نفوذشوروی را بر جبهه آ زادی خلیج فارس تحکیم کند. در ماه نومبر مجمع جهانی مسلمانان برای تقبیح این قصد و دخالت

و شرکت شوروی در آن در مکه تشکیل شد. مطبوعات افغانستان اعلان کرد که (کیکتو) مسول این خیانت بوده است و روز نامه های متباقی نوشتند که این سوء قصد با دخالت خارجیان صورت گرفته است. (کیکتو) با کمک مرکز از مسیر طوفان گذشت. در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۲ سفیر جدید شوروی در مراکش که کسی جز (سر جی ویچ کیکتو) نبود استوار نامه اش را تقدیم کرد. از صفحه، ۴۷۴ عملیات کی جی بی نوشته جان برون

اعداد ابجد

چون در تمام جداولیکه درین مجموعه از کتاب تاریخ عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی اقتباس گردیده است حروف ابجد بکار رفته و از جانب دیگر استعمال حروف ابجد درین عصر رواج چندانی ندارد، لهذا بغرض سهولت در فهم خوانندگان گرامی این اثر، کلید دانش حروف ابجد ذیلا تذکار داده میشود:

الف	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰
ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر		
۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰		
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ			
۲۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰			

این قصیده بمناسبت سفر اعلیحضرت امان اله خان
به ایران در تهران سروده شده است

بتاریخ شنبه ۲۰ جوزای سال ۱۲۰۷ هجری شمسی که شاه امان اله خان
پادشاه افغانستان ضمن یک بازدید رسمی وارد تهران گردیدند، جراید
ایرانی در استقبال از ایشان نشراتی داشتند و منجمله از یحیی ریحان
شاعر ایرانی قصیده‌ای طویلی در وصف شاه موصوف منتشر نمودند که
قسمتهای کمی از آن ذیلاً یادداشت میگردد:

تا جلوه کرد کوبه، شاه نامدار
خورشیدر شک بردازین شهرواین دیار
ای ملک جم بناز برین طالع بلند
ای آسمان ببال برین خوب روزگار
ای شهریار عادل و معبود مرد وزن
وی دوستدار مردم و محبوب کردگار

ای عاشق تجدد وای دوستدار دین
ای تکیه گاه ملت وای شمس، تبار
ای اختر سعادتِ افغانزمین که یافت
مشرق ز نام فرخ تو قدر و اعتبار
تا مژده، وصال تو شد زیبِ گوش خلق
افتاد شور بر سر مردم زهر کنار
شاهِ جوان امیرا مانِ الهِ بزرگ
تا از وفا بجانب این ملک بست بار
روی زمین ز مقدم او گشت مشک بیز
باد صبا ز موکب او گشت مشکبار
منت خدای را که نمردیم و افتاد
بر روی دلفروز تو چشم امید وار
این خانه نیست در خور مهمانِ ازجمند
هستیم از بضاعت مزجات شرمسار
ای مهمان بفرق خلیق بنه تو پای
ای پادشاه بدیده، مردم قدم گذار

مالیم و نقد جان که بود در کفِ خلوص
این هدیه نیست گرچه ترا لایقِ نثار
ای خسروی که بهر ترقیِ ملکِ خویش
بیرون شدی ز کاخ و سفر کردی اختیار
از بهر عیش و نوش نکردی تو این سفر
رفتی که علم و دانش و صنعت کنی شکار
گشتی تو از تمدن هر قوم باخبر
گشتی تو بر سیاست هر ملک هوشیار
رفتی پیاپی خویش بهر کارخانه‌ای
بر کشتی فنون و صنایع شدی سوار
از دیدن شهان و بزرگان باخبر
باز آمدی بدیدن یا رانِ دوستدار
ای شاه، ملتِ تو و ایران برادرند
در این دو اختلاف نباشد به هیچ کار
گر مسلمی به رنج بگرید به اصفهان
نالد ز درد موی من دیگر به قندها ر

باید که زتحداد و وفا این دو مملکت
گردند از حواد ث ایام رستگار

.....

فهرست منابع و ماخذی که درین کتاب از آنها استفاد گردیده است

- ۱ - کتاب < اوستا > تالیف اکادمیسین داکتر عبدالاحمد جاوید -
طبع ستاکهولم سویدن - سال ۱۹۹۹ برابر با سال ۱۲۷۸ خور شیدی
- ۲ - کتاب < ملا ، مارکس ، ومجاهد > به انگلیسی تالیف رالف
مگنس و ایدن نیبی - طبع ایالات متحده، امریکا - سال ۱۹۹۸
- ۳ - کتاب تاریخ سیستان (که بر اساس گفته، ناشر آن) در
نیمه، قرن پنجم هجری تحریر گردیده و در سال ۱۲۷۲ هجری شمسی
در تهران به کوشش جعفر مدرس صادق طبع گردیده است .
- ۴ - کتاب تاریخ مصور ایران - بکوشش مهندس محمد حسین امینی
سام طبع لاس انجلس امریکا - سال ۱۲۷۲ هجری شمسی .

۵ - جلد دوم کتاب < افغانستان در پنج قرن اخیر > تالیف میر محمد صدیق فر هنگ - چاپ صدر - قم ، سال ۱۲۷۱ هجری شمسی

۶ - کتاب خراسان بزرگ ، تالیف داکتر احمد رنجبر - چاپ تهران سال ۱۲۶۲ هجری شمسی .

۷ - کتاب < تاریخ ، وقایع ، و سوانح افغانستان > بقلم علیقلی میرزا طبع طهران در سال ۱۲۷۲ هجری قمری

۸ - کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میر غلام محمد غبار جلد اول ، چاپ قم ایران اسد ۱۲۵۹ هجری شمسی < طبع ثانی >

۹ - کتاب تراژدی افغانستان نوشته راجا انور طبع لندن و نیویورک به لسان انگلیسی .

۱۰ - کتاب چکیده، تاریخ ایران - نوشته، حسن نراقی - طبع تهران
سال ۱۲۷۸ هجری شمسی.

۱۱ - کتاب تاریخ گردیزی - تألیف ابو سعید عبدالحی بن ضحاک
بن محمود گردیزی - در حدود سنه ۴۴۲ - ۴۴۲ هجری قمری ، به
تصحیح، تحشیه و تعلیق علامه عبدالحی حبیبی - چاپ تهران در سال
۱۲۶۲ هجری شمسی .

۱۲ - کتاب تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر، توسط
استانلی لین پل و بار تولد - ترجمه، احمد سعید سلیمان ، خلیل
ادهم و صادق سجادی - چاپ تهران در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی .

۱۳ - کتاب تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی نوشته، دکتر رکن
الدین همایونفر - طبع تهران - سال ۱۲۷۰ هجری شمسی .

۱۴ - جلد لول ، دوم و سوم کتاب تحولات سیاسی جهاد افغانستان
نوشته، داکتر نصری حق شناس چاپ دهلی در سال ۱۲۷۷ هجری
شمسی.

۱۵ - کتاب روضة الصفا نوشته، محمد بن خاوند شاه بلخی طبع ایران

۱۶ - کتاب افغانستان و ظهور طالبان نوشته، حسام الدین امامی چاپ
تهران در سال ۱۲۷۸ هجری شمسی .

۱۷ - یادداشتها و بگردن نویسیهای نویسنده از کتب ، جراید ،
وسایرنشریه های مختلف افغانی و غیر افغانی.

ابراز امتنان

از فاضل گرانقدر، دوست دانشمند و مهربانِ خویش محترم محمد
آصف آهنگ که در زمینهٔ فراهم آوری قسمتی از منابع و ماخذ این
مجموعه از همکاری بیدریغ خویش با من مذاقّه نفرموده اند و من از
نظریات سودمندشان مستفید گردیده‌ام قلباً ابراز امتنان نموده
صحتمندی، سعادت و طول عمر او شان را خواهانم .

(عینی)

Afghanistan

BRIEF HISTORY

&

Chronology Of Events

By

Mohammad Yunus Aini